

بامشاد

Interacy corps



پیکان جوانان ۵۶

ペイカン. ジャワナン

www.javanan56.com

بهای اشتراك ساليانه ۴۰۰ ريال
 شش ماهه ۲۱۰ ريال
 باضافه هزینه پست زميني يا هوائي } در خارج

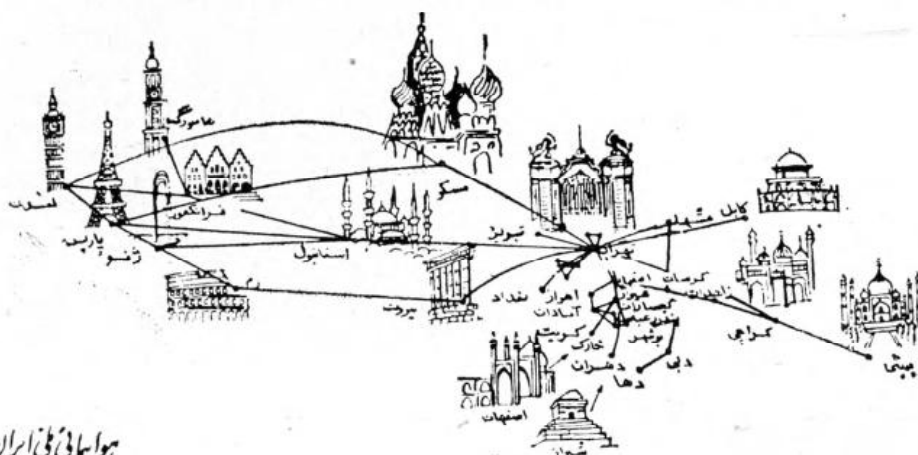
بهای تکفروشی ۱۰ ريال
 یکساله ۴۵۰ ريال
 شش ماهه ۲۳۰ ريال } در ايران بهای اشتراك



بازخط جدیدی برخطوط پروازهای بین‌المللی
 هواپیمایی ملی ایران «هما» اضافه شد

از ۱۲ فروردین ۴۷

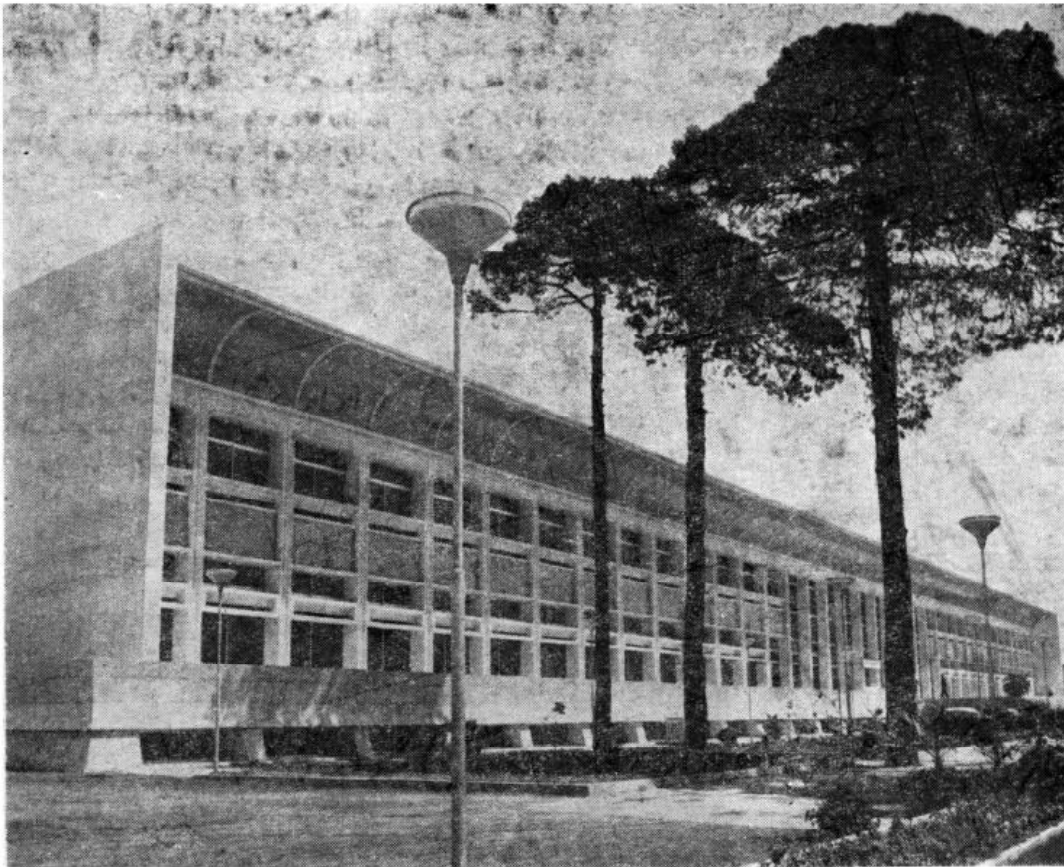
شنبه و سه‌شنبه اروپا از طریق مسکو



هواپیمایی ملی ایران «هما»

همزمان بابر گزاری کنفرانس حقوق بشر در تهران ساختمان جدید مجلس شورای ملی آماده و مورد استفاده قرار گرفت

پروژه ساختمان جدید مجلس شورای ملی توسط شرکت تونل ساختمان شروع و در سال جاری به پایان رسید



سالهای متعددی بود که مجلس شورای ملی در همان ساختمان قدیمی خود مستقر شده و حتی در ظاهر هم کوچکترین تغییری در آن بوجود نیامده بود بخصوص در قسمت شرقی دیوارهای کهنه و قدیمی با پنجره‌های کوچک حکایت از عمر دراز این مرکز قانونگذاری میکرد. در برنامه عمرانی سوم طرح تجدید بنای ساختمان مجلس شورای ملی در چند قسمت تصویب و در سالهای قبل از ۱۳۴۰ کارهای اسکلت بندی و بتن ریزی دو قسمت شمالی و جنوبی آن انجام گردید. یکسال بعد از این تاریخ عملیات ساختمانی متوقف و در آبان ماه ۱۳۴۳ مجدداً

ادامه و تکمیل قسمت جنوبی ساختمان از طریق وزارت آبادانی و مسکن به شرکت ساختمانی تونل ساختمان واگذار گردید وزیر نظر مستقیم اداره کل ساختمان این وزارتخانه کلیه کارهای ساختمانی و تاسیساتی انجام و در همین قسمت چه در عملیات ساختمانی و چه در امر نظارت از متخصصین خارجی استفاده نگردید و کارها تماماً در نهایت دقت و سلیقه و استحکام توسط مهندسین ایرانی پایان یافت. پیمانکار مذکور از همان بدو انعقاد قرار داد

عملیات ساختمانی و تاسیساتی را با جدیت و پشتکار فروان شروع و همزمان با برگزاری کنفرانس حقوق بشر در تهران تحویل مقامات مسئول نمود.

مشخصات ساختمان جدید

این ساختمان که بسبب معماری شرقی ساخته شده در زمینی بمساحت ۱۴ هزار متر مربع و در سه طبقه بنا گردیده و طبقات آن بترتیب عبارتند از ،

۱- زیر زمین شامل آشپزخانه ، موتورخانه ، مرکز برق ، رستوران کارمندان و اطانهای اداری

۲- طبقه اول شامل سر سرای اصلی ، اطاق مخصوص تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر ، سالن بزرگ اجتماعات و پذیرائی ، اطاقهای کمیسیون ، اطاقهای رئیس و نواب رئیس مجلس شورای ملی توضیح آنکه سالن اصلی همان سالن بزرگ اجتماعات است که گنجایش ۱۲۰۰ نفر را دارد .

۳- طبقه دوم شامل : سالن جلسات خصوصی ، رستوران اصلی که میتوان تعداد ۸۰۰ نفر را در آن پذیرائی نمود و اطاقهای

مخصوص کمیسیون ها . همانطور که گفته شد کلیه عملیات ساختمانی و الکتریکی و آبرسانی توسط شرکت تونل ساختمان و کارهای حرارتی و تهویه مطبوع نیز وسیله شرکتهای کولاک ایرمک و تکنوفریکو انجام و در راس موعدمقرر به پایان رسید .

ساختمانهای دیگر

پروژه ساختمانی جدید مجلس شورای ملی در سه قسمت شمالی ، مرکزی و جنوبی طرح گردیده که تا کنون عملیات ساختمانی عمارت جنوبی با تمام رسیده

که مشخصات آن در بالا به تفصیل ذکر گردید. قسمت شمالی همان ساختمان نیمه تمام قبلی است که مشرف به خیابان ژاله است و فعلاً مرکز تلویزیون آموزشی است و پس از اتمام که در برنامه چهارم عمرانی خواهد بود به قسمت اداری مجلس شورای ملی اختصاص داده خواهد شد. قسمت مرکزی که پروژه آن تهیه گردیده و هنوز ساخته نشده تالار بزرگ جلسات عمومی است که بگنجایش ۵۰۰ کرسی پیش بینی شده و در برنامه چهارم ساخته شد.



می گویند چه دنیائی است؛ بلی این است کاریکاتور
دنیای ما !
دنیائی که در آن همه مظلومند و درعین حال
همه ظالم!

مظلومند، وقتی که میترسند
و ظالمند، وقتی که می توانند بترسانند



کنراد هیلتون هشتاد ساله، از موريس شوالیه هشتاد
ساله، شخصاً دعوت کرده بود که در جشن دوست و
پنجاهمین سالگرد تأسیس اولین هیلتن در ایالت
«لویزیانا» در هتل هیلتن پاریس شرکت کند و وقتی
این دو جوان قدیمی، شادان و خندان بهم رسیدند،
در حالیکه سفت و سخت دست هم را می فشردند، هر دو
در يك لحظه يك جمله را بهم رد و بدل کردند.

- مثل اینکه تو روز بروز جوانتر می شوی!
فرق آدم خوشبین با آدم بدبین در این است
که بدبین با افسوس بگذشته فکر می کند؛
- پیر شدیم ها! جوانی کجائی که یادت بخیر!
در حالیکه خوشبین با امید بحال و آینده می نگردد...

قدیمی ها، وقتی يك بچه قنذاقی، دست و پايش
را از قید و بندی که بر آن بسته بودند نجات می داد،
با حیرت می گفتند. یکوجبی چه دست و پائی از قنذاق
در آورده است!..



و چیزی که هرگز باورشان نمی شد این بود که
بالاخره روزی روزگاری میرسد که یکوجبی ها نه فقط
دست و پا از قنذاق در می آورند... بلکه اگر آب هم به
بینند شنای کنند. امروز درمونبخ «جان لمان» نه ماهه
شش دقیقه و پانزده ثانیه شنا کرد و رکوردی را که
قبل از او از آن «آنت پتزولا» بود شکست ... آنت
فقط پنج دقیقه شنا کرده بود اما با این امتیاز که
خود او پنج ماه بیشتر نداشت...

اگر مرده ها سرازقبر در می آوردند، می گفتند
خدا بدور این ها که بچه آدم نیستند، بچه جنند!



برج ایفل، مظهر پاریس و مظهر جهانی فرانسه
است.
این برج را حالا می خواهند رنگش کنند.
و در حالیکه عده ای از اعضای انجمن شهر پاریس

تاین هفته

وزیر پست و تلگراف و تلفن آمریکا در جلوی کاخ سفید، در حضور جانتسون مشغول ایراد نطقی است. بالنسبه طولانی که بیش از هر کس، پسر کوچکش، مازوین ۴ ساله را خسته کرده و کودک در حالیکه روی زمین پهن شده است، با تعجب برئیس جمهور خیره شده است که این چرا اینطور بحر فهای پا پا گوش می کند؟!



فرق بچه ها ، با بزرگها این است که بچه ها اغلب هر چه فکرمی کنند نشان می دهند و بزرگها ، اکثر آنچه می اندیشند، پنهان می سازند .



روزنامه ها نوشته بودند که وزارت دارائی برای تهران دارد نقشه مالیاتی تهیه میکند ... و «زارع» کاریکاتوریست ما، چنانکه گوئی خواب نما شده است ، مدعی است که از این نقشه خبر دارد :
- يك كلاه گشاده كه بنده وشما توش گم بشویم ..



می گویند همان رنگ قدیمش خوب است، قهوه ای تیره... شهردار پاریس علاقه دارد بآن رنگ آبی، یا خاکستری بزند... اما در این میان روزنامه «فرانس سوار» ناگهان خودش را وسط می اندازد و می گوید که برج ایفل ، مال يك نفر و دو نفر نیست، برج ایفل مال همه فرانسویها بخصوص پاریسی هاست و از این جهت این مردم فرانسه هستند که باید برای بدهند که دلشان می خواهد عروس خانم ایفل، چهره رنگ پوششی داشته باشد و بعد خودش پیشقدم شده و این امر را به «فراندرم» گذاشته است. - میل دارید برج ایفل را در چهره رنگی ببینید؟ آيا تارديد داريد كه اگر اكثريت مردم بگویند، زرد ... یا سبز را... یا بنفش ، برج ایفل بی چون و چرا همان رنگ خواهد یافت ؟



این آقایانی که اینطور سرحال ، دست در دست زنش ، مشغول گردش است، آقای دکتر بلیرک است مردی که قلب انسان دیگری در سینه اش می تپد... و با این قلب احساس جوانی می کند، نشاط می کند گوئی که يك بار دیگر بزندگی برگشته است. یاد آن معلم امریکائی بخیر که بشاگردانش گفته بود ، معجزه عیسی ، معجزه موسی ، اینها چه معنی دارد... ما خودمان هم اکنون در عصر معجزات هستیم و معجزه گران عصر ما نیز هیچکدام ادعای پیامبری ندارند ... چه معجزه ای از این اعجاب انگیزتر که سفینه بی سر نشینی را بکره ماه می فرستند و بر میگردانند چه معجزه ای از این غریب تر که از نیروی يك ذره چرخهای عظیم کارخانه هائی را بکار می اندازند ... چه معجزه ای از این حیرت آورتر، که در اطاقمان می نشینیم و صفحه تلویزیون مثل جام جهان نما همه وقایع عالم را در همان لحظه رویداد به پیش چشمان می آورد... و بالاخره مردی مثل دکتر بارنارد، قلب مردی را در سینه مرد دیگری می نهد و بعد نظیر عیسی که گفت: لازار برخیز ! او از گور برخاست... می گوید دکتر بلیرک بزندگی برگردد، و او برمی گردد . وای که چقدر سعدي درست و بجا گفته که :

رسد آدمی بجائی که بجز خدا نبیند
نکر که تا چه حد است مقام آدمیت



دیدنیها، شنیدنیها و خواندنیها

سینما

سیاره وحشی ها اثر: فرانکلین شافنر- هنرپیشگان: چارلتون هستون، رودی مک‌داول، کیم هانتز- سینما سکوپ، رنگی (آمریکائی).
آخرین فیلم شافنر کارگردان نوپرداز سینما سازنده «سردار سر نوشت» که اینک با همان گروه، این فیلم را بافتباس از یک داستان افسانه‌ای - علمی بوجود آورده و بیش از هر کارگردانی تا بحال در ساختن محیط و فضای لازم موفق بوده است.

دره گناه اثر: مارک رابین- هنرپیشگان: باربارا پارکینز، پتی دوک، شارون تیت، سوزان هیوارد سینما سکوپ، رنگی (آمریکائی).
ماجرائی از زندگی پشت پرده ستارگان سینما و اعتیادات آنها به فرصت‌های مخدر، وسعوطشان اقتباس از کتابی موفق و معروف با شرکت ستارگان تازه کار و زیبارو، و با کارگردانی مردی که در ساختن فیلمهای حادثه‌ای تبحر بیشتری دارد.

برای پیروزی اثر: کن آناکین هنرپیشگان: رابرت ریگان، هنری فاند، پیر آنجلی، جیمز مک- آرتور، چارلیز برانسون - سینه راه-سا، رنگی (آمریکائی).
از رشته فیلمهای معظوم پرخرج آمریکائی، در باره جنگ دوم، و ورود متفقین به خاک اروپا، این بار جنبه جنگ در بلژیک است. با شرکت تعداد زیادی هنرپیشه سرشناس، موجود یک فیلم «تماشائی».

دور از اجتماع خشمگین اثر: جان - شلینگنر - هنرپیشگان: جولی کریستی، پیتز فینچ، آل بیتس- ترنس استمپ، سینما سکوپ، رنگی (انگلیسی).
فیلمی بافتباس از یک کتاب مشهور ادبیات انگلیسی، با پرداخت و کارگردانی یک فیلمساز جوان، سعی شده جنبه‌های کلاسیک، و غنائی و امروزی اثر در عین حال در کنار هم حفظ شود.

یک عشق اثر: روسا نو براتی- با شرکت: روسا نو براتی- (ایتالیائی).
این بار این هنرپیشه ایتالیائی دست بتهیه و بازی در فیلمی زده که احتمال موفقیت و فروش تجاری آن بسیار است. بر مبنای عشق میان یک دختر جوان و یک مرد من - مورد توجه نوجوانان.

بی ترجمه ها با شرکت: آن تولی استیفن - سینما سکوپ، رنگی (ایتالیائی).
فیلم دیگری از رشته وسترن‌های ایتالیائی با شرکت یک آمریکائی غول پیکر، به علاوه خشونت و سادیسیم.

شیطان صفتان اثر: هانری ژرژ کلوژو- هنرپیشگان، بل موریس، سیمون سینوره، ورا کلوژو (فرانسوی).

فیلمی بر اساس یک داستان جنائی، با پایان غیره منتظره، و سبک و پرداخت خاص این کارگردان با بازی درخشان سینوره فیلمی که در زمان خودش موثر و تکان دهنده بود.
باید در نمایش مجدد آنرا دید.

کتاب

نمایشنامه

«انللو» اثر ویلیام شکسپیر، این بار در چاپ چهارم جزء کتابهای جیبی منتشر شده است. با ترجمه سلیس «م» به آذین، از آثار مشهور این نمایشنامه نویسی بزرگ انگلیسی.
از انتشارات: سازمان کتابهای جیبی - قیمت: ۳۰ ریال.

«هملت» اثر ویلیام شکسپیر، با ترجمه «م» به آذین، چاپ دوم، داستان پرنس غمگین دانمارک است.
از انتشارات: سازمان کتابهای جیبی - قیمت: ۳۵ ریال.

داستان

(ترجمه)

«زندگی من» از کتابهای شپین و خواندنی «آنتوان چخوف» نویسنده بزرگ روس، همراه باطنز تلخی که خاص این نویسنده است. چاپ سوم. ترجمه جهانگیر افکاری.
از انتشارات: سازمان کتابهای جیبی - قیمت: ۲۵ ریال.

«راز کوه نوره» اثر «آکا تا کریستی» از کتابهای تازه ترجمه شده این خنم جنائی نویس انگلیسی است. سبک آرام همیشگی نویسنده؛ این بار نیز در این داستان جنائی حفظ شده است.

نمایشگاه

نمایشگاه آثار نقاشی «غلامحسین نامی» در تالار سیحون.

نمایشگاه آثار نقاشی «طبیعت بیجان» از «پروانه اعتمادی» در تالار «قندریز».

نمایشگاه دسته جمعی از آثار: کاتوزیان - ایران درودی - متین دفتری - صادق پوررانی - هرشاهی منصور حسینی - اویسی - در تالار «نگار»

نمایش

«آی با کلاه، آی بی کلاه» اثر دکتر غلامحسین ساعدی (گوه مراد) با شرکت نصیریان - جعفری - انتظامی - در تالار ۲۵ شهریور.

صفحه

«در عمق چشمان طلایی» از سیلوی وارثان Au fond des yeux
و «سلام» خدا حافظ از بیتلها.

Hello, Goodbye
از آهنگ های موفق این هفته بوده اند.

نمایندگان بامشاد در شهرستانها

آبادان :	آقای عزیز چوبدار
اصههان :	«اعتدالی»
اهواز :	«رحمن رکتی»
بابل :	«علمی»
بانه (کردستان) :	«ظاهر محمدی»
بجنورد :	«هاشمی»
بندر پهلوی :	«باقری»
بندرگز :	«عباسعلی کردی»
بروجرد :	«شهرام»
بندر شاپور :	«کیانی»
بندر بوشهر :	«حسین دهدار»
بندرامهر شهر :	«نوروزی»
بهشهر :	«علی عزیزیان»
بهبهان :	«بهبهانی»
بوکان :	«اسمعیل زاده»
تبریز :	«مالزاده»
خرم آباد :	«مهدی محمدی»
خرمشهر :	«فرج اله لاری»
خمام :	«غیاثی»
داراب :	«نجیب زاده»
رشت :	«قانع صفت»
رضائیه :	«زینالپور»
رامسر :	«دانش پژوه»
سراب :	«خوش خلق»
ساری :	«شهنازی»
سبزوار :	«قاری زاده»
سمنان :	«هاشمی»
سنندج :	«ارجمند»
شیراز :	«آگهی»
شاه آباد غرب :	«کریم چیدری»
شاهی :	«داریوش نظری»
شاهرود :	«کوهستانی»
سقز کردستان :	«کیانی»
قم :	«مهدوی»
قوچان :	«پرویز دلاوران»
قهفرخ (اصفهان) :	«فرخ نژاد»
کرمان :	«جهانگیری»
کرمانشاه :	«خانجانی»
کازرون :	«هوشداران»
گنبد کاوس :	«عمیدزاده»
گچساران :	«اکبر چیدری»
گرگان :	«بانو کمالی»
لاهیجان :	«سعادت مند»
لنکرود :	«حسن زاده»
مراغه :	«شاکردیان»
مسجد سلیمان :	«کریمی»
مشهد :	«غفرانی»
مهاباد :	«معروف زاده»
نائین :	«صفوی پور»
نیشابور :	«توسلی»
همدان :	«طریقت یاب»
یزد :	«کریمی»
خمین :	«مهدی معماری»

بامشاد

هفته نامه اجتماعی و سیاسی و هنری
روزهای سه شنبه تهران

تاسیس: ۲۰ خرداد ۱۳۳۵
صاحب امتیاز و ناشر و مدیر مسئول:
اسماعیل پوروالی

محل اداره: خیابان شاهرضا انتهای
کوچه فتوحی (بین روزولت و رامسر)
شماره ۷۳

تلفن دفتر: ۶۹۴۱۶
نشانی تلگرافی: تهران بامشاد
تهیه و تنظیم تصاویر روی جلد از:
استاد محسن دولو
تلفن: ۳۳۳۲۲۸

هیئت نویسندگان و مترجمان

(بترتیب حروف الفباء)

صفا حائری، بیژن خرسند، محمد علی
سفری، محمد علی طاهبازیان، محدرضا
عسکری، رضاعقیلی، پرویز لادین، شاداله
ناظریان، جعفر ماهیار، ایرج نبوی
دارپوش همایون،
عکاس: جواد صادقی
کاریکاتورگستها: لطیفی و خیال و زارع

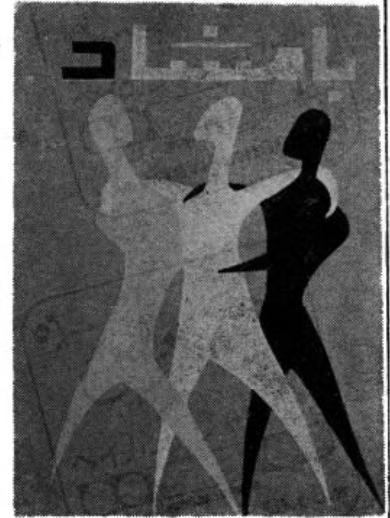
امور اداری

مدیر داخلی: ر. قازاریان
متصدی امور شهرستانها: برهان
متصدی امور آگهیها: دادفر
ناظر مسئول چاپ: امینی
مصحح: اتابکی
چاپخانه: پیک ایران خیابان شاه آباد
کوچه سیدهاشم نمره ۳۴ تلفن: ۳۳۲۹۰۶
متصدی صفحه بندی: حسن عامری
متصدی ماشین چاپ: خسرو حسن زاده
گراورها: از گراورسازی جواهری

تلفن: ۳۳۲۴۱۱

بهای آگهیها:

مشکی: سطری ۴۰ ریال
رنگی بابت هر رنگ سطری ۲۰ ریال
برقیمت مشکی افزوده میشود.
آگهی هائی که بصورت رپرتاژ است سطری
۱۰۰ ریال خواهد بود.



همه انسانها، بدون در نظر گرفتن رنگ و نژاد
و مذهب و عقایدشان باهم برابرند. این یکی از
حقوق مسلم و بی چون و چرای بشری است. با این
همه در کنفرانس حقوق بشر در هفته ای که گذشت
عمده صحبتها در باره این امر بود که هنوز دنیا
از تبعیض نژادی و مذهبی و مسلکی رنج می کشد.
گزارش ما را در این خصوص در صفحه ۹
مطالعه فرمائید.

فهرست بخشها:

- ایران ۸- * سفر تیتو: پایان یک دیدار
۹- * کنفرانس حقوق بشر: اولین حق، حق کرسی
۱۱- * سنتود راه تجدید حیات: جریانات روز: همه چیز عادی و همه جا امن
۱۳- * دولت: نخستین اثر مدون در انقلاب اداری

خبر ۱۵ * از هر گوشه زمزمه ای

خاورمیانه

۱۶ * اباابان از زبان اعراب سخن میگوید

جهان

۱۷- ویتنام: جنگ با صلح
۱۸- برزیل: تنها یک شیوه و بس: قدرت مطلق
۱۹- آمریکا: آیار ابرت اشتباه میکنند: الجزایر: سرزمین انقلاب در
آستانه تحولات تازه

۲۰- * بیافرا: صلح صلح، این است خواست هر دو طرف

۲۱- * یونان: سرهنگها بچلب قلوب پرداخته اند

۲۲- * فرانسه: جاسوس دو جا زبه

اقتصاد ۲۳- * چرا شوروی به نفت خاورمیانه علاقمند است * چینیها در
منطقه روهر

هنر ۲۴- * «چشم براه گودو» از: بکت

۲۵- * موسسه سینماتک فرانسه پیرو زشد

۲۶- * آثار تازه غلامحسین نامی در گالری سیحون (پایان هفته)
نمایشنامه تازه (ویدال)

۲۷- * نکته و خبر

کتاب ۲۸- * نویسنده ای که هوا و آزادی را ارمغان قهرمانانش میکند

۲۹- * فرانسوا نورسیه پاسخ میدهد

در این روز و روزگار

۳۰- * دنیا در سال ۲۰۰۰ میلادی

۳۲- * وقت شمار جدید * مینی بمب * فقط پانزده هزار تومان * لحاف
فضائی * گوشه های موج

هزار و یک مسئله

۳۳- * مسئله بفرنج اوقات ادازی * چشم شماروشن

مطبوعات

۳۴- * بررسی روزنامه ها

۳۵- * کسب و کار

۳۷- «انشلوس» یا سرار الحاق اطریش به آلمان



شاهنشاه وشهبانو، وهیما نان عالیقدرشان در ضیافت کاخ گلستان

ایران

ایران و یوگسلاوی

پایان يك دیدار

رئیس جمهوری یوگسلاوی و بانو ژوزف بروز تیتو روز یکشنبه گذشته بدیدارنش روز خود از ایران پایان دادند و تهران را بسوی مسکو ترک کردند.

اعلامیه ای که در پایان این مسافرت در تهران و بلگراد منتشر گردید موبد این حقیقت بود که ایران و یوگسلاوی علیرغم اختلافی که در طرز رژیم های سیاسی و اقتصادی خود دارند، در مورد مسائل جهانی و در صحنه بین المللی، از دوراه مختلف بسوی هدف های مشترک و مشابهی گام بر میدارند.

طرفین معتقدند که برای حفظ صلح و آرامش جهان باید احترام به اصول مسلم حاکمیت، استقلال ملی، تساوی حقوق و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر کاملاً رعایت شوند، زیرا نقض این اصول

باعث ایجاد تشنج بین دول میشود و در نتیجه «صلح تمام ملل را به مخاطره می افکند».

در مورد خاور میانه، اعلامیه مشترک ایران و یوگسلاوی شباهت زیادی به اعلامیه ای دارد که در پایان مسافرت الکسی کسین نخست وزیر شوروی به ایران صادر شد: «مهمترین امر تحلیله اراضی اشغال شده اعراب از نیروهای اسرائیل میباشد» ولی در عین حال، تهران و بلگراد هر دو عقیده دارند که «رشد آزاد و استقلال همه دول این ناحیه» باید «بدون هیچگونه فشار و دخالت قوای خارجی» تامین گردد.

بدین ترتیب بنظر ناظران سیاسی، بطور غیر مستقیم از شوروی و آمریکا که در حال حاضر نیرومند ترین قدرتهای حامی اعراب و اسرائیل میباشند خواسته میشود که از دخالت در امور داخلی منطقه خود داری نمایند.

در مورد ویتنام، ایران نیز مانند یوگسلاوی خواستار حل این بحران بر اساس قراردادهای ۱۹۵۶ ژنور احترام به «حق» ویتنام در تعیین سرنوشت خود بدون دخالت خارجی، یعنی چه این سووجه آنسو، میباشد. باید یادآوری کرد که این اولین مرتبه ای نیست که ایران دخالت هر خارجی را در امور داخلی ویتنام محکوم کرده است.

از جمله مواردی که سران ایران و یوگسلاوی نظریات مشترکی دارند حفظ صلح بین المللی است. شاهنشاه آریامهر و پرزیدنت تیتو که هر یک، از راه خود، در جاده سیاست مستقل ملی گام بر میدارند بر این عقیده اند که بهترین و ساده ترین طریقه تحکیم صلح و آرامش جهانی گسترش همکاریهای علمی و فنی «بدون در نظر گرفتن رژیم های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی» و احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر است.

در زمینه روابط میان دو پایتخت، سفر پرزیدنت تیتو درخت دوستی و توسعه همکاریهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و علمی میان ایران و یوگسلاوی را که به هنگام دیدار شاهنشاه آریامهر از کشور یوگسلاوی نهالی می نمود بدون شك بارورتر خواهد کرد و اینك باید انتظار داشت که بموازات افزایش همکاریهای ایران و یوگسلاوی در زمینه بین المللی حجم مبادلات تجاری و اقتصادی بین دو پایتخت بیش از پیش افزایش یابد و یوگسلاوی، در مقابل خرید نفت و پارهای از کاهالای نیمه صنعتی و اولیه ایران ماشین آلات مورد نیاز برنامه های توسعه اقتصادی ایران را تامین نماید. ■



ولا حضرت شاهدخت اشرفی بهلوی، در کرسی ریاست کنفرانس

کنفرانس حقوق بشر

... اولین حق، حق کرسی!

در تمام مدت کنفرانس، از آن هفته تا این هفته، بحران اعراب و اسرائیل، سیاست «آپارتاید» آفریقای جنوبی رژیم، دیکتاتوری و غیرقانونی یان اسمیت در رودزیا، تبعیضات نژادی و مذهبی، استعمار پرتغال در آفریقا، شکاف میان کشورهای فقیر و غنی از مهمترین مسائل در سخنرانیهای بی درپی هیئت‌های نمایندگی ۸۰ کشوری که در این بزرگترین کنفرانس سال شرکت دارند بود.

کنفرانس حقوق بشر که بدعوت دولت ایران در تهران برگزار میشود و در عین حال اولین کنفرانس در نوع خود میباشد، یک ارتش آبی پوش، با او نیفورمهای رنگ سازمان ملل متحد (آسمانی) در اختیار دارد که چرخهای عظیم کنفرانس بسرینجه همت آنان می‌چرخد. این ارتش را سازمان ایرانی

کنفرانهای بین‌المللی که اوایل سال گذشته به ابتکار دکتر بوشهری ایجاد شد رهبری می‌کند.

تمام سخنرانی‌ها بلافاصله به چهار زبان دیگر ترجمه میشوند. سازمان ملل پنج زبان رسمی دارد که عبارتند از فرانسه، انگلیسی، روسی، اسپانیایی و چینی. نطق‌ها بلافاصله در صدها نسخه ماشین و آماده میشوند، ده‌ها اتوبوس و مینی‌بوس و اتومبیل سواری این تقریباً هزار شرکت کننده را به هتل‌هایشان که در گوشه و کنار شهر پراکنده است می‌رسانند و به محل کنفرانس می‌آورند، ده‌ها دختر و پسر جوان نقش مترجم، راهنما، کمک‌بایگان مأمور اطلاعات و انواع خدمات دیگر را ایفا میکنند، بطوریکه خود مسئولین سازمان ملل متحد چندین بار از اینکه ایران چطور توانسته است از پس این کار سنگین و عظیم اداره کنفرانس برآید تعجب کرده‌اند و به سازمان ایرانی کنفرانس‌های بین‌المللی تبریک گفته‌اند.

یکی از همین مسئولین دبیرخانه سازمان ملل متحد به نامشاد میگفت: «اول من همیشه نگران بودم که در تهران چه خواهیم کرد، زیرا برگزاری چنین کنفرانسی با بیش از هزار شرکت کننده در پایتخت‌های مجهزی مثل پاریس هم ساده نیست، ولی حالا احساس میکنم که شاید تجربه شما در این نوع کارها از ما هم بیشتر است و من تعجب کردم وقتی اطلاع یافتم که این دومین یا سومین کنفرانس بزرگ بین‌المللی است که سازمان کنفرانس‌های بین‌المللی برگزار میکند».

در زیرزمین ساختمان جدید مجلس که محل کنفرانس میباشد، بانک ملی، وزارت پست و تلگراف و تلویزیون شعباتی باز کرده‌اند و نمایندگان میتوانند از همانجا مستقیماً با کشورهای خود تماس تلفنی یا تلگرافی بگیرند و خبرنگاران اخبار خود را بلافاصله با تلکس به مراکز خبری خود مخابره نمایند.

در طبقه دوم، رستوران بزرگی از نوع سلف سرویس و یک بار و یک شعبه فروشگاه صنایع دستی ایران و هم چنین محلی برای فروش روزنامه و سایر مایحتاج عادی دیگر دایر شده است و بیشتر راهروهای طبقه اول و هم کف را تا بلوهای زیبایی که گویای ترقیات و پیشرفت‌های ایران در زمینه‌های مختلف است زینت می‌دهد.

شروع کنفرانس:

کنفرانس بعد از آنکه بانطق افتتاحیه شاهنشاه آریامهر و گزارش اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد گشایش یافت کارهای خود را با یک نطق پرشور از الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی که به پیشنهاد فرانسه به اتفاق آراء بریاست کنفرانس انتخاب شده بودند آغاز کرد.

کنفرانس یاد بود و سؤال-والاحضرت

شاهدخت اشرف پهلوی بعد از آنکه در میان کف زندهای شدید شرکت کنندگان در صندلی ریاست کنفرانس در کنار اوتانت جای گرفتند سخنان خود را ب زبان فرانسه شروع کردند و قبل از هر چیز کنفرانس تهران را کنفرانس «یاد گذشته، طرح پرسش و اتخاذ تصمیم» نامیدند.

آنگاه، پس از اشاره به شرایط تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و تشکر از آنها یکبار در تدوین این سند زیبایی انسانی شرکت داشته‌اند و الاحضرت از اقدامات انجام شده در راه اجرای مفاد این اعلامیه اظهار خرسندی کردند ولی بلافاصله یادآوری کردند که: «اما نباید فراموش کرد که کارهای انجام نشده نیز بسیار است و تبعیضات نژادی که این همه بدبختی و بیعدالتی بدنبال می‌کشد هنوز در بسیاری از نقاط جهان حکمفرماست؛ تبعیضات گوناگون بسیاری از گروه‌های انسانی را از یکدیگر جدا می‌سازد. پرنگاه میان کشورهای غنی و فقیر روز بروز زرفتر می‌گردد. بیش از یک سوم مردم جهان هنوز دستخوش گرسنگی و بیماری و جهل هستند»

آنوقت، و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی هشدار می‌دهند و سئوال‌ات را مطرح می‌سازند: «در جهان ما هنوز صدای غرش توپ شنیده می‌شود. سلاح‌های کشنده هنوز زندگی انسانی را تهدید می‌کنند. دردنیای ما هنوز مللی وجود دارند که یوغ استعمار را بر گردن می‌کشد. در جهان ما نیمی از برادران و خواهران ما از ابتدائی ترین حقوق خود محرومند و در چنین شرایطی مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر برای گروه‌های وسیعی از مردم جهان مفهومی جز نوید تو خالی ندارد.»

کنفرانس تصمیمات - رئیس کنفرانس

اینک هشدار می‌دهد: «وقت تنگ است و مردمان بسیاری هستند که از دیر زمان رنج می‌کشند. بیست سال از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر بوسیله سازمان ملل متحد می‌گذرد و اینک وقت تصمیم رسیده است. ما اینجا نیامده‌ایم که اعلامیه‌های تعارفی و سازش کارانه صادر کنیم، زیرا مدت‌هاست که دوران قافیه پردازی سپری گشته است، زیرا دیگر نمیتوان با وعده و انتظار انسانها را فریب داد.»

شروع بحران - بحران، از همان آغاز کار، از دو جهت کنفرانس را تهدید می‌کرد: اعراب و اسرائیل، سیاهان و سفیدها، کمونیست و غیر کمونیست. چین بزرگترین ستاره اولین جلسه بود، تقریباً از هر ده سخنران هشت نفر شان از عدم شرکت نمایندگان چین سرخ، کره و ویتنام شمالی و آلمان شرقی اظهار تأسف کردند؛ نماینده تانزانیا گفت ما برای رسیدگی به حقوق بشر در اینجا گرد آمده‌ایم در حالیکه نمایندگان یکسوم جهان، یعنی

و جهانی را تهدید می‌کند. نماینده اسرائیل می‌گفت اعراب دست اندر کار قتل و کشتار کودکان و زنان و اطفال بیهودی هستند، نماینده‌ای از اعراب جواب می‌داد اسرائیلی‌ها دهات اعراب را ویران می‌کنند و زنان و کودکان عرب را قتل عام می‌کنند و بهمین ترتیب این بگومگوها ادامه داشت.

بحران دیگر بر سر مسئله انتخاب نواب رئیس بود، بموجب یک تصمیم اولیه، قرار بود ده نایب رئیس انتخاب شوند، ولی آفریقائی‌ها خواستار حداقل پنج کرسی بودند و عقیده داشتند که برای رسیدگی و دفاع از حقوق بشر آفریقا نقش مهمی را باید بازی کند. این بحران چهار روز ادامه داشت و سر انجام روز پنج شنبه گذشته به پیشنهاد ایران راه‌حلی برای آن پیدا شد و ۲۱ کرسی بشرح زیر تقسیم گردید: ریاست کنفرانس (۱ کرسی) ۱۸ نایب رئیس از قاره آفریقای (۵ نماینده) آسیا (۴ نماینده)



از همه رنگ در ضافت هفت رنگ تخت وزیر

آمریکای لاتین (۳ نماینده) بلوک غرب (۴ نماینده) بلوک شرق (۲ نماینده) و دو رئیس کمیسیون از تونس و ونزوئلا.

بدین ترتیب، از روز شنبه کنفرانس رسیدگی به سایر مواد دستور مذاکرات خود را که بمدت چهار روز در بن بست مانده بود آغاز کرد و اینک باید دید در محیطی که لحظه به لحظه بعلا اختلافات گوناگون متشنج می‌شود و چند صد نماینده نمیتوانند بطور دوستانه مسائل خود را در میان گذارند و آنرا حل سازند یا حداقل به توصیه دبیر کل سازمان ملل متحد از طرح اختلافات خود اجتناب ورزند و به مسئله حیاتی تر حقوق بشر پردازند این کنفرانس خواهد توانست منشاء اثر باشد یا نه؟ آنچه در حال حاضر میتوان گفت اینست که همه امیدوارند.

سنتو

در راه تجدید حیات

«من کاملاً خوشحال برگشته‌ام». اردشیر زاهدی، وزیر خارجه ایران، از کنفرانس شورای وزیران سنتو که در لندن تشکیل شده بود به تهران بازگشته بود. مثل همیشه خندان بود و با همه مستقبلین حتی با کوچکترین آنها دست داد و احوالپرسی کرد و دوباره متوجه خیر نگاران شد.

«مذاکرات ما بسیار مفید بود، بخصوص از این نظر که فرصتی شد تا با همکارانمان در باره مسائل مختلف متقابل تبادل نظر کنیم. خلاصه می‌توانم بگویم که این اجلاس به موفقیت آمیز بود.»

آیا مسائل خاصی هم مطرح شده بودند وزیر خارجه ایران عقیده دارد که سنتو با مسائل خاصی روبرو نیست. «نه، همان مسائل همیشگی مربوط به سازمان و کشورهای عضو را مورد بررسی قرار دادیم. رویه‌مرفته کنفرانس بدی نبود و من که خوشبین هستم خوشبین‌تر به آینده سنتو برگشته‌ام.»

این «خوشبینی» رئیس دیپلوماسی ایران کاملاً بجای می‌آید و احساس ساینس‌سازان در کنفرانس وزیران خارجه سنتو غیر از این نبوده است.

در حقیقت، این اجلاس لندن را می‌توان کنفرانس «تجدید حیات» سازمان پیمان مرکزی نامید و اضافه کرد که نقطه عطفی را در تاریخ این پیمان تشکیل می‌دهد.

وزیران خارجه پنج کشور عضو سنتو، منهای پاکستان که از بعد از جنگ ۱۹۶۵ خود با هندوستان تقریباً تمام جلسات این سازمان را در سطح عالی تحریم کرده است و به اعزام سفیران کنفامیکند هنگامی در لندن بدو ریکدیگر جمع شدند که از سازمان چندان نامی در کار نبود و با اصطلاح بود و نبودش برای اعضا تقریباً یکسان بود. اختلاف نظر همه جانبه و میان همه بود بین اعضای منطقه‌ای و قدرتهای غربی، بین لندن و واشنگتن و بین تهران، کراچی و آنکارا.

پاکستان خواستار انحلال سنتو بود - و می‌باشد و ترکیه برعکس، عقیده به تقویت سازمان داشت - و دارد - ایران کاملاً بی تفاوت بود - و هست - و بقول امیر عباس هویدا «باشگاه قشنگی است، چرا تعطیلش کنیم» انگلیس سازمان را فاقد دلیل وجودی میدانست و آمریکا نظرش بر این بود که از یک سازمان نظامی تبدیل به یک پیمان منطقه‌ای شود. ولی ترکیه و ایران و پاکستان قبلاً پایه‌های یک سازمان اقتصادی نیرومندی را بنام عمران منطقه‌ای پی ریزی کرده بودند.

در لندن، وزیران خارجه سنتو پس از دو سال مجدداً بدور هم جمع می‌شدند، زیرا در سال ۱۹۶۷، که می‌توان آنرا «بدترین» سالهای عمر سنتو دانست، بر خلاف معمول سالیانه خود جلسهای تشکیل نداده بودند. اول به بهانه مصاف شدن تاریخ کنفرانس با روزهای تشییع جنازه دکتر کتر ادا نائز، صدراعظم سابق آلمان غربی و بعد بعلمت شروع جنگ اعراب و اسرائیل و بعد هم به بهانه‌ای دیگر که هیچ‌کدام، همانطور که معلوم است، نمیتوانست برآستی مانع تشکیل اجلاس به وزیران باشد.

اعلامیه‌ای که چهارشنبه شب گذشته در پایان کارهای دوروزه کنفرانس صادر شد نیز، نسبت به آنچه که انتظار می‌رفت، همانطور که وزیر خارجه ایران گفت، «خوشبینانه و امیدوار کننده» بنظر می‌رسد.

اقتصادی و اجتماعی» در این ناحیه اعلام داشته‌اند.

اما، بدون شك، توصیه آمریکا به کشورهای ایران و ترکیه و پاکستان مبنی بر «توسعه» روابط دوستانه اقتصادی و سیاسی خود با شوروی جالبترین نکته مذاکرات را تشکیل داده است.

این گزارش هر چند بطور رسمی تأیید نشده، ولی حاکیست که آمریکا از بهبود و توسعه روابط این سه کشور با شوروی اظهار خرسندی کرده است ولی در عین حال هشدار داده که نباید از نفوذ و توسعه کمونیسم غافل ماند.

در اینجا، ناظران سازش تازه‌ای را میان آمریکا و شوروی برای سد کردن نفوذ روزافزون چین در این قسمت از جهان حدس می‌زنند، بویژه که روابط نزدیک و دوستانه پکن و کراچی



اردشیر زاهدی، خوشحال از آنچه در لندن گذشته است

توسعه این نفوذ را در منطقه سنتو آسان‌تر می‌سازد. □

هر چند اعلامیه حاوی هیچ مطلب تازه‌ای نبود و حتی اجازه نمیداد که از متن آن درباره سر نوشت آینده سازمان نتیجه‌گیری شود، با وجود این آمریکا و انگلیس حمایت خود را از سایر هم‌پیمانان در چهارچوب این سازمان اعلام داشتند.

اعلامیه هم چنین نشان نمیدهد که ایران و ترکیه و پاکستان و آمریکا و انگلیس موفق شده باشند اختلافات خود را از میان بردارند یا حتی کم‌سازند اما در عوض تصریح میکند که «علیرغم اغتشاشاتی که در بسیاری از نقاط جهان پدید آمده است فقط صلح و ثبات و اوضاع در منطقه سنتو باعث پیشرفت سریع برنامه‌های عمرانی در سه کشور منطقه‌ای گردیده است» و بهمین دلیل وزیران خارجه سنتو «موکداً اعلام خود را دایر بر تشدید فعالیت‌های عمرانی و

جریانات روز

همه چیز عادی و همه جا امن..

هفته‌ای که گذشت از نظر مسائل جاری مملکتی یکی از هفته‌های آرام بود و بیشتر خبرها، در اطراف دیدار شخص اول کشور یوگسلاوی از ایران و کنفرانس جهانی حقوق بشر در تهران دور میزد با این همه نه دولت بیکار بود و نه مجلس و نه احزاب.. و هر یک بنوبه خود سرگرم امری بودند.

تحرك در احزاب



حزب مردم پس از مدتها سکوت عصر روز پنجشنبه کمیته مرکزی خود را تشکیل داد و در این جلسه «کمیته» نظر داد که بخاطر يك امر مهم حزبی يك جلسه عمومی مرکب از گروههای پارلمانی یعنی ۳۰ عضو فراکسیون در مجلس شورایی ملی و ۱۱ عضو فراکسیون در مجلس سنا، باضافه اعضای کمیته مرکزی و کمیته بازرسی جلسه مشترك داشته باشند و این جلسه هم در اسرع وقت تشکیل شد و بمدت چهار ساعت در «طاق در بسته» بمذاکره پرداخت، و مذاکرات بعدی جنبه سری داشت که حتی اجازه ورود مستخدم باطاق کنفرانس را هم ندادند و برای عکس اختصاصی روزنامه مهر ایران ناشر افکار حزب هم فقط چند دقیقه فرصت ورود دادند و در مدتی هم که عکاس عکس میگرفت مذاکرات قطع شده بود!

در پایان مذاکرات هم نه محسن موقر سخنگوی حزب خبری داد و نه مهندس جفرودی معاون دبیر کل فقط به ذکر این جمله که «مذاکرات پیرامون مسائل حزبی بود اکتفا کردند...» اما بقرار اطلاع مذاکره بیشتر در اطراف شرکت حزب مردم در انتخابات انجمن های شهر در تهران و شهرستانها بود و حزب مردم که خاطره تلخی از شرکت و شکست در انتخابات دوم مجلس دارد میخواهد با رعایت کامل اطراف و جوانب در این انتخابات شرکت کند تا در محلهائی که «زمینه» مناسب ندارد تلاش بی ثمر نکند ناگفته نماند که این جلسه مشترك با شرکت پروفیسور یحیی عدل دبیر کل حزب تشکیل یافته بود.

در مقابل حزب ایران نوین که بقول خسروانی دبیر کل آن همه کارهای آشکار است و حق هم چنین است چون وقتی حزب در شرایط سیاسی مملکتی «حزب حاکمه» باشد لزومی ندارد کاری را پنهان کند. در هفته گذشته سعی در «جذب» بازرگانان

بحزب کرد، و ندای ایران نوین با انتشار عکسی از يك جلسه آشنائی بازرگانان با خسروانی دبیر کل حزب اعلام کرد که «... گروهی از بازرگانان فعال و روشنفکر و خوشنام تهران آمادگی خود را برای عضویت در حزب ایران نوین اعلام کردند...»

در این جلسه یکی از همین بازرگانان نطقی ایراد کرد و گفت «... اگر بازرگانان تا کنون عضویت حزبی را نپذیرفته اند بدین جهت بوده که

احزاب گذشته نتوانسته بودند ایمان و اعتقاد لازم را در این طبقه ایجاد کنند و روشی داشته باشند که بازرگانان بتوانند بطور دسته جمعی در کنار سایر طبقات بفعالیت حزبی بپردازند» بدین ترتیب حزب ایران نوین توانسته به دنبال کارگران و اصناف پای بازرگانان را هم بداخل حزب باز کند

مبارزه انتخاباتی

در يك گفتگوی تلفنی با آقای خسروانی دبیر کل حزب پیرامون فعالیت حزبی، وی از فعالیت شدید بمنظور گسترش حزب در شهرستانها سخن گفت و درباره شرکت حزب ایران نوین در انتخابات انجمنهای شهر نیز اعلام کرد که حزب ایران نوین مقدمات کار را فراهم کرده و از هر جهت آماده است و بمحض اعلام شروع انتخابات (که البته از تاریخش اظهار بی اطلاعی کرد) حزب ایران نوین هم شرکت خواهد کرد.

از دبیر کل حزب نسبت به «درصد» پیروزی سؤال شد وی با اطمینان خاطر «پیروزی مطلق» حزب ایران نوین را بشارت داد و طبیعتاً است که اگر در مقام قیاس با انتخاب پارلمان بر آئیم معلوم میشود که دبیر کل حزب حاکمه بدون جهت هم این چنین اطمینان خاطر ندارد...

دولت و مسائل جاری

و اما درباره دولت صرف نظر از مسائل جاری مسائلی در سطح بالای کارهای روزمره نداشت، فقط از نظر روابط ایران و ملل عربی توجه باین قسمت از مقاله اساسی روزنامه ارگان حزب ایران نوین لازم است که یاد آور شده:

«... در محافل سیاسی تهران روابط ایران و ملل عربی بیشتر از هر زمان دیگر طرف توجه و بررسی قرار گرفته و از زوایا و

نظرهای مختلف باین امر مینگردند...» روزنامه ارگان حزب حاکمه ضمن تشریح جهات و وجوه مشترك ایران با کشورهای اسلامی می افزاید:

«... آنچه بعصر ما مربوط میشود، علاوه بر وجوه اشترک مذکور مسائل سیاسی، اقتصادی و بالتبع اجتماعی است که نه تنها از لحاظ رابطه با ملل عربی اسلامی بلکه بنا بمقتضیات زمان ما، روابط ایران را با تمام کشورها و ملتهای دوست در شرق و غرب توسعه بخشیده است...»

در همین روزنامه ترجمه مقاله چشم گیری از مجله عصر جدید چاپ مسکو تحت عنوان «پدیده تازه استعماری در حاشیه خلیج فارس» وجود داشت که از نظر محافل سیاسی جلب نظر کرده است.

در این مقاله مجله عصر جدید ضمن تشریح اساسی استعمار در خلیج فارس خاطر نشان کرده که:

«... زندگی فتودالی در تمام طول ساحل جنوبی خلیج فارس تقریباً دست نخورده باقی مانده است و حکومتهای عربی شیوخ مانند قرون گذشته صاحب اختیار مطلق اند...» عصر جدید بمیزان در آمد ۷ شیخ نشین یعنی ابوظبی - دبی - شارجه و راس الخیمه عجمان - ام القوین و الفوجاره اشاره کرده یاد آور شده است که مثلاً از نفت عایدی حکومت ابوظبی بالغ بر چهل میلیون لیره انگلیسی در سال ۱۹۶۷ بوده است. عصر جدید آنگاه به شدت به فدراسیون مرکب از شیوخ منطقه خلیج فارس حمله برده و نوشته است:

ماهیت واقعی فدراسیون جدید بطور کلی بر چگونگی اوضاع داخلی شیخ نشین های موئلف تحت تأثیر سیاست های خارجی است و بهر دلیل که این فدراسیون برسمیت شناخته شود حتی بشکل «دوفاکتو» در تحلیل نهائی موجب تحکیم پایه های سیاست استعماری در منطقه خلیج فارس خواهد گردید و بدون تردید مواجه با مخالفت نیروهای صلح دوست سراسر جهان و خصوصاً کشورهای صلح دوست این منطقه خواهد گردید و مخالفت صریح آقای نخست وزیر ایران با تشکیل چنان فدراسیونی نمونه ای از عکس العمل ضد استعماری در این منطقه است ...»

مجله عصر جدید مقاله خود را چنین پایان داده است .
« ... امروز يك چیز روشن است و آن اینکه قدرت کشورهای مستقل و صلح دوست منجمله کشور ایران نخواهند گذارده که برنامه های استعماری در این منطقه با موفقیت بپایان رسد ... »

م - سفری

دولت

نخستین اثر مدون در «انقلاب اداری»

از قضیه انقلاب اداری همه باخبر هستند اما بدون شك خیلی ها از نخستین اثر مدون این انقلاب که در وزارت جلیله اقتصاد صورت گرفته بی خبرند و این بی خبری بخاطر این است که نمی دانند:

« .. در اجرای تصمیمات کنکره انقلاب اداری و هیئت وزیران و بمنظور ایجاد تسهیلات و تسریع در انجام امور مربوط باریاب رجوع و بمنظور ایجاد نظم در ورود و خروج و رهنمائی مراجعان وزارتخانه و بمنظور ایجاد نظم در ورود و خروج کارمندان در حین ساعات خدمت اداری و بمنظور رعایت اصول حفاظت واحدی بنام «گروه رهنمائی» در وزارت اقتصاد تشکیل شده است ..»

این گروه باش رهنمای اصلی که طبق معمول مملکتی يك نفر آنها سمت ریاست خواهد داشت و ۵ نفر دیگر وظیفه رهنمائی را انجام میدهند باضافه دو کارمند دبیرخانه و ۸ نفر خدمت گزار که در مجموع ۱۵ نفر میشوند از روز شنبه هفتم اردیبهشت ماه کار خود را آغاز کرده اند در دستور العمل بخصوص قید شده است:

«... اعضای گروه از بین افراد تحصیل کرده و شایسته و مطلع وزارت اقتصاد انتخاب شده اند تا بتوانند به

بهترین وجهی این وظیفه مهم را انجام دهند.»

برای اینکه اگر باین وزارت مراجعه کردید لاقلاً برای شناسائی خود رهنمایان سرگردان نشوید دستور العمل خودش وظایف تک تک اعضا را روشن کرده و از جمله درباره وظایف رئیس گروه نوشته است که :

«... او وظیفه دار هم آهنگ کردن

کار اعضای گروه، تأمین نیازمندیهای گروه در داخل وزارتخانه مراقبت در حفظ مناسبات صحیح بین ارباب رجوع و مقامات وزارتخانه، عدم بروز اختلاف بین مراجعان و رهنمایان، رهنمائی مقامات عمده داخلی و خارجی است که بوزارت خانه مراجعه مینمایند ..»

ملاحظه میفرمائید که وظیفه رئیس گروه چقدر مشکل است و بخصوص برای تأمین نیازمندیهای گروه در داخل وزارتخانه و یا جلوگیری از بروز اختلاف بین رهنمایان و مراجعان ضمناً بدانید که این پنج رهنما دو تن «خانم» و سه تن «آقا» هستند .
 يك خانم:

« رهنمای ویژه مراجعان واحد اقتصادی و طرح و برنامه و در ضمن عهده دار رهنمائی مراجعان خارجی است » چون زبان انگلیسی بلد است . خانم دیگر رهنمای ویژه اداره کل صنایع است و سه آقا هم یکی رهنمای ویژه واحد بازرگانی اعم از داخلی و خارجی و دیگری رهنمای ویژه اداره کل معادن و سومی رهنمای واحد اداری دفتر وزارتی و سایر واحدهای وزارتخانه است .

و حال اجرای رهنمای اداره کل صنایع خانم و رهنمای اداره کل معادن آقا است مسئله ایست مربوط بداخل وزارتخانه !
 و اما از نظر سوق الجیشی و محل استقرار این گروه بدانید که :

«... اعضای گروه رهنمائی در پشت پیشخوانی که در مقابل سدر گردان ورودی واقع در شرق وزارتخانه ساخته شده مستقر میشوند ، رئیس گروه در اطاقی خواهد نشست که در ضمن محل توقف ارباب رجوع است و در جنب پیشخوان رهنمائی قرار دارد»

و اعضای گروه مجهز هستند به :
 « کلیه وسائل لازم برای ارتباط بین مقامات داخلی و مراجعان و همچنین برقراری رابطه بین خود و مقامات ...» که برای ساده کردن اینهمه کارهای بزرگ :
 فرمهای تهیه شده و در اختیارشان

قرار گرفته که بموقع مورد استفاده شان واقع شود ...»
 و البته بر تمام این امور مدیر کل امور اداری هم ناظر است .

حال اگر شما بعنوان ارباب رجوع بخواهید وارد وزارت اقتصاد شوید باید بدانید که :
 «... هر روز بیست دقیقه پس از شروع وقت اداری کلیه درهای وزارتخانه بجز سه در گردان شرقی بسته میشود و از آن بعد ورود و خروج از این سه در صورت میگردد ...»

لازم بیاد آوری است که این سه در بغل هم قرار دارند .

از این لحظه کار گروه آغاز میشود ، دو نفر از کارمندان دبیرخانه در یکی از غرفه های پیشخوان مستقر میشوند و وظیفه این دو این است که کلیه مکاتبات وارده را در یافت کرده و رسید بدهند .

بنظر وزارت اقتصاد ارباب رجوع باین وزارت از این سه در خارج نیستند ؛ یا خواهان پاسخ نامه هستند . یا تقاضائی دارند و یا مایل ملاقات با یکی از مقامات وزارتخانه میباشند .

اگر مراجعه کننده برای دریافت پاسخ نامه آمده باشد باید اقدامات زیر صورت گیرد :
 ... رهنمای واحد اداری اولاً باید بمقام مشول مراجعه کند و چنانچه امر مربوط بواحدهای بازرگانی ، صنعتی - معدنی یا اقتصادی باشد در اینجا رهنما دوره دارد یا باید برود پیش رئیس گروه رهنمایان ، یعنی همان آقائی که در غرفه بغل پیشخوان نشسته و یا باید برود پیش واحد متبوع خود تا «موضوع راحل کند» و تازه بعد باید تمام اقدامات خود را به رهنمای ویژه آن واحد گزارش کند تا این رهنما :

«... اقدام لازم را بعمل آورد و پاسخ مراجعه کننده را بطرز قانع کننده ای بدهد ...»

با این ترتیب تکلیف تقاضای کتبی روشن شد، اما اگر کسی مراجعه کند و قصد ملاقات داشته باشد . این جماعت از دو صورت خارج نیستند یا «مقامات مهم خارجی و داخلی» هستند و یا «افراد عادی» اگر از نوع اول بوزند.

«... بمحض ورود رئیس گروه باستقبال میرود و رهنمائی می کند» و پس از اتمام ملاقات هم این «مقامات» توسط رئیس گروه بدرقه میشوند. اما اگر از نوع دوم یعنی افراد عادی بودند از دو حال خارج نیست یا قبلاً وقت ملاقات گرفته اند یا نگرفته اند. اگر وقت ملاقات گرفته باشند.

«... بعضی ورود و معرفی خود راهنمای مربوط بامراجعه به فرم مخصوصی که نام ارباب رجوع و ساعت ملاقات در آن تعیین شده پروانه ورود صادر می کند» اما اگر وقت ملاقات نگرفته باشد: «... راهنما بوسیله تلفن آمادگی ملاقات شونده را استعلام می کند و در صورت مثبت بودن پاسخ مراجعه کننده با دریافت پروانه راهنمایی میشود و الا پاسخی که از ملاقات شونده دریافت نمود بوی میدهد...!» اما یادتان باشد چنانچه دعوت نامه کتبی باشد باید حتماً آنرا همراه داشته باشید تا راهنما بامشاهده آن بدون معطلی برای شما پروانه صادر کند.

و این بود قسمت اول از وظایف این گروه و درباره قسمت دوم که ایجاد نظم در ورود و خروج کارمندان در اینجاهم قائل به تفلیک شده اند یعنی همانطور که ارباب رجوع تقسیم به «مقامات مهم» و مقامات غیرمهم شده اند در اینجاهم کارمند اگر از طبقه مدیر کل ببالا باشد هیچ اشکالی وجود ندارد ولی اگر: «... کارمند پائین تر از مدیر کل باشد و دیرتر از وقت شروع کار در وزارتخانه حاضر شود نام و نشان او توسط راهنمایان روی فرم مخصوص یادداشت میشود و در پایان وقت برای اقدام لازم به کارگزینی ارسال میگردد و نسبت بکارمندی هم که هنگام کاراداری از اداره خارج میشوند نیز همین اقدام صورت خواهد

گرفت...» و حسن ختام این دستور العمل که امضای وزیر اقتصاد را دارد و خطاب به مقامات وزارتخانه است مربوط به توصیه ایست درباره برخوردشان با این راهنماها و رعایت احترامشان از هر جهت. «... در موقع مراجعه تلفنی یا شخصی راهنمایان از هیچگونه راهنمایی بذل مساعدت و پاسخ صریح و روشن با آنان خودداری نکنند و آنان را دست کم نگیرند اعضای گروه راهنمایی نمایندگان مقامات وزارتخانه اند و باید با آنان با مطلوبترین روشها برخورد شود...» و این بود طلیعه اقدامات عملی اجرای اصل انقلاب اداری از وزارت اقتصاد... م-س



*** ایران - فرانسه - تهران برای سفر ژرژ پومپیدو نخست وزیر فرانسه که از پنجشنبه همین هفته شروع میشود اهمیت زیادی قائل است: بنظر منابع مطلع «ریش اقتصادی» این سفر در حدود ۵۰۰ میلیون فرانک خواهد بود *

اتومبیل‌های مارك مسكويچ

كمپانی فرانسوی رنولت، پس از چند سال مذاكره سرانجام قراردادی با شورویها منعقد کرد که بنا بر آن در شهر «لیوسك» در مشرق روسیه كارخانه اتومبیلسازی جدیدی بكمك این كمپانی بر پا خواهد شد که مدل‌های تازه‌ای از نوع مسكويچ بقیمت ارزان ارائه خواهد داد. این كارخانه روزی ۶۴۰ اتومبیل خواهد ساخت *

*** میراث‌های اسرائیل

هفته گذشته، درست‌سرموقع، اسرائیل سومین قسط مربوط به خرید ۵۰ میراث‌ی رابه فرانسه پرداخت کرد و بدین ترتیب تا حال اسرائیل مبلغ ۳۵۰ میلیون دلار بابت هواپیماهایی که تحویل نگرفته به فرانسه داده است. در حال حاضر پانزده هواپیما آماده تحویل میباشد، ولی ژنرال دوگل هم‌چنان مانع پرواز این جنگنده های شکاری بسوی پایگاه‌های اسرائیل است *

*** بزرگداشت دکتر کینک

بنگاه مطبوعاتی معروف تایم-لایف در نظر دارد بزودی يك شماره مخصوص به یاد دکتر مارتین لوتر کینک رهبر سیاهپوستان آمریکا منتشر نماید. «تایم-لایف» تاکنون دوبار چنین نشریاتی بیرون داده است: اولی به یاد چرچیل و دومی بعد از مرگ کندی *

عدم توافق و اختلاف نظر

فدراسیون شیخ نشین‌های عرب که بسختی دو ماه از تشکیل آن می‌گذرد، هم‌اکنون در آستانه متلاشی شدن است.

عدم توافق، میان اعضای متشکله فدراسیون بجدی است که هنوز نتوانسته‌اند پیرامون زمان و محل تشکیل اولین جلسه شورای فدراسیون خود، توافق حاصل کنند.

با اینکه قرار بود که این فدراسیون در اواخر ماه مارس شروع بکار کند.. موعده آن را اول به آوریل و بعد به ماه مه انداختند. از هم‌اکنون حدس زده می‌شود که این جلسه اگر تشکیل شود در دوی خواهد بود.

پنج میلیون تومان الماس هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ که با ۱۱۶ مسافر هفته قبل در افریقای جنوبی سقوط کرد حامل يك چمدان الماس بارزش پنج میلیون تومان بود که در حین کاوش میان لاشه هواپیما پیدا شده است.

سنتو و همکارهای منطقه‌ای

يك اداره ایجاد هم‌آهنگی میان فعالیت‌های پیمان سنتو و سازمان همکارهای منطقه‌ای برای عمران در شرف تشکیل است. اعلامیه سنتو که در پایان کنفرانس لندن، منتشر شد نقش این سازمان را بعنوان يك واحد اقتصادی و عمرانی تاکید کرده است.

برای جلب كمك‌های ماهی‌شیخ نشین‌ها

بطوریکه روزنامه های انگلیس می‌نویسند سفر ملك حسین به شیخ نشین‌های حاشیه خلیج فارس، بیشتر بمنظور جلب كمك‌مادی ایشان بکشواردن که اینك سرگرم مبارزه با اسرائیل است صورت گرفته با این‌همه هنوز معلوم نیست که در این کوشش ملك حسین چقدر توفیق یافته است.

تخفیف در بلیط هواپیما

در ایالات متحده آمریکا، كمپانی‌های هوایی تصمیم گرفتند که در خطوط داخلی آن کشور نرخ بلیط هواپیما را پنجاه درصد تخفیف بدهند *

صدویست و چهارمین کشور!

با قبول جزیره موریس، بعنوان يك کشور مستقل در سازمان ملل متفق اینك شماره اعضای این سازمان بالغ بر ۱۲۴ کشور شده است. سال پیش، جزیره موریس، در نمایشگاه جهانی مونرال نیز بعنوان يك کشور مستقل شرکت کرده بود *

شهر گآگارین:

در شوروی بیادبود نخستین فضاورد جهان که ماه گذشته در يك حادثه هوایی درگذشت، تصمیم گرفته شده است که شهر «ژیاتسک» در نزدیکی اسمولسک از این پس شهر «گآگارین» نامیده بشود. علت انتخاب «ژیاتسک» این است که گآگارین در این ناحیه بدنیا آمده بود *

نارنجك در ماه

در كاپ‌كندی اعلام شد که اولین فضاوردان آمریکائی که وارد ماه خواهند شد، به‌مراه خود، مقداری نارنجك خواهند داشت، که البته برای مبارزه با کسی نیست بلکه غرض این است که با انفجار این نارنجك‌ها بیکرشته آزمایشات از جهت لرزه‌نگاری پردازند *

اسرائیل

ابابان از اعراب سخن

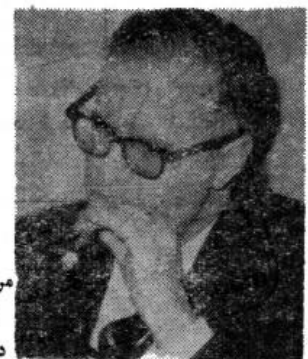
میگوید



کلید صلح، مذاکره



غرض از مذاکره مرزهای تضمین شده



و منظور از مرزهای تضمین شده: احترام دائمی از مناقشه

خبرنگار مجله فرانسوی اکسپرس اخیراً با ابابان وزیر خارجه اسرائیل مصاحبه‌ای ترتیب داده است.

در اوضاع و احوال کنونی، در موقعی که گوناگونی‌های فرستاده اوتانت از یک پایتخت به پایتخت دیگر می‌رود و هر روز در یک کشور خاورمیانه بسر می‌برد و همه اقدامات او نشانه راهی بسوی آغاز مذاکرات می‌باشد این مصاحبه و اظهارات ابابان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. از آنچه که اینک مستفاد می‌گردد چنین برمی‌آید که مذاکرات اعراب و اسرائیل دو مرحله خواهد داشت تماسهای مخفی اسرائیل و اردن و سپس در صورتیکه این تماسها منجر به نتیجه مثبت گردد مذاکرات وسیع‌تر و علنی هیان اسرائیل و مصر و اردن آغاز خواهد شد. ابابان می‌گوید آنهایکه نه ماه پس از جنگ ژوئن می‌گویند که راه حل بحران خاورمیانه وابسته به عقب‌نشینی نیروهای اسرائیل به خطوط آتش بس قبلی است، واقعا به آنچه که می‌گویند اعتقاد ندارند، خود اعراب نیز در این زمینه روش احتیاط آمیزی پیش گرفته‌اند.

س- چطور میتوان از بن بست کنونی خارج شد؟

ج- کلید صلح خاورمیانه مذاکره دوریکه می‌باشد. باید در جریان این مذاکرات مرزهای مطمئن و برسمیت شناخته‌ای طبق توصیه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد تعیین گردد. **س- اراضی اعراب که اسرائیل معتقد است برای تضمین مرزهای خود باید تحت کنترل باشد کدام است؟**

ج- نظر ما و برخی از دولتهای جهان متکی به این اصل می‌باشد که مرزهای ما نباید شبیه خط آتش بس گذشته و وضع فعلی باشد ولی کدام مرز باید تعیین گردد باید گفت که اینکار باید در مذاکرات مقدماتی مشخص شود. برخی مراکز وجود دارد که حضور نیروهای اسرائیل در آنجا لازم است اما این بدان معنی نیست که این نقاط جزو خاک اسرائیل باشد. مسئله و وضع اورشلیم نیز قابل بحث است، زیرا این مرکز مذهبی مورد توجه همه بوده و آزادی رفت و آمد در آنجا باید تامین گردد.

س- در سر تا سر جهان این احساس وجود دارد که ملک حسین آماده مذاکره با اسرائیل است، آیا تصور نمی‌کنید که آخرین حمله شما به پایگاه کر امه شانس این مذاکرات را بهم زده است؟

ج- تصور نمی‌کنم که این نوع استتاج صحیح باشد زیرا هدف حمله ما محدود و صرفاً مربوط به جلوگیری از فعالیت کماندو- های فلسطینی بود. باید این سازمان تروریستی متوجه باشد که اگر بخواید با این نحو بحیات خود ادامه دهد حیات خطرناک و سختی را در

پیش خواهد داشت. از طرف دیگر دولت اردن نیز باید متوجه شود که اگر خواستار آرامش می‌باشد باید به فعالیت الفتح پایان دهد.

س- آیا بنظر شما دولت اردن این توانایی را دارد؟

ج- تصور نمی‌کنم آنقدر که می‌گویند این دولت ضعیف باشد. ارتش به ملک حسین وفادار است و از طرف دیگر ارتش تمایلی ندارد که کماندوها رقیب او در اردن باشند.

س- آیا تصور نمی‌کنید که اقدامات شما

بهر حال سبب تضعیف رژیم اردن گردد، رژیمی که بهر حال برای شما بهتر از یک جمهوری نوع ناصری است؟

ج- این نکته مسلم است که تا امروز ما وجود یک کشور را که خارج از نفوذ شوروی باشد تسهیل کرده‌ایم و باید گفت که در این راه ما قیل از همه مصالح خود را در نظر داشته‌ایم، امروزه ما می‌بینیم که در سوریه یک رژیم یعنی که صد درصد ضد اسرائیل وزیر نفوذ شوروی می‌باشد مستقر است ولی در عین حال آرامش کاملی در مرزهای سوریه و اسرائیل برقرار است بنابراین ما باید در باره روش خود تصمیم بگیریم ولی در این نکته شما حق دارید که اسرائیل ترجیح می‌دهد در اطراف او کشورهای باشند که خارج از نفوذ شوروی قرار داشته باشند زیرا شوروی در عرصه بین المللی روشی مخالف اسرائیل در پیش گرفته است. انتقادی که ما به اردن داریم اینست که از اجرای مقررات آتش بس امتناع می‌کند.

س- پس از جنگ شش روزه ژوئن ۱۹۶۷ نود در صدر مردم اسرائیل اعلام کردند که به آینده دولت خود اطمینان دارند، در آمازگیری اخیر این مقدار به ۵۰ درصد رسیده است، تغییر حاصله را چگونه توجیه می‌کنید؟

ج- من نمی‌دانم این آمار را شما از کجا گرفته‌اید بهر حال احساس مردم اسرائیل اینطور نیست ولی اگر تغییری در افکار عمومی مردم اسرائیل پیدا شده مربوط به میزان اعتماد آنها در آینده دولت اسرائیل نبوده بلکه پیرامون اعتماد آنها به امکانات حل سریع مناقشه اعراب و اسرائیل است. مردم اسرائیل به آینده کشور خود اعتماد کاملی دارند و در عین حال معتقدند که راه حل نظامی برای مسئله نمیتوان پیدا کرد.

س- بهر حال خوشبین هستید؟

ج- خوشبین هستم زیرا اعتقاد داریم که در وجدان اعراب تغییراتی حاصل شده است اعراب اینک متوجه شده‌اند که اسرائیل یک مسئله دائمی است و راه حل بحران نیز آغاز مذاکرات میان اعراب و اسرائیل می‌باشد. □

همه جا صحبت از صلح است ، از جلوی
کاخ سفید، تاخیا با نهای شهرها نوی



فی الفور جرج بال دوست صمیمی خود را جانشین
اوساخت. این تصمیم «کبوترها» را در مقابل
«بازها» تشجیع کرده است. ولی با همه این
اقدامات کارها بهیچوجه پیشرفت نمیکند ،
آمریکا در مقابل پیشنهادات ویتنام شمالی
برای ورشوویا پنوم پن یا نژده شهر را پیشنهاد
میکند، اوتانت دبین کل سازمان ملل متحد
اظهار عقیده میکند که ورشو، پنوم پن ، وینا
پاریس میتواند بهترین نقطه برای تماسهای
مقدماتی میانها نوی و واشنگتن باشد ولی
هنوز هیچیک از طرفین اقدام تازه ای در شگستن
بن بست نکرده اند .

واشنگتن هفته قبل اعلام کرد که در
وین تیات تماسهایی را با مقامات ویتنام شمالی
برقرار کرده اند و سفیر آمریکا در وین تیان
بملاقات کاردارها نوی در وین تیان رفته است
ولی ها نوی اعلام میکند که هیچگونه تماسی
میان دو کشور برقرار نشده و ملاقاتی که میان
مقامات سیاسی دو طرف روی داده جهت مبادله
یادداشت بوده است، تکذیب ویتنام شمالی
نشان میدهد که ویتنام شمالی بهیچوجه مایل
نیست تماسهای مخفیانه ای را با واشنگتن
برقرار کند روزنامه نان دان ارگان حزب
کمونیست ویتنام شمالی در مقاله ای بتازگی
نوشت که اقدامات جانسن با گفته های او تطبیق
نمیکند؛ «جانسن از گوش کردن بندای عقل
امتناع میکند، او میگوید آماده است در حالیکه
نیست، او از تهدید حرف میزند ، در حالیکه
حقیقتاً به این تعهدات وفادار نیست. جانسن
سعی دارد در مقابل شکستی که نصیب نیروهای
آمریکا در ویتنام شده است، در مقابل نفرتی که
مردم آمریکا نسبت به سیاست او دارند با لایحه راه
حلی پیدا کند و بهمین جهت حمله قلابی صلح را
آغاز کرده است ولی کاسه صبر ما بالاخره لبریز
خواهد شد.»

در حالیکه مبادله یادداشت و تعیین
شهرهای مختلف بعنوان محل مذاکرات
مقدماتی همچنان ادامه دارد در ویتنام جنگ
شدت بیشتری یافته است. حملات هوایی آمریکا
به شمال مدار ۱۷ درجه گسترش یافته و در
جنوب عملیات نظامی تشدید گردیده است.



اگرچه هنوز تاریخ و محل مذاکرات
مقدماتی کاملاً مشخص نشده ولی شواهد و قرائن
حاکی است که لحظه تصمیم نزدیک میشود.
منابع آمریکائی میگویند با وجود
پیشنهادات متفاوت و نظریات متقابل متعددی
که از طرف ها نوی ارائه میشود در کاخ سفید
خوشبینی حکمفرماست .

جانسن سعی دارد که محیط را برای
مذاکرات مقدماتی آماده سازد، پس از اینکه
آرتور گلدبرگ نماینده دائمی آمریکا در
سازمان ملل متحد از مقام خود استعفا کرد جانسن.

ویتنام

جنگ یا صلح

پلیس ویتنام جنوبی اعلامیه‌ای انتشار داد و ضمن آن از امکان حمله مجدد ویست کنگه سخن بیان آورد. ویست کنگه میخواست باطی راه که در ایام عیدتت برپا کرده بود تجدید کند. از مدت‌ها قبل تبلیغات چپ‌های ویست کنگه از حمله قریب‌الوقوع بحث می‌کردند.

نظامی اعلام می‌کردند که این حمله در اول آوریل صورت خواهد گرفت ولی امروز از اول ماه مه و هفتم ماه مه یعنی روز سقوط دین-بین-فو خبر می‌دهند. پلیس سایگون از همه مردم درخواست کرده است که آماده باشند، شب درهای خانه‌های خود را ببندند و تبلیغات دشمن را منتشر نکنند.

گزارش‌هایی که منتشر گردیده حاکی است که ویست کنگه‌ها سرگرم داخل کردن اسلحه و مهمات به شهر سایگون هستند، آنها می‌خواهند مردم را در شهر سایگون تحریک به تظاهرات ضد دولتی نمایند و به این وسیله موقع رژیم هانوی را در مذاکرات آینده مستحکم نمایند. پلیس سایگون یک دختر را که خود را دانشجو معرفی می‌کرد دستگیر کرد این دختر سرگرم نصب پرچم ویست کنگه بر فراز یک ساختمان بود. دستگیری این دختر سبب کشف یک انبار اسلحه شد، همزمان با آن در محله چینی نشین شولون نیز فعالیت شدیدی از طرف ویست کنگه‌ها صورت گرفت.

اکیپ‌های ویست کنگه اینک سرگرم تجدید سازمان خود هستند. اگر چه مقامات سایگون معتقدند که تجدید سازمان این افراد مدتی طول میکشد ولی میتوان گفت که فعالیت‌های ویست کنگه را نمیتوان تشخیص داد و آنها بی آنکه کسی از نقشه‌های آنها مطلع گردد برنامه خود را اجرا می‌کنند.

در این میان جانسن در حالیکه باید نقش داخلی خود را اجرا کند ناچار است متحدین خود را در خاور دور نیز ارضاء نماید. متحدین آمریکا با اقدامات جانسن برای پایان جنگ موافق نیستند پارک چونگ-هی رئیس جمهوری کره جنوبی معتقد است که جنگ ویتنام بهتر است فقط با پیروزی نظامی پایان یابد. پارک - چونگ-هی حق دارد زیرا دلارهای آمریکائی که در سال ۱۹۶۴ بمیزان ۳۰ میلیون دلار به کره جنوبی رسیده بود در سال ۱۹۶۷ به ۱۰۰ میلیون رسید و اینک ۴۵۰۰۰ دلار به کره جنوبی در ویتنام جنوبی سرگرم جنگ هستند. او تنها نیست تا نات‌خومان وزیر خارجه تایلند میگوید: کسانی که قرارداد با اصطلاح صلح را امضاء کنند مسئولیت جنگ سوم را بعهده خواهند گرفت.

عبدالرحمن رئیس دولت مالزی میگوید: تسلیم ویتنام جنوبی به ویست کنگه یعنی ناقوس مرگ دموکراسی در آسیای

جنوب شرقی. یک مقام تایلندی می‌گوید: مذاکرات محکوم به شکست است. در مقابل رئیس جمهوری فیلیپین می‌گوید: هر گونه تغییر در تعامل قوا در این منطقه ممکن است کشورهای منطقه را وادارد که در سیاست خود نسبت به چین تجدید نظر کنند.

این ابراز نگرانی‌ها ب مورد نیست جنگ در حالیکه برای ویتنام بدبختی و مرگ و ویرانی ببار آورده سبب جلب نفع برای سایر شهرها شده است، بانکوک استراحتگاه سربازان گردیده، میزان عبور و مرور راکتت‌ها در سنگاپور سه برابر شده است.

از طرف دیگر این کشورها می‌ترسند که برقراری صلح و خروج آمریکا از این منطقه موقعیت آنها را متزلزل سازد.

جانسن سعی کرده رهونولو، پارک چونگ-هی را متقاعد سازد که، آمریکائی که ویتنام را ترک می‌کند یک آمریکای شکست خورده نیست همچنانکه چین نمیتواند ثمره پایان جنگ ویتنام را بعنوان یک کشور پیروز به‌چیند. از طرف دیگر جانسن اعلام داشته است که آمریکا متحدین خود را در جریان مذاکرات خواهد گذاشت قرار است شش کشور شرکت کننده در جنگ ویتنام وزیران خود را بعنوان ناظر در کنار آمریکا به اطاق کنفرانس بفرستند ولی وظیفه آنها تنها نظارت است و بس نه چیز دیگر و جانسن از پذیرفتن آنها برای شرکت در مذاکرات و بیاحتی مشورت با آنها امتناع کرده است. آمریکا میگوید که این کشور سنگینی بار جنگ را بدوش کشیده هزینه سنگین آنرا تحمل کرده بنا بر این صلح را نیز باید تنها بدست آورد.

ویتنام شمالی شهرهای آسیائی را که آمریکا پیشنهاد میکند قبول نمی‌کند و معتقد است که اکثر این شهرها مراکز عمده جاسوسی

آمریکاست ولی از ظواهر امر پیداست که بالاخره از میان شهرهای آسیائی، راولپندی و از شهرهای اروپائی ورشو یا پاریس بهترین و مناسب‌ترین نقاطی است که می‌توانند محل تماس بین نمایندگان آمریکا و ویتنام شمالی باشند. ■

برزیل

تنها یک شیوه و بس: قدرت مطلق!

چهار هفته پیش تظاهراتی در ریودوژانیرو روی داد که منجر به زخمی شدن سی نفر گردید، اوضاع ناگهان در برزیل تغییر کرد و پلیس فی الفور دست با شغال مراکز مختلف زد در «گویانا» مرکز ایالت گویا نیز پلیس ناچار شد که بسوی مردم تیراندازی کند و دو نفر مجروح به کلیسا پناهنده شدند. وقتی برای دومین هفته خون در برزیل جاری شد، دولت تصمیم گرفت که در سرتاسر کشور حکومت نظامی اعلام کند. چهار سال پس از کودتائی که نظامیان را روی کار آورد اینک اغتشاشات برزیل را به لبه وضعی بحرانی بمراتب دردناک تر از سال ۱۹۶۴ رسانده است.

روز ۲۸ مارس در حالیکه عده‌ای نسبت به گرانی مواد غذایی تظاهر می‌کردند یک جوان ۱۸ ساله ب ضرب گلوله یک افسر از پای درآمد، همین خون بود که آتش به باروت زد فردای آنروز ۵۰۰۰۰ نفر در حالیکه جسد این جوان را می‌شایست می‌کردند و سرود مارسیز را می‌خواندند در خیابانها براه افتادند این بزرگترین تظاهر ضد دولتی از اول آوریل ۱۹۶۴ یعنی شورش نظامی بود.



تظاهرات در ریو: آتشی که بنا به زبانه کشید.



«بایی» این روزها با همه گرم می‌گیرد... از سفید تا سیاه و در این میان به باسرخ‌ها

پس از آن تظاهرات در شهرهای مختلف دروی داد و هربار پلیس باخشونت جلو آنها را گرفت ، موج‌خشم به محافل روحانی کشیده شد و در «بلوهوریزنتو» سی و سه نفر کشیش اعلامیه ضد دولتی امضاء کردند و حتی از پارلمان نیز نمایندگان دست بانقاد از راه وروش دولت زدند .

برای مارشال کوستاسیلوا رئیس‌جمهوری برزیل این اغتشاشات بمنزله فاجعه بزرگی است این نظامی عاشق پیشه از چندماه قبل تصمیم گرفته بود که وضع رژیم خود را متعادل سازد ، بسیاری از سیاستمداران تبعیدی را بکشور بازگردانده بود ، دادگاههای فرمایشی را موقتا تعطیل کرده بود ، مطبوعات را آزاد گذاشته بود ولی سندیکاها و احزاب سیاسی همچنان ممنوع از فعالیت بودند .

با این همه در برابر این اقدامات هزینه زندگی همچنان قوس صعودی را طی میکرد در ظرف یکسال بهای گاز ۲۱ درصد و بهای بنزین ۱۲۳ درصد افزوده شده بود تا مدتی در رغبت احزاب و سندیکاهای سیاسی مردم چشم به سازمانهای جوانان دوخته بودند ولی سال گذشته اتحادیه ملی دانشجویان نیز ممنوع شد ، صدها استاد دانشگاه بدلیل سیاسی از کار خود برکنار شدند ، از بودجه دانشگاه ۳۰ درصد زده شد و سعی گردید که از قدرت آن بطرز محسوس کاسته شود اغتشاشات هفته گذشته را نمیتوان یک شورش منظم نامید بلکه یک هرج و مرج لجام گسیخته بود .

مارشال کوستا رئیس‌جمهوری در برابر این بی‌نظمی‌ها گفت : « ما با بسوی بهبود وضع زندگی مردم خواهیم رفت یا بسوی یک دیکتاتوری . » اما آنچه که امروز جیمز پورتل رئیس سرویس نظامی ریاست‌جمهوری میخواهد دیکتاتوری است او میگوید در مقابل اغتشاشات کمونیستی یک شیوه وجود دارد و بس و آن قدرت مطلق است !

امریکا

آیا رابرت اشتباه می‌کند ؟

رابرت کندی برای مصارف انتخاباتی خود بیشتر از آنچه که جفرسون برای خرید لوئیزیانا به ناپلئون اول پول داد خرج میکند . جفرسون برای خرید این منطقه ۸۰ میلیون فرانک پرداخت در حالیکه رابرت کندی بیشتر از این مبلغ خرج میکند .

این محاسبه راروزه برانجین فرماندار دموکرات ایندیانا نموده است . او کاندیدای این ایالت در انتخابات مقدماتی است که قرار

زیادی کرده ولی در مقابل برانجین نیز بیگانه نیست او در این مبارزه یک حربه قوی دارد ، دستگاه حزبی دموکرات در این ایالت بنفع او کار میکند و کاملاً در اختیار او است .

از طرف دیگر حزب دموکرات در این ایالت از نظر مالی نیز قدرت فراوانی دارد . حزب در این ایالت از انواع وسایل برای کسب پول استفاده میکند مثلاً از هر گواهی‌نامه رانندگی ۵۰ سانتیم گرفته میشود . در مقابل

این قدرت عظیم رابرت فعالیت شدیدی میکند روزانه در سمینار شرکت میکند ، او از محله لهستانیها دیدن میکند ، در مراسم عید پاک آنها شرکت میکند و یادآوری میکند که او و برادرش جان کندی همیشه از اراء لهستانیهای کاتولیک استفاده کرده‌اند ، با آنها آوازه‌های فولکوریک میخواند و نیز بمحله سرخ‌پوستان میرود با آنها به گفت‌گومیپردازد . یوجین مک‌کارتی در مقابل این همه فعالیت نمیتواند خون سرد بماند او میگوید : سناتور نیویورک سخت اشتباه میکند ، او مبارزه انتخاباتی سال ۱۹۶۸ را با ۱۹۶۰ اشتباه میکند امریکا از آن زمان تا امروز فرق کرده است رابرت فکر میکند که کندیها و زیبائی آنها معجزه خواهد کرد و سیاستمداران مانند بچه محصل‌ها به اغوش آنها خواهند افتاد ولی او در اشتباه است . □

است روز هفتم ماه مه صورت گیرد . برانجین قرار بود که در این انتخابات برای جانسن کار کند ولی وقتی او از شرکت در انتخابات کناره گرفت معلوم نیست برای چه کسی کار میکند . ولی عده زیادی عقیده دارند که او برای هوبرت همفری کار میکند . در واقع آنچه که زعمای حزب دموکرات میخواهند اینست که او مک‌کارتی و کندی را متوقف سازد .

کندی از تازیبی که تا کنون بدست آورده خوشحال است . او برای آزمایش شانس خود به تازگی اقدام به رای‌گیری از ده فرزندان خود کرده و روز بعد به جمعیتی از هواداراناش گفت چهار نفر از فرزندانم بنفع من رای دادند .

چند روز قبل رابرت همراه همسر و گروهی از هواداران وسیلی از خبرنگاران وارد «ساوت بند» گردید ، او از جانب گروه زیادی از دختران استقبال شد ، آنها برای فشردن دست او بهمسبقت می‌جستند . رابرت طی نطقی خطاب به این دختران گفت : « من برای ایجاد یک امریکای نوبه شما احتیاج دارم . » یکی از هواداران رابرت کندی میگوید .

امریکای ۲۰۰ میلیونی امروز در صدد یافتن یک رهبر است ، بحرانو بی‌نظمی وعدم اعتماد در همه جا بچشم میخورد و انتخابات مقدماتی هر ایالت میتواند نموداری از احساسات مردم باشد .

در ایندیانا وضع مهم است زیرا در حالیکه قشر وسیعی از محافظه کاران وجود دارند ، دانشگاههای معتبر آن را نیز نمی‌توان ندیده گرفت و نیز ، مراکز صنعتی عظیمی در آن بچشم میخورد که قدرت کارگران آن غیر قابل انکار است در این ایالت شهرهائی وجود دارند که برای نخستین بار فرماندار سیاه پوست انتخاب کرده‌اند رابرت کندی برای بدست آوردن آراء مردم این ایالت فعالیت

الجزایر

سرزمین انقلاب در آستانه تحولات تازه

بالاخره روز جمعه حاصل توطئه‌ها ، شورش‌ها ، اعتصابات متددی که در سالهای اخیر در الجزایر بوقوع پیوسته است بصورت

چند گلوله از لوله مسلسل خارج شد تا بحیات « بومدین » پایان دهد و بساط رژیم او را برچیند .

بومدین هنگامیکه از جلسه هیئت دولت در کاخ ریاست جمهوری خارج میگردد بمورد حمله قرار گرفت و مهاجمین که از داخل يك اتوموبیل تیراندازی میکردند بامسلسل او را مورد حمله قرار دادند. در این حادثه به لب بومدین در اثر شکستن شیشه اتوموبیل جراحت مختصری وارد شد شانه راست راننده او در اثر اصابت گلوله زخم برداشت و دو تن مهاجم در محل حادثه بوسیله گلوله های گارد های شخصی رئیس جمهوری کشته شدند.

هنوز تعداد حقیقی مهاجمین معلوم نشده است، اگر چه دو تن از آنها کشته شده اند ولی احتمال داده میشود که عده دیگری نیز وجود داشته اند که موفق بفرار شده اند منابع رسمی هیچ گزارشی در این زمینه نداده اند جز اینکه تحقیق پیرامون این مسئله به دستگاه امنیتی ارتش محول گردیده و آنها سعی دارند هویت توطئه کنندگان را تعیین نمایند.



بومدین از دام یلا جسته!

اندکی پس از تیراندازی اهالی خیابان مراد متوجه عبور يك اتوموبیل دولتی گردیدند که شخصی روی صندلی عقب آن دراز کشیده بود. گفته می شود که این شخص احتمالاً - بومدین میتواند باشد.

سوء قصد به بومدین در الجزایر با اهمیت زیادی تلقی میگردد زیرا غالباً هنگامیکه او میخواست از نقطه ای به نقطه دیگری برود اقدامات احتیاطی فراوانی صورت میگرفت. ماه گذشته از جانب گروهی از مخالفان رژیم

کنونی نسبت به قاید احمد مسئول حزب جبهه آزادی ملی در مرکز شهر الجزیره سوء قصدی روی داد ولی توطئه کنندگان فوراً دستگیر گردیدند.

از روز ۱۹ ژوئن ۱۹۶۵ یعنی روزی که بومدین قدرت را در کشور بدست گرفت این نخستین توطئه ای است که بر ضد جان او صورت میگردد.

ناظران سیاسی معتقدند که سوء قصد اخیر میتواند اقداماتی را که تاکنون صورت گرفته و بعداً در این کشور صورت میگردد توجیه نماید زیرا شواهد و قرائن همه مبین آنست که پس از توطئه ۱۵ دسامبر گذشته که از جانب سرهنگ طاهر زبیری ترتیب داده شده بود اوضاع در این کشور روشن نشده است.

شورش زبیری با سرعت فرونشست ولی رهبر شورش موفق بفرار شد. زبیری در دستگاه دولتی تنها نبود و یارانی داشت که هنوز هم قدرت دارند مثلاً عبدالعزیز زردانی وزیر کار که از دوستان زبیری بود. زردانی چند روز قبل اعلامیه ای انتشار داد و ضمن آن دولت بومدین را به محاکمه کشید. زردانی

نمایند جناح چپ مخالفین بومدین است پس از توطئه ماه دسامبر بومدین اکیبی را که در اطراف خود داشت مستحکمتر کرد افراد مورد اعتمادش را در رأس کارها گذاشت و در حزب باصطلاح «رفرمی» ایجاد کرد. ولی

رفرم در حزب با آرامش صورت نگرفت، دانشجویان بیشتر از مدت یکماه دست به اعتصاب زدند، این اعتصاب با اقدامات مخفی و آشکار مقامات دولتی و نظامی تشدید گردید، افسرانی که با مخالفان بومدین همکاری میکردند کسانی بودند که در مرزهای تونس

و مراکش خدمت میکردند و گزارشهایی که رسیده حاکی است که زبیری از این اختلافات استفاده کرده و به این مناطق پناهنده شده است از طرف دیگر در زمینه اقتصادی نیز عدم موفقیت هایی نصیب رژیم گردیده که بعقیده کار شناسان اقتصادی اثرات آن از پایان سال

۱۹۶۷ آشکار شده است دولت الجزایر با وجود مساعی فراوانی که در راه توسعه اقتصادی کشور بکار میبرد با مسائل متعددی روبرو است که باید حل کند و عمده ترین آنها مسئله بیکاری است. اینها همه عواملی است که مخالفان بومدین از آن استفاده میکنند. از روزیکه

بومدین، بن بلا را از کار برکنار و شخصاً زمام امور را بدست گرفت دستجات مخالف متعددی تشکیل شده که هدف آنها واژگون کردن رژیم او است. مثلاً سازمان مخفی انقلاب الجزایر که هوادار بن بلاست و جبهه نیروهای سوسیالیست که آیت احمد رهبری آنرا بعهده دارد و کمیته ملی دفاع از انقلاب که محمد بودیاف هم رزم بن بلا در بازداشتگاه فرانسویان آن

را رهبری میکند و بالاخره سازمان مقاومت توده ای چپ و نهضت دموکراتیک الجزایر نو که بوسیله بلقاسم کریم معاون پیشین نخست وزیر دولت موقت الجزایر تشکیل شده است اگر چه این سازمانها تاکنون موفق نشده اند

با یکدیگر متحد شده و نیروی واحدی را تشکیل دهند ولی هر یک گروههایی را بدور خود جمع کرده اند که آه و بیگاه اغتشاشاتی را براه میاندازند و شکی نیست که توطئه روز گذشته قتل بومدین نیز از یکی از این

سازمانها سرچشمه گرفته بود. همه علائم و شواهد حاکی از آنست که مخالفین آرام نخواهند نشست و با تمام قوا، کوشش خواهند کرد که بهر صورت که امکان پذیر است ضربه هایی به رژیم بومدین وارد سازند. □

بیافرا

صلح، صلح، این است خواست هر دو طرف!

جنگ داخلی نیجریه که تاکنون تنها جنبه نظامی داشت هفته گذشته از نظر سیاسی وارد مرحله جدیدی شد رژیم انقلابی - تانزانیا روز ۱۳ آوریل اعلام کرد که رژیم تجزیه طلب بیافرا را برسمیت می شناسد.

امروز معلوم میشود باز زبیری که هفته گذشته د کتر « نامدی ازیکوه » رئیس پیشین حکومت نیجریه از دارالسلام بعمل آورد سبب گردید که توجه رهبران تانزانیا به کشتار مردم غیر نظامی که ماههاست در نیجریه ادامه دارد، جلب گردد و آنها را به عکس العمل وادارد.

ناظران سیاسی در افریقا معتقدند که اقدام تانزانیا فقط یک شناسائی ساده و معمولی نبوده بلکه مقدمه بدست گرفتن ابتکار و آغاز مذاکرات صلح میتواند باشد چه احتمال دارد کشورهای دیگری نیز از رژیم « نهره » پیروی کرده و حکومت بیافرا را برسمیت بشناسند.

اثرات این اقدام در روزهای اخیر آشکار گردیده و وزیر خارجه دولت نیجریه که برای ملاقات رهبران انگلستان به لندن آمده بود در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که احتمالاً مذاکرات صلح میان دولت مرکزی نیجریه و رژیم تجزیه طلب قبل از آغاز ماه مه صورت خواهد گرفت ولی او اضافه کرد که اصولاً مسئله شناسائی رژیم بیافرا مطرح نیست.

بنظر میرسد که دولت تانزانیا در ابتکاری که برای شناسائی رژیم بیافرا بعمل آورد متکی بر ایجاد موازنه بود. این کشور در مناقشه طرف ضعیف را انتخاب کرده است. چنانکه وزیر خارجه تانزانیا گفت که اقدام دولت متبوع او صرفاً جنبه بشر دوستانه داشته است ولی این شناسائی بهر حال مسائل دیگری را نیز مطرح می کند؛ تانزانیا کشوری که بوسیله کشورهای بلوک سوسیالیست پشتیبانی میشود

رژیم بیافرا را که از جانب پر تقال حمایت میگردد برسمیت می شناسد در حالیکه رژیم مرکزی نیجریه کمک های فنی و نظامی شایان توجهی از شوروی دریافت مینماید. آیا تانزانیا میخواهد آتش جنگ رادر افریقا مشتعل سازد. چند روز قبل رئیس جمهوری ساحل عاج در پاریس گفت که حل مسئله نیجریه از راه سیاسی نیست بلکه باید از جنبه بشری بآن پرداخت. همه شواهد و قرائن نشان میدهد که کشورهای افریقائی میخواهند رژیم نیجریه را تضعیف کنند و یا این کشور را براه خود بکشانند. همه این حوادث برای بیافرا بمنزله پیروزی سیاسی بزرگی بشمار میرود به این ترتیب رژیم بیافرا از حالت انزوائی که یکسال ادامه داشت خارج میشود. در تمام این مدت بیافرا تقریباً تکجهنگید، سلاحهائی که بدست میاورد از بازار آزاد خریداری میکرد و اغلب بوسیله پر تقالیها به بیافرا رسانده میشد، تا یکسال قبل سعی

حتی اگر ارتش بیافرا نابود گردد و مقاومت متشکل آنها درهم شکسته شود همیشه امکان جنگهای چریکی وجود دارد و این جنگ بمراتب خطرناکتر از جنگهای متشکل است.

از طرف دیگر همه شواهد حاکی است که زمان نیز برفع دولت مرکزی نیجریه کار نمیکند، ادامه جنگ مردم مناطق تحت کنترل نیجریه را خسته کرده است.

همانقدر که سرهنگ اجو کو و احتیاج به صلح دارد گوون رئیس کشور نیجریه نیز خود را محتاج به برقراری سریع صلح می بیند ولی او حاضر نیست حقوق بیافرا را بعنوان یک منطقه مستقل قبول بکند زیرا اینکار علاوه بر همه مخاطرات سبب بروز آشوب و رقابت های قبیله ای در نیجریه خواهد شد. اینک همه در افریقا انتظار معجزه ای را از سازمان وحدت افریقا دارند و امیدوارند که این سازمان در نیجریه مداخله کند و مسئله را بصورتی که حقوق همه



رئیس ایالت تجزیه طلب بیافرا: اجو کوو



رئیس کشور تانزانیا: نیره

مردم محفوظ بماند حل کند شاید مذاکراتی که وزیر خارجه نیجریه در لندن خبر آغاز آنرا اعلام کرد مقدمه این کار باشد. □

یونان

سرهنگها بجلب قلوب پرداخته اند

بعد از ظهر روز ۲۰ آوریل ۱۹۶۷ دوازده مرد در خیابان اسپاسی در پانگراتی واقع در حومه آتن در یک خانه کوچک اجتماعی تشکیل دادند و پس از مدتی بحث و مذاکره تصمیم گرفتند که همان شب قدرت را در کشور بدست گیرند. در حالیکه دوازده نفر نقشه عملیات را طرح می کردند، پایتخت در خواب بعد از ظهر فرورفته بود، امروز درست یکسال پس از این خواب است که آتن بیدار میشود و متوجه میشود که چه گذشته است.

برجسته ترین فرد این دوازده نفر یعنی سرهنگ ژرژ پاپادوپولوس بسمت نخست وزیر

میشد رژیم تجزیه طلب بیافرا را با رژیم تجزیه طلب کاتانکا مقایسه کنند ولی شناسائی این رژیم از جانب دولت انقلابی تانزانیا وضع رادر افریقا تغییر داد. رژیم تجزیه طلب بیافرا در زمینه سیاسی تقویت گردید اگر چه در صحنه نظامی پیروزیهای بزرگی نصیب نیروهای نیجریه میگردد. اونیتشا آخرین شهر بزرگ بیافرا بدست نیروهای فدرال افتاده آنها خود را در آستانه پیروزی نظامی می بینند ولی همه به این نکته عقیده دارند که این پیروزی نظامی مسئله ای را حل نخواهد کرد.

آیا شناسائی تانزانیا میتواند دولت فدرال را ترغیب به تشدید عملیات نظامی کند یا اینکه بیافرا آنقدر مقاومت خواهد کرد تا موج هواداران حل مسالمت آمیز افریقا را فرا گیرد و دولت نیجریه را وادار به قبول راهحلی جز راه حل نظامی نماید؟ ناظران نظامی در افریقا معتقدند که

ممین شد و بدنبال این کودتا، احزاب سیاسی، مطبوعات مستقل، پارلمان همه و همه پرچیده شدند، در ماه دسامبر ۱۹۶۷ اقدام پادشاه برای اعاده رژیم قانونی با شکست مواجه گردید، شاه به خارج از کشور رفت و با اینکار یونان بطور در بست بدست گروه نظامیان افتاد.

برای برگزاری مراسم سالروز انقلاب و یاشورش، گروه حا که یونان دو تن انور هریران قدیمی را تحت کنترل قرار داد یکی پلانا یوتیس کانلو پولوس رهبر دست راستی بود و دیگری ژرژ پاپاندرو یوزهربر مخالفین رژیم. پاپاندرو اخیراً موفق شد اعلامیه ای علیه دیکتاتوری منتشر کند.

کمسیون صلیب سرخ که بتازگی از اردو گاههای بازداشت شدگان بازدید کرده، اعلام نمود که ۲۵۰۰ نفر در شرایط بهداشتی نامناسبی بسر میبرند.

در ماه ژانویه رژیم نظامی سروصدای زیادی در اطراف آزادی هائیکه به مطبوعات اعطا کرده است برپا نمود. آزادی که رژیم از آن بحث میکند یک «آزادی تحت نظر» میباشد زیرا از مدیران روزنامهها دعوت شده است که اخبار را شخصاً سانسور کنند و یا مثلاً درباره کاندیدا شدن رابرت کندی مطلبی ننویسند.

پاپادوپولوس بخوبی از مخالفت هائیکه علیه رژیم او شکل میگیرد اطلاع دارد و بدنبال خود یک گروه از سرهنگان و ستوانها را دارد که امکان کودتا را مقدور ساخته اند.

علاوه بر مخالفت های داخلی در خارج نیز مخالفان رژیم نظامی کم نیستند. برخی از کشورهای دموکرات و سازمانهای بین المللی با این رژیم مخالفت کرده و یا حداقل روی خوشی به آن نشان نمیدهند، یونان تا حال وابسته به اروپا بود ولی اینک اروپا از یونان قطع وابستگی میکند، اخیراً کمسیون بازار مشترک در بروکسل یونان را از ۵۵ میلیون دلار کمک که قرار بود به آن کشور بشود محروم کرد، موج توریسم که هر سال به یونان هجوم می آورد اینک کاهش یافته است از اول آوریل ۱۹۶۷ تا اول ژانویه ۱۹۶۸ میزان عایدات ارزی خارجی یونان به ۱۱۰ میلیون دلار رسید در حالیکه این میزان در مدت مشابه سال قبل ۱۳۲ میلیون دلار بود.

یک سرهنگ ارتش اداره این قسمت حیاتی اقتصاد را در دست دارد، طبق محاسباتی که او کرده بود درآمد توریستی یونان در سال ۱۹۷۲ باید ۴۰۰ میلیون دلار شود ولی چه امید دور دستی!

رژیم در مقابل این مشکلات قرار است در ماه سپتامبر قانون اساسی تازه را در معرض فراندوم بگذارد و شاید پس از آن مبادرت به



ژرژ پادوپولوس: در راه جلب افکار عمومی!

به جاسوس شوروی که به آمریکا پناهنده شده بود داده بودند) به مامورین ضد جاسوسی فرانسه اطلاع داده بودند که:

- ۱- شورویها در میان نزدیکترین محارم دوگلد جاسوس دارند.
- ۲- جاسوسان شوروی در چندین وزارتخانه فرانسوی و از جمله وزارتخانه های خارجه و دفاع کشور رخنه کرده اند.
- ۳- يك شبکه جاسوسی شوروی بنام «سافیر» در داخل سازمان ضد جاسوسی فرانسه کار و فعالیت میکند.

۴- جاسوسان شوروی در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی میتوانند هر نوع اطلاعات و اخبار محرمانه مربوط به این سازمان را در مدت کمتر از سه روز از پاریس به مسکو برسانند. دو روزی در مقاله هیجان انگیز خود اضافه میکند که وقتی جاسوسان فرانسوی از ملاقات خود با مارتل به پاریس بازگشتند به بهروسی خود اطمینان دادند که اطلاعات جاسوس شوروی درست است و با يك سری عملیات سریع میتوان تمام شبکه های جاسوسی شوروی را در فرانسه و در سایر کشورهای عضو ناتو از میان برداشت و با انداختن يك «تور» میتوان چندین جاسوس زبردست شوروی را دستگیر ساخت. «ولی، غیر از بازداشت ژرژ پاك هیچ فعالیت دیگری از طرف سازمان ضد جاسوسی فرانسه برای پایان دادن به عملیات شورویها دیده نشد در عوض به من دستور داده شد که برای بدست آوردن اطلاعات مخفیانه اتمی آمریکا و همچنین اخبار مربوط به موشکهای قاره پیما، پایگاههای این موشکها و سایر اطلاعات و اخبار يك سازمان جاسوسی در آمریکا تشکیل دهم» جاسوس فرانسه می نویسد که پس از این دستور اطمینان پیدا کردم نیروهای نامرئی ولی بسیار نیرومندی سازمان ما را اداره میکنند و همین نیروها هستند که مانع کشف شبکه جاسوسی شوروی در کلخ الیزه و سایر دستگاههای رهبری فرانسه شده اند امروز نیز همین نیروها بمن دستور میدهند که در آمریکا شبکه جاسوسی برای فرانسه احداث کنم

بارسیدن این دستورات جدید، دو روزی که اطمینان داشته است کار باید کار «لانه» جاسوسی شوروی در سازمان ضد جاسوسی فرانسه باشد از کار خود استعفا میدهد و در آمریکا مقیم میشود.

ولسی، سکه دورو دارد و روی دیگر قضیه اینست که پاره ای از کارشناسان مسائل جاسوسی به آمریکائیها ظنین شده اند و احتمال میدهند که سراسر این ماجرا ساخته و پرداخته سیا باشد. در واقع، تردیدی نیست که سیا نیز مانند کل ژب يك شبکه وسیع جاسوسی در فرانسه دارد و اینك برای پنهان کردن فعالیت های خود دست به فاش ساختن اسرار جاسوسی شوروی در فرانسه زده است. □

کرد و همان موقع که تحقیقات میبایستی دامنه وسیع تری پیدا میکرد و احتمالاً منجر به کشف شبکه جاسوسی شوروی میشد ناگهان تمام فعالیتها متوقف گردید و دیگر خبری از این ماجرا نشد تا اینکه در اوایل سال جاری لئون اوریسی، نویسنده معروف آمریکائی کتاب تازه خود را بنام «توپاز» بیرون داد و مجله لایف نیز رپرتاژ پرسرو صدائی به قلم يك جاسوس فرانسوی بنام «فیلیپ تیرو دو ووژولی» منتشر نمود.

در کتاب نویسنده «اکسودوس» داستان بر مبنای يك سری اقدامات جاسوسی که طی آن شورویها موفق میشوند جاسوسانی را وارد کلخ ریاست جمهوری فرانسه بنمایند و به بسیاری از اسرار متفین پی ببرند دور میزند. «اوریسی» و «دو ووژولی» دو سال قبل با یکدیگر آشنا شدند و این آشنائی بدوستی عمیقی که هم چنان ادامه دارد منجر شد.

مقاله لایف

«دو ووژولی» رئیس سابق ستاد جاسوسی فرانسه در آمریکا در مقاله خود تعریف میکند که وقتی دستور سازمان ضد جاسوسی فرانسه به واشنگتن آمد و با «منابعی» که پرزیدنت کندی از آنها در نامه خود به پرزیدنت دوگلد نام برده بود ملاقات کرد دریافت که این «منبع موق» کسی نیست مگر یکی از روسای عالی رتبه سازمان جاسوسی شوروی بنام کل-ژب که بتازگی به آمریکا پناهنده شده است. دو ووژولی می نویسد که منبع آمریکا بوی اطلاع داد که شوروی در بیشتر قسمتهای سازمان نظامی آتلانتیک شمالی و از جمله در دستگاههای اداری فرانسه در حدود ۲۰۰ جاسوس زبردست وارد کرده است.

ژرژ پاك، یکی از مامورین عالی رتبه ناتو که چندین پیش بوسیله سازمان ضد جاسوسی فرانسه بازداشت شد و اینك در زندان است یکی از این جاسوسان بود. مارتل (این نام رمزی است که فرانسویها

انجام قانون اساسی نماید، برای موفقیت در این زمینه است که رژیم نظامی از هم اکنون همه توجه خود را روی دهقانان و جلب آنها گذاشته است. نخست وزیر رژیم نظامی روز ۳۱ مارس موافقت کرد که قرض دهقانان به آنها بخشیده شود، میزان این قروض ۲۰۰۰ میلیون تومان یعنی تقریباً يك چهارم بودجه یونان بود. نخست وزیر در مراسم مربوط به اعلام این خبر نطقی ایراد کرد و گفت که رژیم جدید برای هر گونه جهش های بزرگ آماده است و بعد نه فقط قروض عقب مانده را به دهقانان بخشید بلکه یاد آور شد که برای پرداخت بقیه بدهی دهقانان نیز تسهیلاتی قائل خواهد شد. پایا دولویوس احتیاج به جلب پشتیبانی مردم دارد، بمقیده ناظران سیاسی رژیم نظامی می خواهد با مراجعه به آراء عمومی قدرت خود را قانونی جلوه دهد، اقداماتی که اینك بعمل می آورد همه در راه تهیه مقدمات و زمینه انتخابات است. □

فرانسه

جاسوس دو جانبه

در سال ۱۹۶۲، روزی پرزیدنت کندی فقید به دوگلد رئیس جمهوری فرانسه يك نامه خصوصی به خط خودش نوشت و آنرا با يك پيك بسیار سری و مطمئن به پاریس فرستاده در این نامه، رئیس جمهوری آمریکا به همکار فرانسوی خود از قول منابع بسیار موق اطلاع میداد که شورویها موفق شده اند در عالیترین مراجع اداری فرانسه، و به احتمال قوی در کابینه و شاید در خود کلخ الیزه يك شبکه جاسوسی نیرومند تشکیل دهند و پیشنهاد می کرد که سازمان جاسوسی فرانسوی نمایندگان خود را برای تماس مستقیم با این منابع به واشنگتن اعزام دارند.

طولی نکشیده که سازمان ضد جاسوسی فرانسه تحقیقاتی در پاریس و واشنگتن بعمل آورد که درست بودن اطلاعات کندی را ثابت

چرا شوروی به نفت خاورمیانه علاقه مند است؟

این مقاله از روزنامه معروف «فاینانشیال تایمز» چاپ لندن گرفته شده است.

بازدید رسمی اخیر کاسکین از ایران بار دیگر علاقه روزافزون و سریع شوروی را بخاورمیانه ثابت میکند. هم اکنون شورویها تنها در ایران از تماسهای اقتصادی دامنه داری از جمله ساختمان کارخانه ۲۳۰ میلیون لیره ای ذوب آهن و لوله کشی گاز نفت از جنوب ایران به قفقاز برخوردار میباشند.

سوی این روابط با ایران شورویها اخیراً یک قرارداد تجاری با عراق امضاء نموده و بموجب گزارشات واصله برای اخذ امتیاز نفت نیز در تلاش میباشند. برجسته ترین و آشکارترین دخالت شوروی در خاورمیانه تمهیدات آنکشور نسبت به اعراب علیه اسرائیل است و لی مدارک و علائم دیگری در دست است که شورویها شدیداً به شیخ نشین های کوچک خلیج علاقه مند میباشند.

بدون شک انگیزه شورویها در این منطقه پیچیده و آمیخته با مسائل دیگر است ولی این امر کاملاً مسلم است که هیچ چیز دیگری آنها را باندازه نفت به این منطقه علاقه مند نکرده است و این همان علاقه و چشم داشتی است که قدرتهای غربی بخاورمیانه دارند. برای شورویها این علاقه و چشم داشت تازگی دارد، در چند سال گذشته چون صادرات نفت شورویها بسرعت افزایش می یافت چشم داشت آنها به نفت جهانی بیشتر میشود حتی در این اواخر شورویها در هر گونه مذاکره تجاری با انگلستان تقاضای امتیاز نفت داشته اند ولی هرگز انگلستان باین تقاضا تن در نداده و اکنون چنین بنظر میرسد که این مطلب بفراموشی سپرده شده است. بموجب پاره ای از گزارشات واصله شورویها از نظر نفت دچار کمبود میباشند.

چنین بنظر میرسد که میزان نفت شوروی باندازه سالهای گذشته نیست و امید آنها نسبت به ذخائر نفتی خود کاهش یافته است.

میزان تولید نفت شوروی در سال گذشته ۲۸۶ میلیون تن بوده و از ۵۰ میلیون تن صادرات آنکشور ۲۵ میلیون تن به اروپای شرقی و بقیه به اروپای غربی بویژه ایتالیا، فنلاند و آلمان غربی و کشورهای ماوراء بحار که کوبا و ژاپن مهمترین آنها است صادر گردید. در ظرف چند سال گذشته میزان تولید شوروی ۸ درصد

افزایش یافته و اگر افزایش به این میزان ادامه یابد مازاد صادراتی باید ثابت بماند در حالیکه طبیعتاً تقاضای صادرات نفت در روز بروز بیشتر میشود.

با وجود استفاده فراوان شورویها از ذغال و گاز و نیروی اتمی معهداً از میزان افزایش مصرف مواد نفتی کاسته نشده است.

در این زمینه بزرگترین امید شوروی بمناطق سیبری بود ولی این منطقه بسیار دور دست است و در زمستان های سخت آن وضع حمل و نقل و حفظ ارتباطات، با مشکلات عظیمی روبرو است و حفاری و استخراج مستلزم هزینه بسیار سنگینی می باشد.

بر خلاف آنچه طراحان انتظار داشتند میزان تولید این منطقه زیاد نیست و نمیتواند بیش از ده درصد مصرف نفت شوروی را بدهد ولی امروز طراحان بر این عقیده اند که حتی باین میزان نیز نمیتوان از این منطقه بهره برداری کرد و بهتر است که بجای استفاده از نفت این منطقه بمنابع خارجی روی آورد.

منطقه ای که شورویها شدیداً بآن علاقه مند هستند قسمت جنوبی یعنی سواحل ایران در خلیج فارس است.

حتی اگر کشور شوروی یک وارد کننده اصلی نفت هم نشود بطور یقین کشورهای اروپای شرقی مانند لهستان، چکسلواکی، آلمان غربی و مجارستان نمیتوانند از نظر نفت تنها بشوروی متکی باشند. صادرات شوروی در سال ۱۹۶۷ به این مناطق ۲۵ میلیون تن بوده و در سال ۱۹۷۰ به ۳۰ میلیون تن خواهد رسید، و این کشورها نیز در راه توسعه صنایع گام برداشته اند و از طرفی مصرف ذغال را به نفت تبدیل نموده اند بنابراین نیاز آنها به نفت روز بروز بیشتر میشود. اروپای شرقی در سال ۱۹۷۵ به ۸۰ میلیون تن نفت و در سال ۱۹۸۰ به ۱۳۰ میلیون تن نفت نیازمند است.

بنابراین چنین بنظر میرسد که کلیه کشورهای اروپای شرقی با استثنای رومانی که از منابع نفتی خود استفاده مینمایند به واردات نفتی نیازمند خواهند بود و جای شگفتی نیست که سر و کله نمایندگان شرکت های نفت غربی هم در این کشورها پیدا شده باشد زیرا آنها نیز به آرامی درصدد برقراری روابط اقتصادی باین کشورها میباشند. □

آلمان

چینی ها در منطقه روهر

چینی های مائو در آلمان فدرال متفرق

شده اند، اینها که ملبس به اونیفورم مائو شده تونگ می باشند جزوهیست های بازرگانی یکن میباشند و در هر روز از موسسات بزرگ بازرگانی آلمان فدرال بازدید میکنند. آلمانها میگویند که از تعداد واقعی آنها اطلاعی ندارند زیرا همه یک شکل بوده و لباس متحدالشکل میپوشند. از مقصد نهائی آنها نیز اطلاعی ندارند، در واقع صاحبان صنایع و حتی دولت آلمان فدرال نمیخواهند در اطراف این بازدیدها که سبب نگرانی آمریکائیها میگردد دچار و جنجال زیادی براه بیانند.

جمهوری آلمان فدرال موفق شده است در میان کشورهای غربی صادر کننده کالا به چین کمونیست مقام اول را داشته باشد. میزان صادرات آلمان فدرال به چین در سال ۱۹۶۷ برابر یک میلیارد فرانک فرانسه بود. معهداً آلمان فدرال بارزیم یکن دارای روابط سیاسی نیست و بنظر میرسد که در نظر ندارد روابط بازرگانی را با پیوندهای سیاسی مستحکم نماید، انگلستان و فرانسه که چین کمونیست را برسمیت شناخته و با آنکشور روابط سیاسی برقرار کرده اند روابط تجاری خوبی مانند بن ندارند.

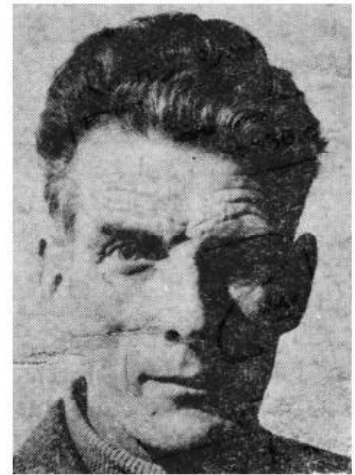
ولی موادی که باید میان در کشور درو بدل شود این بار محافل بن رانگران کرده است. هیئت بازرگانی چین کمونیست ابراز تمایل میکند که وسایل مکانیکی سنگین، موتور و ماشین افزار از آلمان خریداری کند، اینها علاقه زیادی به ادوات الکترونیکی و رادارهای آلمان نشان میدهند هیئت چینی خود را آماده میکند که وسایل الکترونیکی سفارش بدهد، آمریکائیها میگویند که این مصنوعات ممکن است برای گسترش تسلیحات اتمی چین و یا تقویت بنیه دفاعی رژیم یکن بکار رود.

صاحبان صنایع آلمان فدرال از مداخله آمریکائیها میترسند، تاکنون چندین بار آمریکائیها مداخله کرده و مانع فروش لوله های آهنی از طرف آلمان به شوروی گردیده اند. هر بار واشنگتن مداخله کرده بن اجبارا تسلیم شده است. در مورد معامله با یکن نیز بن از این مداخله میترسد ولی رژیم بن سعی دارد که این بار موفقیت را از دست ندهد چه اینکه به صنایع آلمان امکان خواهد داد که در سال ۱۹۶۸ معادل یک میلیارد و نیم فرانک کالا به چین صادر کند این مقدار صادرات معادل دو برابر صادرات فرانسه و سه چهارم صادرات ژاپن خواهد بود. □

(چشم براه گودو) از: بکت

در پذیرش (پوچی) و در باب (تئاتر پوچی)

(داو درشیدی) هفته گذشته با همکاری گروه تئاتر امروز و مرکز نمایش پدید نمایشنامه (چشم براه گودو) اثر برجسته (ساموئل بکت) را در انجمن ایران و آمریکا بروی صحنه آورد. بعد از این شماره اشاره ای به (بکت) داریم. مطلبی از پرویز صیاد مترجم و بازیگر (چشم براه گودو) درباره (پذیرش پوچی) و سخنی از کتاب (تئاتر پوچی) تالیف (مارتین اسلین) با این مقدمات بحث خود را درباره اجرای نمایشنامه (چشم براه گودو) به شماره بعد موکول می کنیم.



ساموئل بکت

ساموئل بکت در سال ۱۹۰۶ در دوبلین پایتخت ایرلندزاده شد در سال ۱۹۲۷ تحصیلات عالی خود را در همین شهر در رشته زبان و ادبیات فرانسه و ایتالیا تمام کرد و از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰ در پاریس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی تحصیل نمود. نخستین کتاب او که یک شعر بلند بود در سال ۱۹۳۰ منتشر شد.

در سال ۱۹۳۱ بکت به دوبلین بازگشت و در کالج ترینیتی به عنوان معلم زبان فرانسه مشغول شد و در همین سال بکت بررسی مفصل خود را درباره آثار (پروست) منتشر کرد. بکت چهار سال بعدی را در انگلستان فرانسه و آلمان به تیر و سیاحت پرداخت و سپس یک مجموعه داستان و یک مجموعه شعرهای کوتاه منتشر کرد.

در سال ۱۹۳۷ اقامتگاه دائمی خود را پاریس قرار داد ولی آثار خود را بزبان

انگلیسی مینوشت. در سال ۱۹۳۸ نوولی منتشر کرد. تا سال ۱۹۴۲ در پاریس اقامت داشت و آثار خود را بزبان فرانسه ترجمه میکرد. در این سال به یک منطقه غیر اشغالی در فرانسه رفت و آخرین اثر خود را بزبان انگلیسی که یک نوول تازه بود نوشت. در فاصله سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۶ به عنوان مترجم و کارمند با بیمارستان صلیب سرخ ایرلند در (سن او) همکاری میکرد. در سال ۱۹۴۷ به پاریس بازگشت و نوشتن آثار خود را بزبان فرانسه آغاز کرد.

بکت نمایشنامه (چشم براه گودو) را در سال ۱۹۵۳ نوشت و در همین سال توسط (روزه بلین) در پاریس بروی صحنه رفت. (بلین) نقش (پوتزو) را شخصاً به عهده داشت. این نمایشنامه در آمریکا نخستین بار توسط (آلن شنایدر) بروی صحنه رفت. هم او بود که از بکت پرسید: واقعا منظور شما از (گودو) چیست؟ و بکت پاسخ داد: اگر میدانستم در نمایشنامه میگفتم.

در باب تئاتر (پوچی)

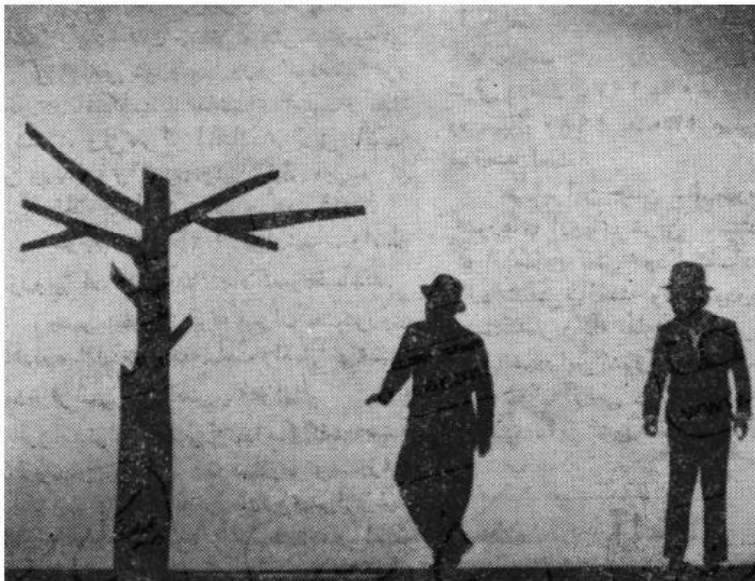
موفقیت نمایشنامه های بکت - آدامف - پینتر - یونسکو و دیگران دلیل آنست که این نمایشنامه ها صرف نظر از عنوان (مهمل) یا (عوام فریبانه) که بدان نسبت میدهند و آقا مطالبی برای گفتن دارند که غیر قابل فهم نیز نیست. ایراد «پوچیدگی» که منقدین اغلب بدین نمایشنامه ها نسبت میدهند و نیز بهتی که از دیدن و خواندن این آثار دست میدهد بیشتر

بخاطر آنست که این آثار متعلق به معنایی تازه و در حال گسترش است که هنوز برای شناختنش زمان لازم نگذشته و نیز توصیفی کافی بعمل نیامده است. نمایشنامه هایی که در این مکتب یا سنت تازه نوشته میشود قهراً تازمانی که با معیارهای دیگری ارزیابی شوند آثاری جسورانه و خنده آمیز قلمداد خواهند شد. اگر یک نمایشنامه خوب نمایشنامه ای است که داستان گیرا و محکمی دارد، نمایش نامه های تئاتر (پوچی) چنین خواصی را فاقدند.

اگر یک درام خوب بر اثر ظرافت و نکته سنجی در توصیف قهرمانان و انگیزه های آنان بوجود می آید این نمایشنامه ها اغلب دارای شخصیت های نامشخصی هستند که بیشتر به عروسکهای ماشینی شباهت می یابند.

اگر یک نمایشنامه خوب لازم است (تم) روشنی داشته باشد که بوضوح تا سرانجام معینی که می باید پیش برده شود، نمایشنامه های تئاتر «پوچی» اغلب نه آغازی دارند و نه انجامی اگر یک نمایشنامه خوب به اثری اطلاق میشود که منعکس کننده طبیعت باشد یا آداب و رسوم عصر خود را در طرحی ماهرانه با موشکافی بیان کند، برعکس این آثار انگلیسی از رؤیایا و کابوسها هستند.

اگر یک نمایشنامه خوب متکی به لطیفه ها و گفتگوهای شسته رفته ایست که در آن به کار رفته، نمایشنامه های تئاتر (پوچی) اغلب از حرفهای بظاهر بی ربط و نیز گاهی از اصوات بوجود می آیند. □



«داو درشیدی و پرویز صیاد در صحنه ای از نمایش (چشم براه گودو)»



موسس (سینماتک) فرانسه پیروزشد

سرانجام مبارزه فیلمسازان و هنرمندان برجسته فرانسوی برای ابقای (هانری لانگلو) در سمت مدیریت سینماتک فرانسه با موفقیت روبرو شد و (آندره مالرو) وزیر امور فرهنگی فرانسه که در ماه فوریه گذشته دستور برکناری (هانری لانگلو) را داده بود، این دستور را لغو کرد.

(لانگلو) (سینماتک) فرانسه را در سال ۱۹۳۶ بوجود آورد و این موسسه بی نظیر هنری جهان از آن هنگام تا کنون (۶۰۰) هزار فیلم نادر و بسیار جالب از مجموعه آثار کلاسیک سینما را در فیلم خانه خود جمع آوری کرده است.

موزه سینمائی نیویورک که از جمله موزه های بزرگ هنری است در حال حاضر با اندازه یک بیستم سینماتک فیلم دارد و (۶۰۰) هزار تعداد فیلم های سینماتک در واقع نیمی از همه فیلم هائی است که تا کنون طی (۷۰) سال عمر سینما ساخته شده است.

در ماه فوریه گذشته دولت فرانسه (هانری لانگلو) و ۶۰ نفر زیردستان او را از راس سینماتک برداشت و چون این اقدام دولت فرانسه ممکن بود نشانه ای از دخالت دولت در امور هنری آن کشور بشمار آید از طرف همه هنرمندان و مخصوصاً فیلمسازان فرانسوی که طی سالیان دراز (سینماتک) مرکز مطالعات سینمائی آنها بوده است با اعتراض شدید مواجه شد. عاقبت پس از چند ماه مبارزه دولت فرانسه موافقت کرد که سینماتک با مدیریت (لانگلو) منتها با تغییراتی در وضع خود بکار خویش ادامه دهد.

لانگلو که از یک مادر فرانسوی و یک پدر آمریکائی در ترکیه متولد شده است با ایجاد سینماتک خدمت بزرگی به سینما و سینماگران فرانسوی نمود و نهضت های جدید سینمائی فرانسه مرهون پشتکار این مرد هنردوست است.

وی نخستین بار در سال ۱۹۳۵ یک کلوب سینمائی بوجود آورد که هفته ای یکبار فیلم های صامت را نشان میداد بعد در سال ۱۹۳۶ سینماتک را تاسیس کرد و در این اواخر سینماتک در دو محل خود در پاریس هر روز ۶ فیلم برجسته جهان سینما را بر بان اصلی و با تفسیر هائی پیرامون آنها به بهای نمایش هر فیلم سه فرانک نشان میداد. □

«كودك ذاتاً مضطرب است» خالی الذهن به گذشته، جاهل به آنچه خواهد گذشت با اینحال مضطرب است و همین اضطراب بجای ترسین خصیصه غریزی آدمیست.

بعد «ما فرصت داریم تا بزرگ شویم» عادت کنیم، بخندیم، لودگی کنیم، پیوند بیابیم - که هر پیوند مقدمه آیدست برای گسیختن و هر گسیختن به نسبت استحکام پیوند، عذابش بیشتر. علائق هر چه که هست - فردی، خانوادگی، اجتماعی سیاسی و غیره - سرپوشیست بر اضطراب ذاتی ما که از کودکی با ما است. شکافتن و شناختن «پوچی» کوشش در «نا امید کردن» نیست. توجهیست آگاهانه به چهره عبوس واقعیت. واقعیتی که عدم آگاهی بدان نیز اضطراب نهانی نا آگاه را زائل نمیکند. چرا که هست و غافلگیر میکند. مرگ هست. «آدم روی قبرش بدنیا می آید. بایک تولد دردناک. همان موقع گور کن شروع میکند نم نمک به صاف کردن کف قبر ..»

صحبت از واقعیت نیستی و حقارت هستی است واقعیت و یا نیستیست زیرا ابدیت با اوست. آنوقت در فاصله هستی - که خود پللی است از نیستی - نیستی انسان مقید به اخلاق و قانون، دانش به تمدنی که بدست آورده، خوش است. تمدنی که هیچ معلوم نیست ارزش بهای تمام شده اش را برای بشر داشته باشد. در مقایسه ارزش و بی ارزش خوبی و بدی کفایت روابط را از نظر دور نداریم روابطی که فی المثل بین «شناختن اتم» و «هیروشیما» هست یا بین «معصومیت مسیح» و «کشتارهای مذهبی» یا میان «منطق برتری نژاد» و «جنگ جهانی دوم» آنوقت نقطه تردید در بهبودگی و پوچی کوششهای بشر، در نیل به آنچه که خود بدستی نمیداند چیست، پیدا میشود.

رسیدن به سر منزل «پوچی» پیش از اینها صورت گرفته است. تقریباً در هر دوره اندیشمندانی چند در هنر و فلسفه در غایت تجسس خویش با این مرحله رسیده اند، تفاوت تنها در اینست که نویسندگان تأثیر «پوچی» دیگرکن به تکرار تجربیات پیشین نمیدهند. آغاز کارشان بر انجام نتایج قبلی استوار است، از پذیرفتن «پوچی». نتیجه کار ممکن است کراهت آور باشد یا ناخوشایند. زشت باشد یا خوشبینی و آرامش خاطر عمومی را جریحه دار سازد ولی خوب چیزیست که هست. شاید تقصیر آنقدر از بدبینی اینان نباشد که از خوش بینی هاست.

در زمانی که این چنین ظالمانه میکنند و شلاق کش، در فرصت کوتاهی که امکان شناختن «همه چیز» مطلقاً وجود ندارد، حقیقت اینست که برای «زندگی» چشمی بیناتر از معمول لازم است و گوش شنواتر.

در این صورت دیدن جنبه های تأثیر انگیز مشکل نخواهد بود. و نیز برآستی میتوان مضحکه آفرینش - اینگونه که بکت می بیند شنبه که: «فضای ارضی های ماست» □

نقاش در جستجوی فضای تازه نقاشی هاست

هفته گذشته تعداد ۱۶ تابلو نقاشی - سه مجسمه و در حدود ۲۰ طرح غلامحسین نامی در گالری سیحون به تماشا گذاشته شد. شاید فقط در یک مورد بتوان کلمه ای را که برای توضیح آثار این هنرمند استعمال شده است صحیح دانست و آن کلمه (طرح) است. زیرا آثار دیگر او را در گالری سیحون نمیتوان بطور قطعی در طبقه بندی های نقاشی و مجسمه سازی در آورد.

یکسال پیش غلامحسین نامی نخستین آثار (نقاشی فضائی) خود را در همین گالری سیحون به نمایش گذاشت. اگر بتوان به این آثار همان کلمه (نقاشی) را اطلاق کرد بیدرتنگ باید بدنبال آن کلمه (فضائی) را نیز عنوان نمود.

بدیهی است این شیوه ای نیست که نامی ابتکار کرده باشد که اینک کار تازه تر او به عنوان ترکیبی از مجسمه سازی - نقاشی و معماری (که سه نمونه آن به عنوان سه مجسمه در گالری سیحون به تماشا گذاشته شده است) در چندسال اخیر در اروپا و مخصوصاً آمریکا طرفداران زیادی داشته است و اخیراً حتی آوان گاردهای آمریکا نقاشی نمایشگاهی در نیویورک برپا کردند که هنرهای موسیقی و سینما و تئاتر نیز در جوار هنرهای نقاشی - مجسمه سازی و معماری یک ترکیب جدید تشکیل میداد و بصورت هنر واحد جلوه گر میشد بدین ترتیب (نامی) جزو عده زیادی از نقاشان و مجسمه سازان مدرن است که راههای تازه تری برای ابراز هنر خویش میجویند. این موضوع نه چیزی از (نامی) هاکم میکند و نه البته بر آنها امتیاز خاصی اضافه میکند. تغییر و تحول و کوشش بی گیر و بدون وقفه برای یافتن راههای تازه ارائه اشکال جدید، مشخصه دقیق قرن ما است.

مسلماً در هیچ قرن از ۱۹ قرن قبل میلادی و قرون دیگر فرهنگ و تمدن بشر، اینقدر تنوع طلبی و بازی با (ایسم) های مختلف رواج نداشته است. این اغتشاش و بلبشو، این لحظه ای بودن و حالت فرار و سیال اجتماع کنونی بشری ممکن است حوادث و خیمی را بدنبال داشته باشد و ممکن است در یک کادر مشخص مطرود جلوه گر شود ولی مسلم است که این حالت منطقی ترین حالت زمان ما است و هر کس که در این اتمسفر قرار ندارد گویی در قرن ما زندگی نمیکند.

(نامی) و نقاشان و مجسمه سازان دیگری که شبیه او می اندیشند نمیتوانند دائماً از

نمایشنامه خیلی عمیق تر از یک حادثه واقعی اندیشیده و (پایان هفته) را بصورت حادثه ای جهت داوری اجتماع سیاسی و اجتماعی کنونی آمریکا در آورده است.

در این نمایشنامه یک سناتور جوان که میتواند جزو جمهوری خواهان آمریکا قرار داشته باشد در راه مبارزات انتخاباتی جهت احراز مقام رئیس جمهوری آمریکا است و در گرما گرم این کار متوجه میشود که پسر او مایل است بایک دختر سیاه پوست ازدواج کند.



صحنه ای از نمایش پایان هفته

این موضوع در زندگی سناتور جوان - پسر او - منشی خوشگل و رفیقش - و حتی مشاور سیاه پوست سناتور، در آغاز بصورت معمایی بزرگی جلوه میکند اما سرانجام سناتور با این ازدواج موافقت میکند و همین امر موجب موفقیت او در انتخابات نیز میشود. پیداست که (گورویدال) با این نمایشنامه هجو شدید و طنز برنده خود را چگونه متوجه مسئولان کنونی اجتماع آمریکا میکند و همه را از محافظه کاران دست راستی تا لیبرال های جوان و حتی رهبران ضد نژادی از دم تیغ هجو و طنز خود میکندرانند. (ویدال) در یکجا باین نکته مهم اشاره میکند که رهبری کنونی آمریکا شکست ناپذیر است چون شرایطی فراهم شده است که عده زیادی از اینکه بکشند و یا کشته شوند احساس زندگی و شرف می کنند در این صورت چه انتظاری برای تحول و تغییر میتوان داشت؟ نقش سناتور جوان نمایشنامه (پایان هفته) را (جان فورسایت) که شباهتی هم از لحاظ قیافه و هم شخصیت به (گورویدال) دارد ایفا میکند و کارگردانی نمایشنامه را (جوزف آنتونی) هنرمند برجسته تئاتر های آمریکایی عهده دار است. □

یک شکل خاص برای ارائه تقه دید یا نکته احساسی و یا مرکز تفکر خود استفاده کنند در لحظه ای که بود و وجود آدمی ثابت نیست و (خانه) ها دائماً از پای بست و پیران است و یا در حال و پیرانی است در بند آن (نقش) ثابت ایوان بودن بسی مضحک و کودکانه و غیره واقع مینماید.

(نامی) که اینک در هنرستان هنرهای زیبا در رشته نقاشی تدریس میکند بدلیل همین جستجوی دائمی خویش و اینکه می - خواهد همگام جهان باشد قابل تقدیر است اما نکته جالب تر در کار او و بعضی از نقاشان دیگر هنرمند ما تسلط آنها به فرم و استفاده بجا و متناسب آنها از ماتریال های نقاشی و مجسمه سازی است.

در کارهای نامی صرف نظر از هر شکلی که او میخواهد بنمایاند و صرف نظر از هر ایده ای که در پشت یا جلو و یا در داخل این اشکال نهفته است: یک زیبایی چشم گیر و یک استتیک دقیق و موزون وجود دارد و این جلوه کار اوست که تماشاگر عادی و ساده را نیز عمیقاً جلب میکند.

(نامی) ده سال است که به کار جدی نقاشی مشغول است. نخستین نمایشگاه او ۷ سال پیش برگزار شد به ایتالیا - فراتسه و آلمان سفر کرده و در بی نینال پنجم پاریس شرکت کرده است.

۲۰ طرح او که در نمایشگاه گالری سیحون قرار دارد بطور تقریب میتواند سیر تکاملی او را در کارش نمودار باشد و ضمناً همین طرح ها نشان میدهد که (نامی) اگر جستجوگر و پوینده نبود نمیتوانست در سبک های قدیم تر نقاش مورد خویش ایند کهنه پرستان نیز قرار گیرد.

موقیقت (نامی) را در کارهای تازه تر او خواستاریم. □

ش . ن

(پایان هفته) نمایشنامه تازه (ویدال)

چه انتظاری از مردمی که میخواهند بکشند و کشته شوند؟

نمایشنامه تازه (گورویدال) نویسنده برجسته آمریکایی که این روزها در آن کشور روی صحنه است نمایشنامه ای تفریحی و خنده آور است در باره اجتماعی که سیر تکاملی آن بسوی خشونت، بهیج وجه مفرح و جالب نیست.

گورویدال در نمایشنامه خود بتمام (پایان هفته) از یک واقعه حقیقی، ازدواج دختر دین راسک وزیر خارجه آمریکا بایک جوان سیاه پوست الهام گرفته ولی در ساخت و پرداخت

نمایشگاه باستان‌شناسی و هنر ایران

نمایشگاه بزرگ ونیزی که بمناسبت پنجمین کنگره جهانی باستان‌شناسی و هنر ایران درموزه جدید مردم‌شناسی در تهران ترتیب داده شده است برای مشاهده علاقمندان همچنان دایر است.

این نمایشگاه شامل آثاری است که از سال ۱۹۶۰ پایان چهارمین کنگره جهانی باستان‌شناسی و هنر ایران تا کنون بوسیله هیئت‌های مختلف باستان‌شناسی ایران طی کاوشهای متعدد ازول‌خاک بدرآمده است. این آثار که برای نخستین بار درموزه جدید مردم‌شناسی در تهران بنمایش گذاشته شده است از مناطق شوش، سمارلیک، اسمعیل‌آباد، لرستان، استخر، مرودشت و نقاط مختلف دیگر بدست آمده است.

مشاهده این آثار بسیار نفیس که بیان‌کننده و هنر و فرهنگ درخشان ایران زمین است فرصتی است برای هنرمندان و محققان فرهنگی و علاقمندان به هنر تادرباره هنر و فرهنگ ارزنده ایران بررسی و مطالعه کنند.

تقسیم جوایز تئاتری (تونی)

جوایز تئاتری (تونی) که هر سال بعنوان مهمترین جوایز تئاتری امریکا اعطاء میشود امسال طی تشریفات باشکوهی در نیویورک توزیع گردید. یک نمایش موزیکال بنام (هاله لویا کوچولو) بعنوان بهترین نمایش موزیکال سال امریکا انتخاب شد و بازیگر اول آن (لسلی یوگامز) که از ستارگان برجسته سیاه پوست امریکا است جایزه تونی را در یافت کرد. این جایزه در رشته نمایشهای دراماتیک به نمایشنامه نویسنده انگلیسی (تام - استوپارد) تعلق گرفت.

(مایک نیکولز) هنرمند مشهور امریکائی نیز بعنوان بهترین کارگردان تئاتری سال امریکا جایزه (تونی) را در یافت کرد.

مبادله ارکسترهای لندن و اسرائیل

بموجب موافقتنامه‌ای که میان ارکستر سمفونی لندن و ارکستر فیلارمونیک اسرائیل بعمل آمده اعضای این دو ارکستر در کشورهای یکدیگر چندبرنامه کنسرت اجرا خواهند کرد.

ارکستر فیلارمونیک اسرائیل بموجب این برنامه از روز بیست و هفت ماه مه اجرای هفت کنسرت را در انگلستان آغاز خواهد کرد.

رهبری این ارکستر را در اجرای برنامه‌های آن در انگلستان زوبین مهتا موسیقیدان پارسی‌نژاد و رهبر کنونی ارکستر فیلارمونیک لوس‌انجلس بعده خواهد داشت.

باله (رومئو و ژولیت) در نیویورک

باله سلطنتی انگلستان فصل نمایشی خود را در (متروپولیتین) نیویورک با اجرای باله مشهور (رومئو و ژولیت) اثر موسیقیدان بزرگ (پروکوفیف) آغاز کرد.

در این باله دو هنرمند مشهور باله سلطنتی انگلستان (رودولف نوری یف) و (مارگرت فونتنین) در نقش (رومئو) و (ژولیت) با یقین نقش می‌پردازند.

نوری یف اینک سی سال و فونتنین چهل و هشت سال دارد. باین حال اجرای باله آنها در متروپولیتین نیویورک با تحسین فراوان هنر دوستان امریکائی روبرو شده است.

سونات (گمشده بتهوون)

یک (سونات) بتهوون موسیقیدان بزرگ آلمانی که از یکصد سال پیش مفقود شده بود بوسیله یک کتابدار آلمانی پیدا شد و برای بررسی در اختیار (کلودیو آرو) پیانیست معروف شیلی قرار گرفت.

کلودیو آرو اظهار داشت وی در نظر دارد این قطعه موسیقی جالب را در فستیوال آثار بتهوون که در سال ۱۹۷۰ در شهر بن زادگاه بتهوون برگزار میشود اجرا کند.

آرو افزود - بتهوون این سونات را که درش قسمت تنظیم شده است در سال ۱۷۹۲ تحت تاثیر آثار موتسارت و هایدن بوجود آورده است.

فستیوال تئاتر جوانان

فستیوال تئاتر بین‌المللی جوانان که چندی پیش در شهر نانی واقع در فرانسه گشایش یافت تا پایان ماه اوریل جاری ادامه خواهد داشت.

در این فستیوال تئاترهای جوانان و همچنین تئاترهای دانشگاهی چند کشور مختلف شرکت کرده‌اند.

فستیوال بین‌المللی تئاتر جوانان هر سال در ماه اوریل در شهر دانشگاهی نانی طی مراسم باشکوهی گشایش مییابد.



کاندی کیست؟ یک ۱۷ ساله سوئدی

کتاب جسارت آمیز (کاندی) اثر (هوفنبرگ) که سرگذشت عشق‌های هوس آلود یک دختر ۱۷ ساله با مردان مختلف است سرانجام بصورت فیلم درآمد. نقش کاندی را در این فیلم (اوا اولین) ستاره تازه کار ۱۷ ساله سوئدی ایفا میکند و (مارلون براندو) - (ریچارد برتن) و (رینگو استار) و (والتر مایکو) بعضی از عشاق وی در فیلم به شمار می‌روند.

سفر (اوپن تیتر)

(اوپن تیتر) که از تئاترهای مشهور آمریکا است. برای اجرای دو نمایشنامه از (زان کلودوان ایتالی) سفری را با اروپا آغاز خواهد کرد.

این گروه تئاتری در سفر خود به اروپا در چند مرکز مهم هنری این قاره دو نمایشنامه (زنده باد آمریکا) و (مار) را بروی صحنه خواهد آورد.

(وان ایتالی) نویسنده این دو نمایشنامه در گفتگویی با منتقدان هنری در نیویورک گفت که نمایشنامه‌های خود را براساس شیوه خاص تئاتری گروه (اوپن تیتر) تنظیم کرده است.

نویسنده‌ای که هوا و آزادی را از مرغان قهرمانانش می‌کند

«ترومن کاپت» یکی از مشهورترین چهره‌های گروه موج نو ادبیات معاصر آمریکا است که با «صبحانه در تیفانی» در این سرزمین شناخته شد. نخستین اثر او «میرایام» غوغائی را در محافل ادبی و هنری جهان برانگیخت و شهرت آینده‌اش میدان داد از آن پس انتشار آثار تازه‌ای چون «گیاهان» «موزه‌ها سخن می‌گویند» «درخت شبانه» «صبحانه در تیفانی» «لوازه آریا» از مرزهای جهان عبور داد.

وی دو سال پیش با انتشار کتاب (با خون سردی) شوکه‌جدیدی در آمیختن هماهنگ نوول و رپورتاژ بوجود آورد و این کتاب بصورت فیلم جالبی در اروپا و آمریکا روی پرده است و بر اعتبارش افزوده اینک طبع مجموعه نوولهای جدید نویسنده به داوران ادبیات مجال داده است تا با ارزیابی آثار او اقدام کنند و نبوغ و استعدادش را بشناسند «ترومن کاپت» قبل از آنکه نویسنده شود ناچار بود بمشاغل گوناگونی تن در دهد و در نتیجه تجارب اساس کار او قرار گرفته است. در آثار او انسان مفهومی تازه و خاص دارد و اندیشه‌های او نه چندان والادسترس نیافتنی است که با معیارهای اجتماعی نا هماهنگ باشد و نه آنقدر پست و مبتذل است که نفرت انگیز بنماید. مثلاً در نوول شاعرانه «درخت نوئل» ماری آویزه‌های رنگین فاخری را بر شاخه‌های کاج بسته است ولی این آذین‌ها با تمام جلوه خیره‌کننده‌ای که دارند نمیتوانند ایام از دست رفته او را بازپس دهند.

ماری جوان نیست ولی با پیروی فاصله بسیار دارد. هنوز سرفه نمی‌کند بنا بر این سیگار میکشد و بی دربی گیلان و یسکی خود را لبریز میسازد.

شب در انتظار است باد زوزه سرد خود را بگوش پنجره‌ها میرساند و سپس شتابان و دیوانه وار میگردد. ماری تنهاست ولی دستی هراسان زنگ آپارتمان او را بصدا می‌آورد ماری انقدر باده خورده که نمیتواند از جای خویش برخیزد از پائین مردی فریاد میکشد «ماری در را باز کن، هوا سرد است. باز کن» ولی ماری تنها گیلان خود را پرمی‌کند و یک صفحه شلوغ و پر سروصدای گرامش استوار می‌کند تا فریاد آن مرد را نشنود زیرا قادر نیست از پلکان پائین برود و در را باز کند، آنکاه مرد نزد خود می‌اندیشد که ماری

با جورج میرقص همان جوانک بی‌سر و پا. زنگ آپارتمان مثل جیغ وحشتناکی ادامه پیدا می‌کند انقدر تا صفحه پایان میرسد و ماری درمستی و بی‌خبری پنجره را میکشاید و درخت نوئل را بکوچه پرتاب می‌کند مردی که پشت درایستاده است در را می‌شکند و بزور داخل میشود و درست در همین لحظه ماری از پنجره سقوط می‌کند و مرد باز می‌پندارد که باو خیانت کرده‌اند و جنایتی صورت پذیرفته است از این روی به پلیس اطلاع میدهد و جورج راتبه کار معرفی میکند تصادفا جورج در خانه نیست و این بهانه‌ای برای تحریک سوء ظن پلیس است ولی فردای روز بعد پلیس خود مرد را بجای جورج توقیف می‌کند زیرا او در را شکسته و بزور داخل منزل ماری شده است اما او کیست؟ تنها مشتری اما کن فساد، یک مرد که در ذباله‌ها دنبال لذتی میگشته و اینک باید در زندان بمیرد.

بدین طریق نویسنده روابط زن و مرد را همراه حوادث زمان تحقیق می‌کند و تصویر بی‌پرده‌ای از سوغظن‌ها و پندارهای ناصواب بدست میدهد.

معهد امیدانیم که نویسنده اصراری ندارد که شرح حوادث نوولهای او را باور داشته باشیم و خود او معتقد است که آینده‌و گذشته قهرمانان یک اثر بنویسنده مربوط نیست و اینها اساساً نباید زنجیری باشد که قهرمانان را در تنگنای داستان زندانی سازد؛ «برای همین است که من میکوشم هوا و آزادی را بخواننده بازپس دهم».

پوران نصاری

«فرانسوا - نوریسیه» نویسنده «بشر تحقیر شده» پاسخ میدهد

تولد من در ۱۸ مه ۱۹۲۷ بود تا دوازده سالگی در نواحی وسیع اطراف پاریس بودم آنکاه بشهر روی آوردم تحصیلاتم را در مدرسه سن لوئی آغاز کردم. در سالهای ۱۹۴۳ بجنگی خوانده شدم که لبریز از اسارت بود و شکنجه و سرانجام آزادی یک دوره کوتاه تفصیل در دانشکده حقوق سوربن. و پایان تحصیلات تا ۱۹۴۸ طول کشید. برای امرار معاش قادر نبودم از نردبان ترقی بطرزی عاقلانه



(فرانسوا نوریسیه)

بالا بروم بهمین علت از هر اقدام منطقی و صحیحی استفاده کردم. چند صباحی بچند امریکائی فرانسه درس میدادم. بعد عبوری سریع در کارهای تبلیغاتی کردم و بالاخره با شرایطی گنج و بی‌هدف خود را وارد کارهای گوناگون نمودم، نخست در قسمت مهاجرین و کمک به مهاجرین سرگردان مسیحی مشغول کار شدم. از این تاریخ سفرهای متعدد و اقامتهای کوتاه من در آلمان و اتریش و ایتالیا و ماموریت‌هایم به‌خاور میانه باعث دیداری از قاهره و دمشق شد.

این سفرها مخلوطی بود از عقاید مذهبی و سازندگی بین المللی و گاهی سوءنیت. حاصل این سفر چند مقاله علمی و یک مطلب تحقیقی «بشر تحقیر شده» بود که مربوط است به سرگردانی ملل اروپائی از سال ۱۹۱۱ - در ضمن این سالها وقایع دیگری نیز اتفاق افتاد از جمله ازدواج من که حاصلش پسری در ۱۹۵۱ بود و پسردیگری در ۱۹۵۴، اتفاقات ناگوار و مشکلات این سالها سبب شد که من شوهری بدو پدری بدتر باشم، بعلمت نا هماهنگی اخلاقی از کار، زندگی خانوادگی و روحانیت اخلاقی کناره

گرفتم . در ۱۹۵۲ سرپرست اردوی بین-المللی دانشجویان بودم - و در این جا کنار آدمهایی زیستم که اعتقادات گوناگون داشتند و زمان استراحت خود را از سیاست ، رادیو ادبیات و تئاتر انباشته بودند .

در ۱۹۵۱ نخستین رمانم بنام «آب خاکستری» انتشار یافت. زمانی در انتشارات نوئل ، شروع بکار کردم سه سال کارم که گاهی اندوهبار و زمانی مهیج بود. مرا با انتشارات دسته جمعی آشنا کرد .

در ۱۹۵۶ سردبیری «لایپازین» انتخاب شدم و در ۱۹۵۸ با سمت مشاور ادبی انتشارات گراسه مشغول کار شدم و در اینجا اولین جلد «یک ناراحتی عمومی» که شامل چندین داستان کوتاه بود انتشار دادم در ۱۹۶۶ یک داستان فرانسوی من برنده اول یک جایزه میشود . همین اثر جایزه بهترین رمان اکادمی فرانسه را در نوامبر ۱۹۶۶ میگیرد. سرانجام ۱۹۶۷ میرسد .

زمانیکه من آرامش را باز یافته ام در خانه هایی که مهر بانیهای آن قلبم را سرشار می کند . و درختها و حیوانات کنار ادبیات بیش از پیش در زندگی من جا باز کرده اند . اینک به پاسخهای نویسنده میرسیم

دوست دارید که بودید ؟

سرباز فیکارو . ارشیتکت لودو - مونه نقاش

صفت مشخصه شما ؟

شتابزدگی فوق العاده برای رنج بردن آنچه در دوستان می پسندید ؟

وفاداری - اتحاد و سکوت

مهمترین عیب شما ؟

علاقه اصلاح طلبی توأم با زخم زبان بزرگترین بدبختی شما ؟

مسلم است . نزدیک شدن هیولای مرگ کدام صفت مردان را می پسندید ؟

بی اعتنائی

کدام صفت زنان را ؟

جوانمردی - گذشت .

خصیصه مورد پسند شما ؟

وفاداری بدونان کودکی .

قهرمان واقعی زندگی شما ؟

مردانی که در مقابل اجتماع ایستادگی

می کنند و برخلاف مسیر حرکت می کنند .

کدام قهرمان زن تاریخ ؟

عشاق سری و مخفی

آنچه مورد نفرت شماست ؟

وحشیگری های نژادی و اشتباهات سهوی

رفورمی که مورد ستایش شماست ؟

کلیه اعمالی که از بردباری و کمال سر

چشمه می گیرد .

چطور میخواهید بمیرید ؟

دیر - سریع - آرام
وضع فعلی شما ؟

دقیق

شعار شما ؟

آزادی - آزادی - آزادی

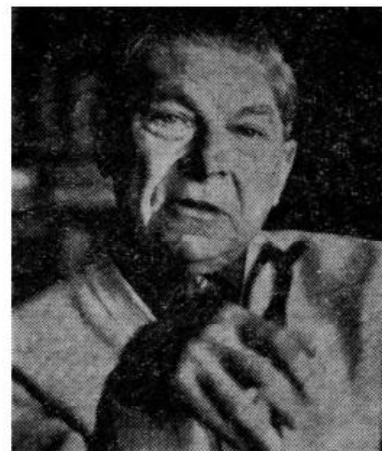
ترجمه داریوش فائز



شاعری بوجود میاید

(رالفاوود) استاد و محقق آمریکائی کتاب تازه ای زیر عنوان شاعری بوجود میاید منتشر کرد.

در این کتاب با نوجه به یادداشتها نیکه (دیلان توماس) شاعر معروف انگلیسی درباره سرودن اشعار خود نوشته یک بررسی جامع درباره نحوه بوجود آمدن یک شاعر و شعرهای او بعمل آمده است. پروفوررالفاوود که مطالعات عمیقی درباره دیلان توماس دارد در سالهای اخیر بعنوان کارشناس اشعار این شاعر بشمار آمده است.



جایزه فرهنگی (کوئستلر)

(آرتور کوئستلر) نویسنده معروف جایزه ادبی و فرهنگی (سانینک) را طی مراسمی در دانشگاه کپنهاگ دریافت کرد.

این جایزه در سال ۱۹۵۹ برای نخستین بار توسط یک ناشر معروف دانمارکی بنام (سانینک) بوجود آمد و از آن

هنگام تا کنون هر سال به یکی از شخصیتهای برجسته جهان که در زمینه پیشرفت فرهنگ و ادب اروپا خدماتی انجام داده باشند اهدا میشود.

آرتور کوئستلر هنگام دریافت این جایزه که به مبلغ هشت هزار لیره استرلینگ است نطقی در دانشگاه کپنهاگ ایراد کرد.

ترانه استراوینسکی

(ایگور استراوینسکی) بزرگترین آهنگ ساز زنده معاصر تصنیف کوتاهی ساخته است که یک آواز خوان ۱۳ ساله آنرا اجرا خواهد کرد.

استراوینسکی که اینک هشتاد و پنج سال دارد از بنیانگذاران موسیقی مدرن است در سالهای اخیر به ندرت به تصنیف و تهیه آهنگ میپردازد .

با اینحال وی چندی پیش ترانه کوتاهی تصنیف کرده (سیمون بولف) خواننده ۱۳ ساله انگلیسی آنرا در این هفته در رادیو انگلستان اجرا خواهد کرد.

نودمین سالگرد (هوپه)

بمناسبت نودمین سالگرد تولد (هوپه) عکاس مشهور آلمانی نمایشگاهی از برگزیده آثار او در لندن تشکیل شد .

هوپه که در مونیخ زاده شده است هنگام جوانی با انگلستان رفت و در آن کشور اقامت نمود.

وی طی دوران طولانی حیات خود در زمینه های مختلف عکاسی کار کرد و این رشته را بپایه یک هنر برجسته ارتقاء داد .

از آثار برجسته او عکسهای جالبی است که از گروه باله (دیا گلیلف) استاد باله روسیه تهیه کرده است.

قاموس لغت آکسفورد

نخستین جلد (قاموس لاتین آکسفورد) در ماه آینده مسیحی پس از ۳۵ سال مطالعه و بررسی مداوم منتشر خواهد شد .

پیتر گلیر که از سال ۱۹۵۰ سردبیری هیئت تهیه کننده قاموس لاتین آکسفورد را به عهده دارد اظهار داشت قرار است آخرین جلد این قاموس که در نوع خود مهمترین قاموس لاتین جهان است در سال ۱۹۸۲ منتشر شود.



دنيا درسال ۲۰۰۰ ميلادی



در این روز و روزگار

خبرنگار: آقای کاهن در سال ۲۰۰۰
مهمترین کشورهای جهان از نقطه نظر اقتصادی و نظامی کدام کشور خواهد بود؟

کاهن: مهمترین کشورها در سال ۲۰۰۰

از نظر نظامی و اقتصادی بترتیب عبارت خواهند بود از: ایالات متحده آمریکا، اتحاد شوروی ژاپن، آلمان غربی، فرانسه، انگلستان، چین، البته نه روی یک نقشه واحد و نیز فاصله آمریکا تا کشور بعدی یعنی اتحاد شوروی خیلی طولانی تر از فواصل کشورهای دوم و سوم و یاسوم و چهارم است بدین توضیح که جمع تولیدات آمریکا در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۱۳۸۴ میلیارد دلار و تولیدات کشور دوم یعنی شوروی ۵۹۴ میلیارد دلار خواهد بود. با وجود اینها من یقین دارم که در سال ۲۰۰۰ باز هم آمریکا و شوروی دو قدرت بزرگ جهانی خواهند بود.

خبرنگار: در این پیشگویی هائی که میکنید، چه نکته ای باعث حیرت شما شده است؟

کاهن: نکته ای که باعث حیرت من شده، پیشرفت سریع و برق آسای ژاپن به عنوان سومین قدرت جهانی است. همانطور که قریب یکصد سال قاره اروپا از لحاظ اقتصادی و نظامی در زیر سلطه انگلستان قرار گرفته بود، مسلماً از حالا تا بیست سال بلکه کمتر قاره آسیا نیز تحت سلطه ژاپن قرار خواهد گرفت. ژاپن کشوری است که نسبت به چین پرتحرک تر، با انضباط تر، فعالتر، زحمتکش تر و در صنعت و تکنولوژی قابلتر و پیشرفته تر است.

خبرنگار: شما بقدرت اتمی چین توجه دارید؟

«هرمان کاهن» رئیس موسسه «هودسن» و صاحب نظر در حساب احتمالات بخصوص در آینده جهان و مردم آن دانشی که به «پیشگویی علمی» مشهور است، از کلمه «کارشناس» متنفر است و حاضر نیست کسی او را به این عنوان بنامد و معتقد است:

«کارشناس مانند شوهر فریب خورده، آخرین کسی است است که از موضوع مطلع میشود.»

او در راس گروهی محقق در موسسه «هودسن» به تحقیقات و بررسیهای علمی مشغول است و یکی از برجسته ترین همکارانش «آنتونی واینر» است که منابع اطلاعاتی مهم و سری و مطمئنی در اختیار دارد و گروه نامبرده از روی آن منابع و تجسات و بررسیها برای دولت آمریکا «سناریو» هائی فراهم می آورد بدین معنی که با تکای مدارک و اسنادی که مورد بررسی قرار گرفته در باره حوادث آینده پیشگویی می کند و گاه فرضیه های متعددی را عنوان می سازد و احتمال وقوع هر یک را محاسبه می نماید «کاهن» پس از مطالعه و جرح و تعدیل این گزارشات آنها را برای مقامات دولتی میفرستد

گزارشی که بتازگی «کاهن» پس از ماهها مطالعه با اتفاق گروه علمی خود در باره «جهان سال ۲۰۰۰» تهیه و تقدیم مقامات دولتی آمریکا نموده یکی از جا لبترین و هیجان انگیزترین مطالعاتی است که وسیله هیئت علمی مزبور بعمل آمده که چون دسترسی بآن بعلمت، حرمانه بود نش برای هیچ نثر به ای در جهان امکان پذیر نیست، خبرنگار مجله «رآلیته» از نکات برجسته این گزارش ضمن یک مصاحبه مفصل با «کاهن» پرده برداشته که ما عین آن را در اینجا بجای آوریم

ژاپن برنده خواهد شد، این کشور بزودی دارای سیستم دفاعی موشکهای ضد موشکی خواهد شد ولی در مورد چین، چنین امری واقعیت پیدا نخواهد کرد. چین تا سالیان دراز هم صاحب چنین سیستم دفاعی نخواهد شد زیرا چنین سیستمی مستلزم یک تکنولوژی نیرومندی است که چین باین زودبها و حتی تا دهها سال دیگر هم عرضه و لیاقت نخواهد داشت که صاحب یک تکنولوژی قوی بشود و بیای ژاپن برسد.

و اما اینکه پرسیدید چه چیز تغییر خواهد کرد؟ باید در جواب بگویم اگر ژاپن صاحب قدرت هسته ای بشود. آلمانها هم پنج سال بعد، صاحب آن خواهند شد. البته همه مردم مایلند که در یک باشگاه هسته ای تنگ و محدود که مرکب از پنج شش قدرت اتمی بیشتر نباشد، باقی بمانند ولی این امر غیر ممکن است. وقتی ژاپن دارای سلاحهای

کاهن: ولی ژاپن تا دهسال دیگر، قدرت هسته ای بسیار قویتری در اختیار خواهد داشت که بهیچوجه با قدرت هسته ای چین قابل قیاس نخواهد بود قدرت هسته ای چین در مقابل ژاپن، تقریباً صفر خواهد بود. چند شب قبل، دو نفر ژاپنی با من مصاحبه تلویزیونی کردند و از من پرسیدند که درباره قدرت هسته ای کشورشان چه پیش بینی میکنم؟ من در جوابشان گفتم: «امروزه من با خیال راحت درباره قدرت هسته ای ژاپن صحبت میکنم. ولی، دو سال دیگر بشما خواهم گفت که ژاپن چگونه درباره قدرت هسته ای تصمیم خواهد گرفت.»

خبرنگار: روزیکه ژاپن دارای سلاح های هسته ای بشود، چه چیز تغییر خواهد کرد؟

کاهن: همه دنیا میدانند که اگر روزی بین ژاپن و چین جنگی رخ دهد، بدون شک

در این روز و روزگار

جدید بشود، این تصورات واوام، پاره خواهد شد و آلمانها خواهند گفت: «چرا ما نداشته باشیم؟» آنوقت است که متوقف ساختن آن مشکل بلکه محال خواهد بود.

خبرنگار: ولی آخر فراموش نکنید که قراردادهای موافقتنامه‌هایی هم وجود دارد!

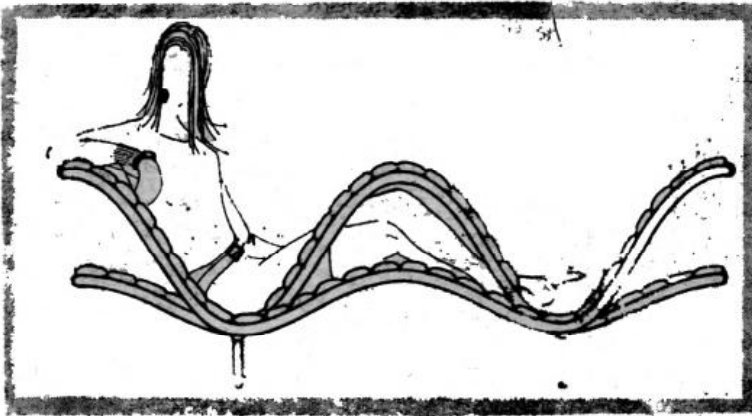
کاهن: بلی، متحدین و هم‌پیمانهای آلمان از تسلیحات هسته‌ای آلمان عصبانی خواهند شد و بان نظر خصمانه خواهند نگرست با وجود این تصور میکنم که احزاب دست راستی افراطی و یا دست چپی آلمان عکس العمل نشان خواهند داد و دولت آلمان به امریکا خواهد گفت: «آقایان امریکائیها، ایام بین دو جنگ اول و دوم را بخاطر بیاورید! بخاطر اینکه شما حاضر نشدید امتیازاتی بما بدهید جمهوری «ویمار» و هیتلر بوجود آمد آیا حالا هم میخواهید هیتلر جدیدی پیدا شود؟ آیا باز هم میخواهید مسئولیت هیتلر تازه‌ای را بهمه بگیریید؟»

خبرنگار: آقای کاهن، حالا برگردیم به پیش‌بینی‌های شما درباره مسائل اقتصادی اگر اوضاع و جریان‌های فعلی بهمین طریق پیش برود، و انتظاری در آن حاصل نشود طبق پیش‌بینی شما آلمان غربی چهارمین قدرت بزرگ جهانی و فرانسه پنجمین و انگلستان ششمی خواهد شد یعنی میخواهید بگوئید که انگلستان از فرانسه عقبتر خواهد ماند؟

کاهن: ما سقوط و افول انگلستان را پیش‌بینی میکنیم، اما نه تصور کنید که این پدیده یعنی افول انگلستان بخاطر جنگ دوم جهانی است بلکه معلول تولید پائین آن کشور بر حسب ساعت کار و مربوط بیک دوره صدساله است و این وضع همچنان ادامه خواهد داشت، زیرا انگلیسی‌ها حاضر نیستند بخاطر تغییرات و انجام تحولات اساسی اوضاع و طرز تفکر که برای آنها کمال لزوم را خواهد داشت، بخود سختی بدهند و در وضع بدی زندگی کنند، بسیاری از امریکائیها نسبت به انگلیسیها علاقه قلبی و «سپاتی» عمیق دارند و روش حکومت پارلمانی خود را مدیون آنان می‌دانند و لذا وقتی سقوط اقتصادی این کشور را ببینند متاثر میشوند و دلشان بحال انگلیسیها میسوزد ولی چیزی که بتوان حدس زد موجب تغییر اوضاع خواهد شد، بنظر نمی‌رسد.

خبرنگار: شما گفتید که شوروی در سال ده هزار کماکان دومین قدرت بزرگ جهانی بوده و تولیدات خام آن تقریباً نلک تولیدات خام امریکا خواهد بود، آیا اقتصاد آن کشور نیز سوسیالیست باقی خواهد ماند؟

کاهن: اولیای امور شوروی در سال



زیر زمین امکان‌پذیر نبود.

آمریکائی‌ها و روسها نیز از يك حمله غافلگیری متقابل میترسیدند اما امروزه موشکها «سخت» هستند و یادست کم موشکهای امریکائی و شوروی چنین است. دیگر عقده حقارتی وجود ندارد خطر آن حمله غافلگیرانه و نابودکننده، بکلی از بین رفته است.

خبرنگار: از نظر سیاسی چه تغییری در جهان رخ داده که تا بیست و پنج سال دیگر تصادم جهانی بوقوع نخواهد پیوست؟

کاهن: کسانی که در شوروی جانشین خروشچف شده‌اند ظاهر آزا و بسیار با احتیاط تر و بسیار محافظه‌کارترند و ما دلائل زیادی در دست داریم که این گرایش رو به تشدید خواهد نهاد و احتیاط و محافظه‌کاری مسئولین شوروی زیادتر خواهد شد.

عوامل و موجباتی که آن کشور را به ماجرائی بکشاند، بسیار کاهش یافته است. روسها آرزو دارند يك آلمان مقتدر و متحد که زیر چماق کمونیست و بفرمان آنها باشد، تشکیل گردد ولی تجربیاتی که از چین بدست آورده‌اند آنرا بتفکر واداشته‌تر جیح میدهند وضع امروزی راهمچنان نگاه دارند. و اما مسئله صادر کردن کمونیسم به امریکا، در حال حاضر برای شوروی يك کوبای مقدمی وجود دارد که روزانه يك میلیون دلار برایش تمام میشود از اینجاست که تمایل آن کشور به کمونیست کردن بولیوی خیلی کمتر از چند سال گذشته است. از طرف دیگر از جنگ دوم جهانی بعد روشن و واضح شده است که مناطق صنعتی میتوانند بدون وقفه پیشرفت و رشد کنند و حالا خواه در این گونه مناطق، سرمایه‌داری یا کمونیسم حکومت کند. این رشد و افزایش محصول که بین ۲۵ و پنجاه درصد متغیر است، مفاهیم بسیاری در بردارد و معانی زیادی از آن استنباط میگردد.

خبرنگار: بنظر شما آیا این امکان وجود ندارد که بحران اقتصادی نظیر سالهای ۱۹۳۰ و یا بدتر از آن رخ دهد!

کاهن: چنین بحرانی بهیچوجه احتمال نمیرود. حتی اگر دلار هم سقوط کند، این سقوط موقتی و زودگذر خواهد بود و حادثه‌ایست

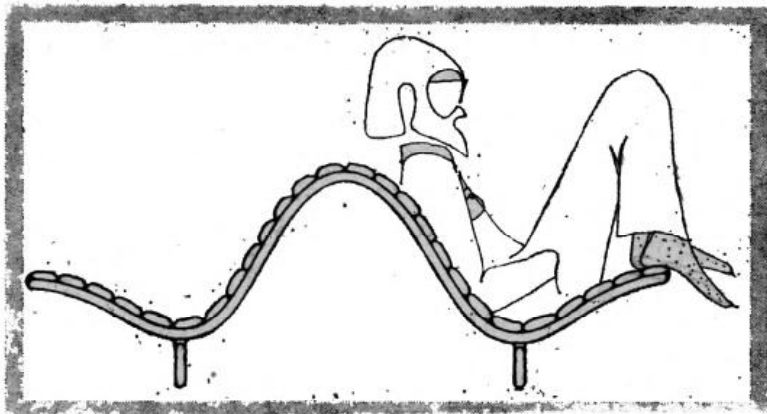
۲۰۰۰ احتیاجی به کمونیست‌ها نخواهند داشت و این موضوع را با آنها حالی خواهند کرد. روز بروز از اهمیت حزب کمونیست کاسته خواهد شد. کمونیست‌ها همیشه در هر کاری خود را متخصص و با تجربه میدانند ولی تا آنوقت در عمل ثابت کرده‌اند که در هیچ کاری تخصص ندارند. هر يك از کشورهای اروپای شرقی را که فرض کنید، بیش از روسیه توفیق بدست خواهند آورد و روسها درباره آنچه که مربوط به مواد مصرفی است عقبتر از دیگران خواهند بود و بان آن کشورها فاصله زیادی خواهند داشت.

خبرنگار: آیا از حال ناسال دوهزار يك جنگ هسته‌ای یا يك برخورد جهانی را پیش‌بینی میکنید؟

کاهن: خیر، و این یکی دیگر از آن نکات حیرت‌آوری است که باید ثبت شود. ما وارد دورانی میشویم که دوران ثبات سیاسی و اقتصادی است. در سالهای قبل از ۱۹۴۰ شما احتمال وقوع يك جنگ جهانی را بر احتی احساس و بهتر بگویم «لمس» میکردید. امروزه کدام قدرتی است که حاضر است پیشرفت اقتصادی و اصلاحات داخلی و ترقیات خود را در حمله به قدرت دیگر، بمخاطره اندازد؟ هیچک از قدرتهای بزرگ جهانی آماده نیست که دست به چنین قمار خطرناکی بزند، ایتالیا، آلمان و ژاپن در سال ۱۹۴۰ ملل محرومی بودند. امروزه کداميك از ملل بزرگ دنیا از حق خود محرومند؟ حتی چینی‌ها هم در سیاست خارجی عاقل و بصیرند. ملاحظه میکنید که تا بحال کوچکترین دست‌درازی نه به «هونگ-کنگ» نه به «کموی» و نه به «ماتسو» کرده‌اند البته در تبت و هندوستان، گردشهای نظامی کرده‌اند. ولی بهیچوجه خود را در يك ماجرای جهانی بمخاطره نمی‌اندازند. بنابراین باقی میماند جنگهای کوچک محلی و محدود که این امر هیچوقت بجنبه‌های هسته نخواهد انجامید.

خبرنگار: شما از کجا اینقدر خوشبین هستید؟

کاهن: اوضاع نظامی از پنج سال پیش تا کنون خیلی عوض شده و تغییرات فراوانی پیدا کرده است. از یکطرف سیستم تسلیحاتی بسیار اطمینان‌بخش است. موشکها تا مدتی «نرم» بودند بدین معنی که حفاظت آنها در



بدون آنکه نتیجه‌ای در برداشته باشد.
خبرنگار: آیا تصور نمیکنید که همین تقسیم آلمان خود یکی از علل جنگ جهانی تا سال ۲۰۰۰ گردد؟

کاهن: همیشه امکان وحدتی توأم با شدت عمل وجود دارد. آلمان شرقی یکی از مستعمرات شوروی است و در دنیای کنونی آخرین کشوری است که مستعمره است و در حقیقت آخرین مستعمره محسوب می‌گردد. این کشور، قدرت نظامی ندارد. کدام مستعمره‌ای را سراغ دارید که از خود، نیروی نظامی داشته است؟ آلمان شرقی مستعمره ایست بسیار ناسیونالیست، پرتحرک، که احساس افتخار میکند و خود را پای بند قیود سنن میدانند. جوانان آلمان شرقی، پرورشی‌های امروزی هستند. آنها ممکن است روسها را بمبارزه بطلبند و تقاضای استقلال کنند من تصور میکنم تا قبل از سال ۲۰۰۰، چیزی اتفاق خواهد افتاد ولی چه بسا که ما این قرن را با دو آلمان مستقل که هر دو بوسیله شورویها و آمریکاها تضمین شده باشند، بپایان برسانیم.
خبرنگار - در سال ۲۰۰۰ جمعیت کره زمین به چه تعداد بالغ خواهد شد؟

کاهن - با توجه به کنترل و تحدید و جلوگیری از مولید رقمی که بیشتر احتمال آن میرود شش میلیارد و چهارصد میلیون نفر خواهد بود: ایالات متحده ۳۱۸ میلیون، اتحاد شوروی ۳۱۶ میلیون، آلمان غربی ۶۱ میلیون، ژاپن ۱۱۶ میلیون، فرانسه ۵۹ میلیون، چین ۹۹۲ میلیون هندوستان: ۹۱۴ میلیون. افراد بشر بدین طریق تقسیم خواهند شد، چهار میلیارد و هفتصد و هفتاد و هفت میلیون در کشورهای توسعه نیافته آفریقا و آسیا و امریکای جنوبی و ۱۶۱۲ میلیارد در کشورهای پیشرفته و مترقی. امروزه دنیای توسعه نیافته شامل ۶۸ درصد جمعیت کل جهان است و در سال ۲۰۰۰ شامل کمی بیش از سه ربع کل جمعیت خواهد بود.

خبرنگار: کشورهای توسعه نیافته در آموغ غنی تر و یاقفیر تر از امروز خواهند بود؟

کاهن - در ممالک توسعه نیافته، افزایش تولیدات ملی، بقرار سرانه ۱۳۵ تا ۳۲۵ دلار در سال، افزایش خواهد یافت و این بدان معنی است که نسبت به امروز ۲۸ درصد رشد کرده است. فقط فاصله بین ممالک پیشرفته و کشورهای توسعه نیافته تا سال ۲۰۰۰ معادل پنجاه درصد اضافه خواهد شد. دنیادر آن روز واقعا دوشبه‌ای خواهد شد

خبرنگار - آیا چنین نسبت فاحشی سبب بروز جنگ یا برخورد های عظیم نخواهد شد؟

کاهن - با کدام اسلحه؛ کشورهای توسعه نیافته وسیله‌ای برای مقابله با کشورهای پیشرفته در دست نخواهند داشت. شاید کینه‌ها، بغض‌ها و احساسات خصمانه‌ای که در سینه‌ها انباشته شده، در قرن بیست و یکم زبانه کشیده و بیرون ریخته شود. لیکن نه تا سال دوهزار.

خبرنگار: اگر مردم چین و هندوستان حاضر به قبول کنترل مولید نشوند و برخلاف پیش بینی شما، جمعیت رو با افزایش نهد، عکس العمل کشورهای مترقی در قبال آن چه خواهد بود؟

کاهن - اینکه آنها را متقاعد کنند که این کار بصرفه آنهاست. و انگهی من تصور میکنم همین قانون در ممالک پیشرفته هم بتصویب برسد تا بتوانند زندگی را در سطح ثابتی نگاهدارند ممکن است برای اینکار مجبور شوند قانونی بگذارند که هیچ پدر و مادری حق نداشته باشد بیش از یک طفل داشته باشد. بهر حال امروزه وضع جمعیت اتا زونی و اروپا طوری است که تا دو برابر هم بشود، مشکلی تولید نخواهد کرد ولی چنین حدسیات و احتمالات مربوط به آینده قابل پیش بینی است: □

(قسمت دوم این مصاحبه که به مسائل جالب دیگری پرداخته است در شماره آینده...)

وقت شمار جدید

اخیرا فیزیکدان کارخانه «تلفن بل» در آمریکا «لحظه شمار» یا «آن شمار» جدیدی اختراع نموده که تا یک هزارم یک میلیاردیم ثانیه را نشان میدهد!! و این عجیبترین اختراعی است که تا کنون در زمینه وقت شماری صورت گرفته است. □

میننی بمب

نامرسانان اداره پست آلمان همواره

از سگهای محافظ خانه ها شکایت داشتند، زیرا هیچوقت از حمله این حیوانات در امان نبودند. بتازگی اولیای پستخانه برای رفع این مشکل چاره‌ای اندیشیده و تمام نامرسانان را مجهز به «میننی بمب» های اشک آور نموده‌اند. ماده اشک آور این «میننی بمب» ها فلفل و روغن معدنی است که سگها بشدت از آن گریزانند □

فقط پانزده هزار تومان

در نیویورک يك دستگاه تلفن سیار بی سیم را با دستگاه فرستنده و شبکه آن و با کلیه وسائل لازم فقط به دوهزار دلار که بپولها از پانزده هزار تومان تجاوز نمیکند، بفروش میرسانند □

لحاف فضائی

لحافی که برای فضا نوردان اختراع شده از جنس پلاستیک است و گرمی آن عینا معادل لحاف معمولی است ولی تمام وزن آن از ۳۲۵ گرم تجاوز نمیکند □

گوشه‌های موج

شورویها برای بازگرداندن فضا نوردان و سفینه‌های فضائی و همچنین برای دنبال کردن اقمار مصنوعی نه کشتی مخصوص بحال آماده باش دائمی اختصاص داده‌اند که آمریکاها نام این کشتی‌ها را «گوشه‌های موج» نهاده‌اند. زیرا این کشتی‌ها بکلیه وسائل مخا برای اثبات وثیت علائم و گیرنده وسائل فنی دیگر مجهز بوده و کوچکترین صداها را ضبط میکنند □

درد دل

مسئله بفرنج اوقات اداری!



چنانکه میدانیم برای اجرای انقلاب اداری کنگره ای تشکیل شد و کنگره نیز با يك قطعنامه بیست و چهار ماده ای به کار خود پایان داد حالا بگذریم که در اصل آن بیست و چهار ماده کلی حرف بود، اما تا کنون دو ماده از این بیست و چهار ماده را اجرا کرده اند که یکی از آنها اضافه شدن ساعت کار ادارات بمیزان چهل ساعت در هفته است.

وزارتخانه ها ظاهر آبرای اینکه ساعات کار اداره شان به چهل ساعت در هفته برسد بجای اینکه در يك جلسه هیئت دولت بنشینند و يك تصمیم واحد را در تمام دستگاهها و سازمانها بجا بگذارند هر کدام برای خودشان صرفاً بر حسب میل مقام وزارت ساعات کار و خدمتی تعیین کرده اند که تنها با دفتر دستک نمیتوان از آن سردر آورد و خلق خدا که این همه سروصداها برای جلب رضایت بیشتر آنهاست. اینک بزحمت می توانند بفهمند که بکدام وزارتخانه کی مراجعه کنند و از ظهر بید چه ساعتی وقت خدمتی آنها پایان می یابد.

برای مثال. سازمان برنامه از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر باز است و پنجشنبه ها را نیز به جمعه چسبانده و در هفته در روز تعطیل دارد. اما وزارت کشور ساعت کارش از ۸ صبح آغاز میشود تا همان ۴ بعد از ظهر باز است ولی پنجشنبه ها

هم کار می کند، منتهی روز پنجشنبه چهار ساعت زودتر تعطیل میشود. وزارت راه همسایه نزدیک وزارت کشور از ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر باز است و وزارت منابع طبیعی از ۸ صبح تا ۴ بعد از ظهر برادر وزارت منابع طبیعی یعنی وزارت تولیدات کشاورزی از ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر وزارت آب و برق از ۷ صبح تا ۳ بعد از ظهر وزارت آبادانی و مسکن از ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر حالا خودتان تصور وضع يك مراجع بدبخت را بکنید که در روز با چند وزارتخانه کار دارد و چگونه گنج و سردرگم میشود؟... ما قبول داریم که هر يك از وزارتخانه ها بمناسبت کارها و وظایفی که دارند طبیعت مخصوص نیز دارند اما آن چه که مهم است، طبیعت مادر است، یعنی طبیعت نظام اداری که اولین مرحله آن وجود هماهنگی است.

سازمان های اداری وقتی میتوانند ادعا کنند که وظایف خود را انجام داده اند که تکلیف مردم در برابر آنها روشن باشد، که مردم بدانند باین سازمانها تحت چه نظام و خصوصیات طرف هستند و الا اگر هر کدام بخواهند يك رویه و يك شیوه را تعقیب کنند بطور قطع نتیجه مورد نظر عاید نمیشود.

البته شق دیگری نیز بنظر می آید که این تفاوت ساعات و اوقات اداری در وزارتخانه ها احتمالاً ناشی از پیش بینی هائی در امر ترافیک یا مسائل مشابه آن باشد، در این صورت باز هم بهتر است که یکبار يك تصمیم دسته جمعی گرفته شود و بازگرددت مردم را در جریان آن قرار دهند. ممکن است چنین بنظر آید که این مسئله کوچکی است و وقتی صحبت از هزار و يك مسئله است، واقعا هزار و يك مسئله مهم تر هم در مملکت وجود دارد ولی من عقیده دارم که عدم توجه بهمین مسائل ریز ریز و کوچک است که بتدریج تولید عقده می کند و احيانا مسائل بزرگتری را باعث میشود.

اگر تعطیل دوروز در هفته را که سازمان برنامه از دوسال پیش بطور آزمایشی شروع کرد نتیجه مطلوب داده و آنطور که سردمداران آن سازمان مدعی هستند با افزایش «راندمان» کار کمک

کرده است چرا در مورد بقیه سازمانها اعمال نمیکند و اگر نتیجه خوب نداده است چرا سازمان برنامه را هم از شما، این استثنا معاف نمی سازند... آیا با وضع موجود شما بکارمند وزارت کشور یا وزارت منابع طبیعی یا وزارت آب و برق که همان ساعات کار بکارمند سازمان برنامه را دارد منتهی تعطیل پنجشنبه حق نمیدهد که بگوید کارمندان سازمان برنامه تافته جدا بافته هستند؟

شاید دولت مشکلات زیادی داشته باشد که باین مسائل نرسد ولی آخر وجود دستگاه عریض و طویلی بنام سازمان امور اداری و استخدامی اگر برای رسیدگی باین قبیل مسائل نیست بس علت وجودی آن برای چیست؟ بعقیده شما این سئوال جوابی هم دارد؛ من که تصور نمی کنم.

«ناهر»

عقده!

چشم شما روشن



کویا پس از نصب تا کسب متر قرار نبود تا کسی ها با داشتن مسافر، مسافر دیگری سوار کنند و مدتی هم این دستور رعایت شد اما اخیراً باز هم آتش همان آتش شده و کاسه همان کاسه و درست وضع سابق برقرار شده است. و تا کسی های مسافر دار مرتب بوق می زنند و جلوی پای مسافرین دیگر می ایستند تا بپرسند راهشان یکی است یا نه!

کما اینکه یکشنبه شب تا کسی ۱۳۵۳ ط ۳۶ با مخلص همین رفتار را کرد و از خیابان نادری که راه افتاد آنقدر جلوی مسافرین ایستاد تا یک نفر را که راهش بارام مخلص یکی بود سوار کرد آنهم بایک خنده بلند بالا که تمام رشته دندان طلای جناب راننده رویت شد با کلی بد و بیراه... مسافر

۱۱

ج ریانی که در هفته گذشته در يك میهمانی مطبوعاتی رخ نمود بخوبی نشان داد که ارباب قلم متوجه خلائی که در عالم مطبوعات بود شده‌اند...

در بحث شماره گذشته ما این موضوع آمده بود که مسائل مربوط به مطبوعات که همیشه وجود دارد باید بصورت واحد طرح شود نه بشکل فردی و ضیافت‌شام آقای اسعد رزم آرا مدیر روزنامه مرد مبارز نشان داد که مطبوعاتی ها خود نیز باین موضوع واقف هستند. آن شب آقای اسعد رزم آرا بمناسبت آغاز هیجدهمین سال حیات روزنامه اش مدیران روزنامه ها و مجلات را به يك ضیافت شام دعوت کرده بود و بحث در همین ضیافت بود که کار را به اعلام فعالیت مجدداً انجمن مطبوعات کشاند و در همان جلسه رئیس و دبیر برای انجمن انتخاب شدند و مدیران مطبوعات فی المجلس تقبل پرداخت مخارج انجمن را نیز نمودند. حقیقت این است که در جهت تحکیم قانون صنفی بین اهل مطبوعات چاره‌ای جز تشکیل این قبیل انجمن‌های صنفی نیست، انجمن-هائی که بتوانند حاکم بر سر نوشت اهل مطبوعات باشد و بتواند تصمیم بگیرد...

امید آنکه انجمن مطبوعات از صنف بندی های خام و ناسالم بدور بماند و حیات آن فدای دسته بندیهای احتمالی نشود...

در این مورد بهمین مختصر بسنده می-کنیم و در انتظار روزهای باروری این نهال تازه نشانه می مانیم...

۲۱

ص حجت از انجمن‌های صنفی شد. بجا است که از سندیکای خبرنگاران و نویسندگان یادی کنیم که هفته گذشته رئیس سازمان بین المللی روزنامه نگاران را که برای شرکت در جلسات کنفرانس حقوق بشر به تهران آمده است بمحل سندیکادعوت کرد و فرصت دیدار معتنمی برای اعضای سندیکا

بوجود آورد.

این سخن گفتنی است که سندیکای خبرنگاران و نویسندگان اگر نه سریع و بی گیر-ولی مطمئن و استوار گام بر میدارد و بدور از جنجالهای روز و لحظه پیش میرود. آقای هرمن رئیس سازمان بین المللی روز-نامه نگاران در آن شب سندیکا با نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات آشنا شد و با صلسی اشاره کرده که بحق در خور آن جلسه بود. هرمن گفت: «... بدون شك هر نویسنده‌ای دارای مرام و مسلک خاصی است، اما باید وقتی قدم بداخل سندیکا میگذارد افکار و عقاید خود را فراموش کند و يك فرد صد درصد سندیکائی وصفی باشد.»

۳۱

د کتر میمندی نژاد سرانجام در هفته گذشته بآرزوی «بیست و چهار ساله»-اش رسید و امتیاز مجله هفتگی سیاسی رنگین کمان بنام او صادر شد.

در حدود دوش ماه قبل دکتر میمندی نژاد بکمک اکبر معاونی مجله دنیای علم را که صاحب امتیاز آن دکتر جلال مصطفوی است براه انداخت و از همان شماره‌های اول دنیای علم نوشت که بیست و چهار سال قبل تقاضای امتیاز کرده و هم چنان در بوته اجمال مانده است.

بالاخره هفته گذشته این امتیاز صادر شد، رنگین کمان بر دنیای علم يك ترجیح دارد و آن اینکه مجله سیاسی است در حالیکه دنیای علم مجله‌ای علمی و اختصاصی بود. دکتر میمندی نژاد امتیاز رنگین کمان را بقیمت بازنشسته ساختن خود از استادی دانشگاه گرفته است.

۴۱

ک اریکاتور نام قدیمی نشریه محسن دولو بار دیگر سرزبانها افتاده است دولو با تجدید امتیاز اریکاتور در فکر

انتشار نشریه‌ای فکاهی و کاریکاتوری است. نام کاریکاتور از نام دولو جدا شدنی نیست و بخوبی میتوان از هم اکنون حتی قبل از انتشار به موقیعت آن امیدوار بود.

بدین ترتیب دولت هویدا سدی را که در برابر صدور امتیازهای جدید موجود بود شکسته است و با تجدید امتیاز کاریکاتور سه نشریه جدید در زمان حکومت او متولد شده‌اند آیندگان، رنگین کمان و کاریکاتور...
و این امیدی است که دولت نیازهای زمان را فدای بعضی لحاچ‌های بی رویه نمی سازد.

۵۱

ی يك هیئت مطبوعاتی که چندی پیش بدعوت دولت فرانسه از آن کشور بازدید کردند بتهران مراجعت نمودند، دعوت این هیئت بفرانسه و دیدارهایی که با رجال سیاسی فرانسه داشتند در آستانه سفر نخست‌وزیر و وزیر خارجه فرانسه بایران با اهمیت تلقی شد، دکتر عظیمی مدیر پیغام امروز که یکی از اعضای هیئت مذکور بوده پس از مراجعت در روزنامه اش نوشت:

«بنام يك روزنامه نویس ایرانی در پاریس با موجی از تحسین و تجلیل از سیاست مستقل ملی ایران و در راه و روش روشن ایران در خاورمیانه و در دنیا روبرو شدم ...

من در فرانسه با هر مقام که روبرو شدم از ایران با تجلیل سخن میگفت، با مقامات دولتی، بانمایندگان پارلمان فرانسه، باشخصیت‌های بزرگ مطبوعاتی و فرانسویها باهوشیاری تمام این واقعیت رادرك کرده‌اند که در منطقه خلیج فارس يك قدرت واقعی وجود دارد و آن قدرت ایران است»

۶۱

م سألہ خلیج فارس در خلال بحث‌های هفته گذشته مطبوعات هم چنان در صدر مسائل سیاسی قرار داشت، ندای ایران نوین ارگان

حزب اکثریت مقاله‌ای از عصر جدید شوروی ترجمه کرده بود که حدود تلفی روس‌ها را از مسائل حاشیه خلیج نشان میداد.

در عین حال آقای رابرتس وزیر مشاور انگلستان که در رأس هیئت نمایندگی آن کشور برای شرکت در کنفرانس حقوق بشر به تهران آمده است اظهار نظر کرده است که «اگر ایران بخواهد، با قدرت و تجربه‌ای که دارد می‌تواند بدون آنکه توصیه‌ای در کار باشد، از صلح و ثبات خلیج فارس تمام و کمال دفاع نماید».

در این گپ و دار خبر آمدن ناوگان شوروی به خلیج فارس در محافل غربی با عکس‌العمل نامساعدی مواجه شده است و روزنامه آیتدکان در این باره مینویسد: «حقیقت این است که در خلیج فارس خطر عبور این و آن ناوگان نیست که امنیت این منطقه را تهدید میکند، بلکه خطر پذیرفتن خارجی و دعوت خارجی بداخله است که باید تهدید آمیز شمرده شود. سلاح‌های هفت رنگی که امروز وسیله برادر کشی در یمن و عربستان جنوبی است قبل از ورود ناوگان شوروی به خلیج فارس در این سرزمین‌ها پخش شده. اگر سیاست مستقلی که ایران در خلیج فارس اعلام کرده از طرف همه دول بزرگ و همه دول اطراف خلیج پذیرفته شود دیگر عبور ناوگان خارجی هر چند نیرومند و عظیم هم باشد کسی را بوحشت نمی‌اندازد؛ فرمان در این مورد سیاست مستقل ملی ایران را بدین صورت توجیه میکند که «اگر قرار باشد خلیج فارس روی امن و آسایش به بیند باید پای نفوذ خارجی و غیر منطقه‌ای به خلیج فارس باز نشود و پاهائی که بر خلیج باز شده از این منطقه کوتاه گردد و این همان سرفصل سیاست خارجی ایران است که در پیرامون امنیت و ثبات خلیج فارس اعلام نموده است».

نمیدانند چگونه و از چه راهی با آن مبارزه کنند دست به پالان کوبی زده تلافی را بر سر لفظ خشک و خالی «شایمه» و بکار برندگان آن در آورده‌اند و فرمان محو و نابودی لغت آنرا از صفحات مطبوعات صادر کرده‌اند.

امیرانی بحث شایمه را دنبال کرده و می‌نویسد: «خبر و شایمه هر دو فرزند یک اجتماع و دست پرورده یک محیط و تسکین دهنده یک نوع نیاز مردم می‌باشند. «بهر حال خواندنیها عنوان صفحات «شایعات از لابلای روزنامه‌ها» را به «از لابلای روزنامه‌ها» تبدیل کرده و این تبدیل را خود این‌طور توجیه نموده است که «تاهفته گذشته زیر عنوان شایعات طلا و نقره بکار می‌بردیم و عمدتاً میکفتم مس و مفرغ است و از این پس بایست مس و مفرغ بکار ببریم و مصنوعاً نامش را طلا و نقره بگذاریم» و هفته نامه دنیا که قبلاً ستونی بنام «میگویند» داشت کلمه میگویند را برداشته و بجای آن «...» قرار داده ولی مطالب همان است که پیشتر بوده است و اغلب هم در صفحات شایعات خواندنیها نقل می‌شد و حالا هم لابد در صفحات «از لابلای روزنامه‌ها» خواندنیها می‌آید. مثل اینکه اگر اسمش را نیاورند دستگاه با خودش به صورت که باشد کنار می‌آید!.



و بالاخره آخرین مطلب این است که هنوز بین برخی از مطبوعات کلنجار و بگو مگو از بین نرفته است. این کار را کی شروع کرده و کی دنبال می‌کند، مورد نظر نیست. آنچه که توجه بان کمال ضرورت را دارد این است که این کار بهر صورت به تقویت مطبوعات کمکی نمی‌کند بلکه آنرا آشکارا متزلزل و ضعیف می‌سازد و از این ضعف همه صدمه می‌بینند حتی آنها که خیال می‌کنند یا کوچک کردن دیگران خود را بزرگ می‌نمایند این امر تا حال بدفتمات تجربه شده است ولی بدبختانه اسباب عبرت همکاران ما نشده است و باز هم بر سر شاخ می‌نشینند و «بن» می‌برند. انشاء اله خداوند هدایتشان فرماید.

ایرج نبوی



این صفحه می‌خواهد بتدریج سیری منطقی و اصولی در کار و بار و حرفه‌ها و پیشه‌ها باشد.

در حال حاضر توجه بکار آزاد و فعالیت‌های تجاری مستقل بیش از سابق شده و خواستاران حرفه و پیشه به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته‌اند... باید اینک همه‌ی این فعالیت‌ها سالم و خالی از هرگونه انحراف قرین توفیق و کامیابی باشد این سیر هفتگی را آغاز می‌کنیم...

تاسیس شرکت‌های مهندسی، شرکت‌های ساختمانی و راهسازی و شرکت‌های دامپروری و مرغداری از جمله فعالیت‌هایی است که این روزها مورد توجه صاحبان حرفه و پیشه‌ها قرار گرفته است.

توجه بر نامه‌های چهارم باین رشته‌های مختلف باعث شده است تا کار تاسیس این قبیل شرکت‌ها با اصطلاح رواج پیدا کند... نکته مهم این است که این شرکت‌ها تنها با اعلام تاسیس، کارشان پایان نمی‌یابد و شرکت‌های ساختمانی و راهسازی باید پس از تاسیس در سازمان برنامه دنبال کار درجه بندی خود بروند و در واقع پس از اخذ درجه بندی است که رسمیت کار آنان اعلام می‌شود. در حال حاضر تعداد زیادی اسامی و آگهی تشکیل شرکت ساختمانی و راهسازی در دفتر فنی سازمان برنامه بر رویهم انباشته شده است که نتوانسته‌اند درجه‌بندی در درجه بندی کسب کنند.

شرکت‌های ساختمانی

* شرکت جرس را آقایان سید محمد نیک‌نژاد - سید جواد در بندی و مهندس فردریک کالستیان بمنظور ساختمان و راهسازی با سرمایه یک میلیون و دویست هزار ریال تشکیل داده‌اند.

* آقایان مهندس ایرج همایون پور - مهندس عبدالصمد خیر خواه، مهندس محمود پاینده و قائم مقامی با سرمایه شش میلیون ریال شرکت ساختمانی و راهسازی دیگری تشکیل داده‌اند بنام ماربل.

* آقایان ایلخانی رجیبی و محمود نعمتی و ابوالقاسم نعمتی با سرمایه یک میلیون ریال شرکت میدان را تشکیل داده‌اند بهمان منظور...

* شرکت ساختمانی نوآر با با سرمایه دو میلیون و نیم ریال تشکیل شده است و مؤسسين تماماً اهل يك خانواده بنظر ميرسد. آقای اسفندیار اعتضادی و بانورقيه اعتضادی، و دوشیزگان طناز اعتضادی، ملیحه اعتضادی و منیژه اعتضادی.

* آقایان ابراهیم اقلیموس و مهندس داود آرزومی و مهندس سیدعباس کمالزاده نیز شرکت ساختمانی فورمن را با سرمایه يك میلیون و ششصد هزار ریال تشکیل داده اند.

* آقای غلامعلی پرویزی که قبلاً يك میلیون و سیصد و پنجاه هزار ریال در شرکت ساختمانی دینار سهم داشته اند، این سهام را بین چند پرویزی، دیگر تقسیم کرده و صاحبان سهام این شرکت در حال حاضر بصورت زیر درآمده اند:

آقای همایون پرویزی مبلغ چهارصد و پنجاه هزار ریال آقای غلامعلی پرویزی بولالت آقای بهمن پرویزی مبلغ چهارصد و پنجاه هزار ریال آقای غلامعلی پرویزی بولالت آقای بهرام پرویزی مبلغ چهارصد و پنجاه هزار ریال مدیر جدید شرکت نیز آقای همایون پرویزی است که همراه با آقای غلامعلی پرویزی حق امضا دارد ...

خانه سازی منافزاده

* فعالیت ساختمانی تازه ای در کنار تهران در دست اقدام است، ظاهراً اکرام منافزاده معروف این فعالیت را آغاز کرده و میخواهد شهر تازه ای در کنار تهران بسازد بنام شهران ... در این کار منافزاده با يك شرکت آمریکائی سهم است و چندی پیش اولین آگهی مربوط به خانه های آنرا منتشر ساخت اما مصادف با يك جنجال مطبوعاتی بر سر سابقه منافزاده شد، بدین خاطر منافزاده بسراغ برونده اش در دادگستری رفت و توانست رای قبلی دادگاه را که دایر به محکومیت او بود در دیوان کشور نقض کند، خیر این نقض رای دادگاه بدوی را بصورت آگهی در قالب «تبرئه کامل خود» بچرايد اطلاعات و کیهان داد تا شاید آب رفته را بجوی باز آورد، اما همان آگهی دوسه خطی باعث شده تا سه خنکوی وزارت دادگستری شرح مفصل تری بچرايد عصر بفرستد که «نقض رای از طرف دیوان کشور بهیچوجه بمنزله تبرئه نیست و پرونده مذکور مفتوح بوده و بار دیگر باید مورد رسیدگی قرار گیرد»

ظاهراً منافزاده تا کار پرونده دادگستری اش تمام نشود نمیخواهد اعلان وسر و صد ابر روی کارهای ساختمانی اش را از سر بگیرد!

دامپروزی و دامداری

* از رشته کارهای دیگر که طالبان زیادی دارد کار دامپروزی و دامداری است، شرکت های

تازه در این رشته عبارتند از:

شرکت تعاونی پرورش و توزیع دام و فرآورده های دامی جنگلک با سرمایه پانصد هزار ریال ... مدیران این شرکت عبارتند از آقایان فتح اله معتمدی - مهندس کمال الدین دری - عبدالعزیز قطب - مهندس حسین دفتریان - ابوالقاسم هوشنگ اربابی - تیمسار سر لشکر حسین علوی - مهندس اسمعیل سمعی - ناصر امیر مکرری ...

نام های آشنای این شرکت آقایان فتح اله معتمدی معاون وزارت کار - مهندس دری معاون وزارت راه - اربابی معاون وزارت راه و رئیس هواپیمائی کشوری - مهندس سمعی معاون وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی و آقای مهندس دفتریان مدیر عامل شرکت سیمان آذربایجان هستند. لازم بتوضیح است که داشتن مقام و شغل اداری مخالف فعالیت و کارهای آزاد نیست منتها از معاملات دولتی محروم هستند و منع قانونی دارد، یعنی شرکت آقایان نمی تواند با دولت طرف معامله باشد ...

* شرکت دیگری در این زمینه شرکت هر میکس است که يك شرکت مختلط تهیه دانه برای دام و طیور است هر میکس با شرکت سهامی مرغداری ایران و آلمان شریک است و شرکای دیگر آن آقایان دکتر حبیب دادفر رضا دادفر - حسین شکیبا - دکتر رسول شکیبا - مهندس موسی شکیبا - محمد رضا شکیبا و بانورنه دادفر و دوشیزگان سهیلا و زاله دادفر هستند که در حقیقت اعضای دو خانواده دادفر و شکیبا می باشند.

* طعم نام يك شرکت دامپروری و مرغداری دیگر است با سرمایه ۴ میلیون ریال و متعلق با آقایان سلیمان سفیعان - جلیل دینهایان - آذربالا شیدری و نامدار شیدری

شرکت های دیگر

* در شرکت سهامی کشتی رانی آریا، اخیراً تغییراتی روی داده و هیئت عامل جدید آن آقایان محمود رئیس - حبیب اخوان و دکتر فریدون مهدوی هستند. نام این شرکت نیز مختصر تغییری پیدا کرد و از شرکت سهامی کشتی رانی آریا به شرکت سهامی خطوط کشتی رانی ملی آریا تبدیل شد، این تغییر نام بخاطر تطابق کامل با نام انگلیسی آن صورت گرفته است.

کودکستان و دبستان

* تأسیس شرکت های فرهنگی نیز کماکان مورد توجه است و توفیق یکی دو گروه فرهنگی نظیر گروه فرهنگی هدف و گروه فرهنگی خوارزمی جماعت دبیران و فرهنگیان را به این فکر واداشته است. از جمله شرکت های جدید تأسیس برای امور فرهنگی، شرکت سهامی گروه فرهنگی بصیرت است با سرمایه بیست و هفت هزار ریال بمنظور ایجاد کودکستانها، دبستانها و

دبیرستانهای روزانه و شبانه، مدارس و آموزشگاههای عالی و فنی حرفه ای دانشکده های ملی و مؤسسات تربیتی و اخلاقی و علمی ... مؤسسين این شرکت آقایان هادی مکی - عبد محمد ایرانی نژاد - نصر الله لشکری - جعفر رباطیان - داود رازمندای و بانوان ناهید اسلامی - منظر شاریه - شکوه لولو آور و ایراندخت خرسندی هستند.

نکته جالب این است که سرمایه بیست و هفت هزار ریال قید شده در آگهی تأسیس یا دو بیست و هفتاد هزار ریال و حتی با سه صفر بیشتر یعنی دو میلیون و هفتصد هزار ریال نیز حتی کفاف يك کودکستان را نخواهد داد تا چه رسد به موضوع و منظور شرکت که ایجاد کودکستانها - دبیرستانهای روزانه و شبانه و حتی دانشکده هاست!

دانشکده سازی

* از جمله کارهای پر استفاده که در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است تأسیس دانشکده های ملی و خصوصی است که تاکنون وزارت آموزش و پرورش به پنج نفر اجازه تأسیس پنج دانشکده داده است اما تعداد تقاضاهای موجود در شورای عالی آموزش و پرورش که لابد حالا باید بوزارت علوم و آموزش عالی تسلیم شود بیش از سی تا چهل تقاضا نامه است و گویا در حال حاضر نظر این است که دیگر اجازه دانشکده خصوصی و ملی صادر نشود تا بعد ...

سرمایه های کم

* البته از سرمایه گذاری مندرج در آگهی تأسیس گروه فرهنگی بصیرت نباید تعجب کرد زیرا اغلب سرمایه هادر رشته هائی که حدود سرمایه گذاری معلوم نیست بخاطر فرار از مالیات و خرج کمتر ثبت آگهی بمیزان قلیلی تعیین میشود مثلاً دقت کنید بدو شرکت زیر شرکت سهامی انگلیش کیلپتریک (ایران) لیمیتد که موضوع آن مبادرت بکارهای برق و میکانیك و هیدرولیک و مهندسی عمومی بر اساس پیمانکاری است فقط با يك صد لیره استرلینك یعنی معادل هزار و هشتصد تومان سرمایه اولیه ثبت شده است، البته مقرر اصلی شرکت انگلستان است اما کارهایی که این شرکت انگلیسی در ایران انجام میدهد اگر بر اساس همین سرمایه نباشد پرداخت مالیاتش بر اساس آن است!

* یا شرکت دیگری بنام شرکت نشریات ایران و انگلیس با مسئولیت محدود برای فروش و نشر کتاب بزبان خارجی بر مبنای حق العمل کاری و هرگونه معاملات بازرگانی مجاز تشکیل شده است که فقط ده هزار تومان سرمایه دارد.

مدیران این شرکت مطبوعاتی آقایان سورن ملیکیان و آن دنگان بروس هستند. □



صدر اعظم دلفوس با يك مترو پنجاه و يك سا نيم متر قد، كى از رجال وطن پرست اطريش بود كه بهيج قيمتى حاضر نبود از استقلال كشورش صرف نظر كنند بهمين جهت آلمانها، وسيله يكي از ابادى خود او را كشتند. و در روى تصاوير بزرگ او، آنگهي هاى خود را چپانده اند كه در آن نوشته شده بود، هيتلر آخرين پناهگاه ماست.

«انشلوس» يا اسرار الحاق اطريش به آلمان



«امسال درست سی سال از حان نه مهم تاریخی کشور اطریش یعنی الحاق آن کشور به آلمان هیتلری میگردد. درسی سال پیش اطریش بدون خونی نریزی در بست در اختیار آلمان قرار گرفت و منضم بدان کشور گردید و این یکی از بزرگترین پیروزیهای اولیه هیتلر بود که بی آنکه حتی يك گلوله توپ یا يك تیر تفنگ شلیک گردد و کشوری باش میلیون و نیم جمعیت و تمام منابع اقتصادیش تحت سیطره آلمان نازی در آمد. این درام در سه پرده بازی شد: پرده اول در برجگادن بود که پشوی آلمان صدر اعظم اطریش «شوشنیک» را احضار و قرارداد استگین خود را بر او تحمیل نمود. پرده دوم در طریش انجام شده که صدر اعظم آن کشور این قرارداد را با مت در میان گذاشت و بالاخره پرده سوم استعفای صدر اعظم اطریش بود که با دخالت قوای ارتش بموجب میل و دستور هیتلر صورت گرفت. از همین لحظه، بود که اطریش از روی نقشه جهان محو گردید.»

تا بحال کمتر کتابی در باره این حادثه مهم تاریخی برشته تحریر آمده و بسیاری از گوشه های آن هنوز تا يك مانده است. اخبرا یکی از مورخین معاصرین از دسترسی به اسناد و مدارك وزارت خارجه اطریش در این زمینه کتابی منتشر نمود که بسیاری از اسرار این حادثه را فاش می سازد و نکات تاریکی این واقعه را روشن می کند. اینک بنقل قسمتهای جالب این کتاب میپردازیم...»

«ترجمه: رضا عقیلی»



«انشلوس» یا اسرار الحاق اطریش به آلمان

شده بودند، در زیر سلطه اقتدار خویش مجتمع خواهد ساخت. اولین مرحله، اتصال اطریش با آلمان یا «انشلوس» بود. و این همان الحاقی بود که پیمان ورسای علناً آن را منع کرده بود.

روز ۲۵ ژوئیه سال ۱۹۳۴ «دلفوس» که وجدان ملی مردم اطریش را بیدار کرده بود، بوسیله گروهی از افراد نازی که با ستاد حزب ناسیونال سوسیالیست آلمان همکاری نزدیک داشتند، بقتل رسید. قاتل شخصی بود بنام «اوتوبلانئا» و از همان هنگی بود که «دلفوس» در جنگ جهانی اول در آن خدمت میکرد. از آن بعد فشار آلمانها شدیدتر شد و بیشتر روی شوشنیگ صدراعظم تازه اطریش وارد میآمد.

«شوشنیگ» در سال ۱۹۳۸ مردی چهل ساله بود که قبلاً به شغل قضا اشتغال داشت و در یک خانواده قدیمی اطریش بدنیا آمده بود، آدمی بود تحصیل کرده، متشخص، باهوش ولی وجهه و نفوذی را که «دلفوس» با همان قد کوتاهش در میان مردم داشت، او فاقد بود. با اینکه دارای قدرت بیان و فصاحت بود ولی منلق حرفه‌یز دو مردم نسبت باو چندان حساسیتی نداشتند.

اکنون روز آزمایش فرا رسیده بود؛ آیا در این آزمایش سخت او می‌توانست روی ملتش حساب کند؛ ب مردم متکی باشد؛ او نمیتوانست فشاری را که همسایه نیرومندش نسبت باو اعمال میکرد، ندیده انگارد و کشتش و جاذبه‌اش را منکر گردد وقتی بماورای مرز کشورش نظر می‌افکند، هیچ سبب وعلتی برای خوشبینی نمیدید. فرانسه، بریتانیای کبیر و ایتالیا هر سه در کنفرانس «استرزا» در آوریل ۱۹۳۵ استقلال اطریش را تضمین کرده بودند ولی جنگ ایتالیا و حبشه که منجر باشغال حبشه از طرف ایتالیا گردید و بعد از آن جنگ اسپانی، ایتالیا را از متفقین سابقش دور کرد و به آلمان هیتلری نزدیک کرده بود. و اما فرانسه؛ انگلستان؛ دوسال پیش از آن تاریخ یعنی در مارس ۱۹۳۶ هیتلر منطقه «رنانی» را دوباره اشغال نظامی کرد. نه لندن و نه پاریس هیچ عکس العملی در مورد این اعمال قدرت بجز چند کلمه اعتراض زبانی از خود نشان ندادند. اطریشی‌ها با خود اندیشیدند که «دفعه آینده نوبت ما خواهد بود.»

همه وقایع با آرامی می‌گذشت تا سرانجام صدراعظم قدیم بکاخ صدارت عظمی نهاد. نگهبان کاخ از مشاهده صدراعظم که صبح باین زودی وارد کاخ شده بود، غرق تعجب شد. فوراً فرمان «خبردار» داد و ادای احترام نمود سپس صدر اعظم وارد اطاق کار هشت‌دوری خود شد. از همین اطاق بود که یکقرن پیش، «مترنیخ» صدر اعظم لایق و مدبر اطریش، او امرش را برای قلمرو وسیع امپراطوری هابسبورگ‌ها صادر میکرد و برسیاست اروپا تسلط یافته بود. «شوشنیگ» در زیر تصویر امپراطریس «ماری تریز» او امری برای حفظ ادارات وابسته دولتی و مراکز حساس کشور صادر نمود و دستور داد نگهبانی این نقاط تقویت شود. عنقریب منشی وفادارش د کتر «کریش» سر میرسید و مثل هر روز زره‌های پولادین پشت پنجره‌های اطاق را که برای حمایت صدر اعظم از سوء قصد احتمالی تعبیه شده بود، میانداخت و بدینوسیله پنجره‌ها را زره‌پوش میکرد.

قدرت صدراعظم، از ملت جوانی که او مسئولیت رهبری آنها را به عهده گرفته بود، سست تر و شکننده تر بود. اطریش جوان هنوز به بیست سالگی نرسیده بود و بر روی ذرات و بقایای امپراطوری وسیع هابسبورگ‌ها که سر نوشت خویش را به سر نوشت آلمان بسته بود و در شکست سال ۱۹۱۸ آن کشور، نیز سهمی گردید، بنا شده بود. در سپتامبر ۱۹۱۹ پیمان «سن ژرمن آن لی» اطریش مستقلی بوجود آورد که وسعت خاکش از اطریش زمان هابسبورگ بسیار کوچکتر بود و فقط شش میلیون و نیم جمعیت داشت.

جمهوری جوان اطریش، مرحله سختی را می‌گذرانید؛ بحران اقتصادی، بیگاری، مبارزات سیاسی بین حزب مسیحی و سوسیالیست‌ها، شورش کارگران و بسیاری مشکلات دیگر در سر راه جمهوری جدیدالولاده قرار گرفته بود. با اینکه صدر اعظم‌های اطریش یکی پس از دیگری می‌کوشیدند، تا رژیم جدید را مستحکم کنند، ناگهان کشور همسایه آنها آلمان، تمام این زحمات را بباد داد؛ زیرا روز سی‌ام ژانویه ۱۹۳۳ شخصی بنام آدلف هیتلر رئیس و رهبر حزب ناسیونال سوسیالیست، از پلکان صدارت عظمی آن کشور بالا میرفت تا مقام صدارت‌داریش را اشغال کند. از همان ابتدا، نیات و مقاصد هیتلر روشن بود. معلوم بود که عاقبت روزی، اجتماعات آلمانی زبان را که قرن‌ها بود متفرق

روز یازدهم مارس ۱۹۳۸ ساعت پنج و نیم صبح، صدراعظم وقت اطریش بنام «گورت» ادوارد فن شوشنیگ «از صدای زنگ تلفن «بلودر» مقر صدارت عظمی واقع در «وین» پایتخت اطریش از خواب پرید. از مؤقبعیکه روابط این کشور با آلمان هیتلری بسیار وخیم و بمرحله حساس رسیده بود، تلفن صدارت عظمی، همواره دم دستش بود و با یک رشته سیم اختصاصی با رئیس پلیس اطریش در تماس دائم بود.

صدر اعظم صدای «اسکوبل» رئیس سازمان امنیت را که کنترل تمام نیروها را به عهده داشت، شناخت. صدایش خشک و لرزان و مضطرب بود و میگفت.

«همین چند لحظه قبل، آلمانها، مرز را بستند، گمرکچی‌ها از کار کناره گرفته‌اند و قطار راه آهن متوقف شده و از مرز عبور نمیکند...»

این اعلام برای «شوشنیگ» بمنزله تهدید و زنگ خطری بود که بصدادر آمده بود. این بار میبایستی با هیتلر زور آزمائی کند و پنجه در پنجه او در افکند.

بحرانی وحشت آور بود که «شوشنیگ» سعی میکرد بهر قیمتی شده، خود را از آن کنار بکشد. از تخت خواب بزیبر آمد و فوراً راننده‌اش را از خواب بیدار کرد و باو دستور داد؛ «فورا بطرف کاخ صدارت عظمی حرکت کن. ولی قبلاً جلوی کلیسای «سن اتین» نگاهدار.»

صدراعظم مقابل سر درجاری شده که عبارت «در ورودی کشیشان» بر آن کنده شده بود، از اتومبیل پیاده شد و قدم بداخل کلیسا نهاد. در تاریکی محوطه داخل کلیسا که شمعهای مومی میسوخت، مجسمه‌ها و محراب روشن بود. مدتها بعد «شوشنیگ» آتسفر ما فوق الطبیعه آن روز را در آن ساختمان عظیم سبک گوتیک در آن لحظات تاریخی که سر نوشت قطعی استقلال اطریش تعیین میشد، بیاد آورد. در محراب اصلی و در مقابل کناری دهها کشیش زیر لب مشغول ادای نماز «مس» صبحگاهی بودند، فقط گاه بگاه در این فاصله صدای ناقوس طنین انداز میشد و سکوتی را که بر آن محیط مذهبی سایه افکنده بود، قطع میکرد. مدت چند لحظه «شوشنیگ» کاتولیک مقابل مجسمه حضرت مریم زانو بزمین زد.



«انشلوس» یا اسرار الحاق اطریش به آلمان

آنشب یازدهم فوریه در «وین» جشن کارناوال بود برلن و وین صلاح دیده بودند که ملاقات و مذاکرات برچسگادن بهیچوجه افساء نکردد و کاملاً سری بماند.

«شوشنیک» برای فرار از کنجکوی مردم روزنامه نگاران با لباس اسپورت همراه وزیر خارجه اش «گیدوشمیدت» محرمانه بمقصد «سالزبورگ» سوار قطار سریع السیر شدواز «سالزبورگ» با اتومبیل به سوی آلمان حرکت کرد.

در گمرک مرزی آلمان، فن پاپن سفیر کبیر آلمان در اطریش باستقبال «شوشنیک» رفت و باو گفت.

طبق قرار قبلی، پیشوا منتظر شماست و من تصور میکنم اگر سه تن از ژنرالهای آلمانی در مذاکرات حضور داشته باشند، بی تناسب نباشد و مسلماً شما مخالفتی نخواهید کرد.

«شوشنیک» سخت دچار حیرت شد؛ شرکت ژنرالها در مذاکراتی درباره روابط آینده دو کشور چه تناسبی دارد؛ از اینجا بود که «شوشنیک» احساس کرد بوی خوشی از این ملاقات نماید و حضور آنها در مذاکرات دو صدراعظم، نشانه شومی است. وانگهی چنین قراری در میان نبود و اصلاح حضور آنها پیش بینی نشده بود لذا در جواب از فن پاپن پرسید:

— کدام ژنرالها؟

— رئیس جدید ستاد کل ارتش، ژنرال «کایتل» و نیز رئیس فرمانده کل نیروی موتوریزه منطقه «درسد» ژنرال «فن رایشنو» و بالاخره ژنرال نیروی هوائی «اسپری» در این جلسه حضور دارند.

صدراعظم اطریش، اعتراض را بیفایده دید. او اشتغالات ذهنی و افکار مهمتری در سرداشت. آنروز صبح جاده ها یخ بسته بود اتومبیل بتانی پیش میرفت. بطوریکه شوشنیک در کتاب «خاطرات» خود نوشته است، آنروز یکی از صبحهای «غم انگیز» مرطوب و سرد و زمان آستان حوادث بود.

هیتلر همراه وزیر خارجه اش «فن ریبین تروپ» و ژنرالها در ایوان قصرش در برچسگادن انتظار «شوشنیک» را میکشید. اولیاس متحدالشکل افراد «اس-اس» را پوشیده بود، علامت صلیب شکسته ای به آستین لباس قلاب دوزی شده بود. با محبت و مهر بانی از صدراعظم اطریش استقبال کرد و در حالیکه هیئت مستقبلین بدنیاال مهمان تازه وارد روان بودند، او را با خود بدفتر کارش در طبقه اول عمارت

سلطنت طلبان را تحت لوای واحدی جمع کرده و نوعی وحدت ملی بنام «جبهه میهن پرستان» تشکیل داده بود سیوسیالیست ها که حزب مهمی داشتند و در آنموقع حزیشان منحل شده بود و همچنین نازی ها که غیر قانونی اعلام شده بودند و اساساً مسلک نازیسم را دولت اطریش ممنوع ساخته بود با این جبهه سخت مخالف بودند. «ارتورسیس انکار» و کیل دعاوی مامور رابط با برلن بود. او در حزب نازی عضویت نداشت بلکه یکی از میانه روها و اعتدالیون مانده «گلزهورستنو» بود ولی مانند او نوعی طرفدار نازیسم بود که برای نازی ها بسیار مفید می نمود بخصوص که او مثل صدراعظم شوشنیک و پریزدنت «میکلاس» رئیس جمهور اطریش، مذهب کاتولیک داشت، صدراعظم و رئیس جمهور تا آخرین لحظه نسبت باین مرد مرهوز و ذوجنبتین که در «دو دوزه بازی کردن» ید طولائی داشت، اعتماد داشتند.

بالاخره در فوریه ۱۹۳۸ هیتلر از شوشنیک بمقر بیلابی خود برچسگادن دعوت نمود تا با او درباره روابط اطریش و آلمان مذاکره کند.

«فرانز فن پاپن» که در آنموقع سفیر کبیر آلمان در اطریش بود از طرف پیشوا قول داده بود که پیشوا تضمین میکند که از این ملاقات هیچ نظرسوئی نداشته و هدفش از این مذاکره ملاقات «خواسته های سیاسی تازه ای» نخواهد بود. اما مقصود پیشوا را از این ملاقات صریحاً بیان نکرد و نیت وی بر صدراعظم اطریش «جهول بود».

صدراعظم اطریش انتظار داشت خواسته های جدید هنگام ملاقات در آشیانه عقاب هیتلر بالای برچسگادن، باو عنوان گردد. وقتی از او به برچسگادن دعوت شد، علنا پیدا بود که برای رفتن به این سفر مردد است. لیکن جرئت رد کردن این دعوت را نداشت. افکار عمومی دنیا هنوز پی به نیت واقعی هیتلر نبرده بود و این خطر را داشت که جهانیان علت رد کردن او را درک نکنند و چه بسا که بعداً مورد انتقاد واقع شود و بر این عمل او خرده بگیرند و آنرا جزء خطبهای سیاسی او بشمار آورند. خلاصه آنکه مترسید عدم قبولی او برای کشورش گران تمام شود. وانگهی او هنوز امیدهایش را از دست نداده بود و کاملاً مایوس نشده بود بلکه امیدوار بود که با همسایه وحشتناکش سرانجام به یک همزیستی مشترک برسد.

شوشنیک احساس می کرد که تا چند ساعت دیگر مقررات اطریش دگرگون خواهد شد. در دفتر کارش سی روز مصیبت باری را که سپری شده بود، بخاطر آورد. مدت سی روز را در گفتگو، چانه زدن های سیاسی، مبارزه، شکست، جهش گذرانده بود کمتر رئیس دولتی چنین روزهایی بخود دیده بود.

یکماه جلوتر یعنی در ۱۲ فوریه ۱۹۳۸ ملاقاتی در برچسگادن بوقوع پیوست که مرحله قطعی بسوی «انشلوس» بود. ولی این ملاقات مسبوق به قرار و مدارها و مذاکرات بود که برای استقلال اطریش بسیار خطرناک بود.

اوائل بهار سال ۱۹۳۶ شوشنیک تصور می کرد ملاقات و مذاکره با آلمان متضمن فوایدی برای کشورش خواهد بود. بعد از شکستی که در «جبهه مثلث استرزا» افتاد که این جبهه برای اطریش، متضمن تضمین سه گانه انگلستان و فرانسه و ایتالیا بود، شوشنیک معتقد شد که تنها یک راه حل برای او باقی مانده است. آلمان طبق موافقتنامه ۱۱ ژوئیه ۱۹۳۶ متعهد شده بود که در امور داخلی اطریش دخالت نکند. در عوض، هیتلر در کابینه دولت شوشنیک، یک پان ژر مان نیست متعصب بنام «گلزهورستنو» را که به آلمان بزرگ معتقد بود، داخل کرده بود هر چند که این شخص رسماً وزیر بدون وزارتخانه بود ولی یکی از بهترین مامورین رابط با آلمان هیتلری بود. او در جنگ جهانی اول افسر رابط ارتش اطریش نزد ارتش آلمان بود. او علناً نازی نبود و فقط او را به چشم یک فرد «معتدل و میانه» روی هواخواه آلمان مینگریستند.

حکومت رایش فشارش را روی اطریش تشدید نمود و در بهار سال ۱۹۳۷ بیش از پیش بر آن افزود. شوشنیک در اینموقع حاضر شد چندتن از پان ژرمانیست ها را در کمیته مرکزی جبهه میهن پرستان بپذیرد و حال آنکه تا آنموقع شدیداً در برابر این امر که یکی از خواسته های آلمانها بود، مقاومت میکرد. در آنموقع جبهه میهن پرستان بعد از اینکه در سال ۱۹۳۴ یک دولت ائتلافی مسیحی روی کار آورد، یگانه سازمانی سیاسی قانونی اطریش بشمار می آمد این جبهه بوسیله «دلفوس» بنیان گذاری شده و اکثریت سوسیالیستهای مسیحی و جمعیت طرفداران تقسیم اراضی و



«انشلوس» یا اسرار الحاق اطریش به آلمان

دکتر «فیشبوک» که او نیز یکی از پان زرهانیست‌های متعصب بود و در محافل رهبری رایش سوم داخل شده طرف اعتماد آلمانها بود، همچنین «آرتور سیس انکار» که شرح حالش قبلاً گذشت و از طرفداران نازیها بود، میبایستی بعنوان وزیر داخل کابینه اتریش شوند. هیتلر میخواست که اولی وزارت دارائی و دومی وزارت کشور را عهده دار گردند. بدین طریق دو پست مهم کابینه اطریش که شاه کلید پستهای کابینه بود، بوسیله دو تن از واسطه‌ها و هواداران هیتلر، در کنترل آلمانها در می‌آمد.

پیشنهاد دوم پیشوا چنین بود: «تمام افراناسیونال سوسیالیست اطریش که بعلمت فعالیت‌های سیاسی در حال حاضر در زندان بسر می‌برند پس از امضای این موافقتنامه که، حداکثر تا سه روز بعد اجرا خواهد شد آزاد شوند. کارمندان دولت و افسرانی که بهمین دلیل مشمول مجازاتهای انضباطی شده‌اند، دوباره بر سر کار برمی گردند و جبران خسارات گذشته ایشان خواهد شد.

پیشنهاد سوم: «صد تن از افسران رایش بلافاصله پس از امضای این موافقتنامه داخل ارتش اطریش شده و بهمین تعداد افسران اطریشی داخل ارتش آلمان خواهند شد.»

پیشنهاد چهارم: «هر گونه فعالیت حزبی برای تعمیم مرام ناسیونال سوسیالیسم که تا بحال در سراسر اطریش ممنوع بود آزاد گردد و هیچ مقامی از تشکیل باشگاهها و اجتماعات حزب ناسیونال سوسیالیست جلوگیری بعمل نیآورد.»

پیشنهاد پنجم: حکومت رایش، استقلال و تمامیت ارضی اطریش را محترم شمرده و از هر گونه دخالت در امور داخلی آن کشور خودداری خواهد نمود.

«شوشنیک» پس از خواندن این پیشنهادات، «هول وهراس» خود را در برابر عظمت این خواسته‌ها به «رپین تروپ» اظهار نمود و گفت: «بایک نظر به سطور اولیه این پیشنهاد میتوان استنباط کرد که دیگر استقلال دولت اطریش مفهوم و معنائی ندارد. با این پیشنهادات، علناً استقلال کشور ما نقض میشود اگر این پیشنهادات به «دخالت در امور داخلی» کشور ما تعبیر نشود، پس بچه چیز میتوان تعبیر کرد؟ «شوشنیک» همانند از هیتلر وقت ملاقات

بدانید که اشتباه میکنید امروز دیگر برای فرانسه خیلی دیر شده است که بمقابله با آلمان بپردازد!

«شوشنیک» از لحن کلام و موضوع سخنان پیشوا غرق حیرت گردید و از شدت و تندید بیان او گوئی ضربه ای کوبنده بر مغزش وارد آمده بود. ناهنجاری صحنه برای صدراعظم میهن پرست، تکان دهنده بود. از سخنان هیتلر چنین استنباط کرد که پیشوای نازی او را برای مذاکرات سیاسی درباره عقد موافقتنامه و قرارداد بین دو کشور به برجسکادن نخواستند بلکه هدفش تحمیل خواسته‌های خویش است.

بعد از ناهار هیتلر مدتی مدعوین را در انتظار نگاهداشت. عاقبت پس از انتظار طولانی «شوشنیک» و وزیر خارجه اش به یکی از سالنهای قصر راهنمایی شدند. دکتر «دیتریخ» رئیس سرویس مطبوعاتی رایش سوم سعی کرد مذاکرات را سرو صورتی دهد، سیاستمداران اطریشی در این سالن نمیتوانستند سیکار بکشند زیرا سیکار کشیدن در حضور پیشوا ممنوع بود او نمیتوانست دود سیکار را تحمل کند. لذا پس از چند ساعت اکنون هر کدام سیکاری روشن کردند. از این بعد هیتلر نامرئی گردید و در انتظار مهمانان ظاهر نشد.

در عوض، زنرالهایش هر چند لحظه یکبار مرتباً خود را به مهمانان نشان میدادند. سپس برای مذاکرات محرمانه و اخذ دستورات سری داخل اطاق کار پیشوا میشدند.

«شوشنیک» ساعت بساعت نگرانتر میشد و در این فکر بود که آیا ارتش آلمان هم اکنون که او در برجسکادن بسر میبرد، از مرز اطریش گذشته و داخل آن کشور شده است؟ اوضاع بقدری تاریک بود که اگر همانند او و دکتر «شمیدت» وزیر خارجه اش را فی المجلس باز داشت میکردند، تعجب نمیکرد و انتظار چنین واقعه‌ای را داشت! محیط حیرت آوری برای ملاقات بین دو رئیس کشور بود!

بالاخره در حوالی عصر، فنرپین تروپ و فنرپاین در حالیکه پیشنهادات هیتلر را در دست داشتند، داخل اطاق شدند و پیشنهادات راه «شوشنیک» تسلیم نمودند. طبق این پیشنهاد که در حقیقت در حکم «امریه» بود چنین نوشته شده بود:

برد سیاستمدار اطریشی با مهربانی ولیخند برای اینکه تعارفی کرده باشد درباره منظره با شکوه خلیج از سمت سالزبورگ و کوهستانها پرا بهت آلپ جملاتی سرهم نمود ولی فوراً میزبانش نوک او را چید و گفت:

«ما در اینجا جمع شده ایم که از منظره و گرمی و سردی هوا صحبت کنیم! و بعد پیشوا بلافاصله وارد اصل موضوع شد و گفتگوی یکطرفه را آغاز کرد. لحن کلامش تند و صریحاً تهدید آمیز بود عقیده و نیات مخاطبش را با تحقیر و تنفر تخطئه میکرد و دلائل او را واهی میدانست.

هیتلر رئیس دولت اطریش را متهم کرد که در کار وحدت آلمان اخلاص نموده و نازیهای اطریش را تحت فشار و شکنجه قرار داده و آنانرا آزار بدنی میدهد. از همه گذشته از ترس آلمان و من باب احتیاط، نیروی نظامی خود را در مرز آلمان بحالت حمله و آماده باش در آورده است. پیشوا خود را «فرستاده‌ای از جانب خداوند» میدانست که برای «انجام ماموریت بزرگ تاریخی» بها خاسته و هرگز حاضر نیست اطریش به «تحریکات و فتنه آمیزی و آشوبگری» خود آنهم در مجاورت و زیر گوش آلمان، ادامه دهد و افزود:

«کافی است بانگ اشاره من، سربازان آلمانی وارد خاک اطریش شده و در ظرف نیمساعت، وین را اشغال کنند. در این صورت کدام کشوری از اطریش جانبداری و حمایت خواهد کرد؟ انگلستان؟ ایتالیا؟ فرانسه؟ هیچیک از این دول حاضر نیستند بخاطر اطریش. قطره‌ای خون از بینی سربازانشان جاری گردد.»

هنوز از ماجرای «رنانی» بیش از سه سال نگذشته است. ما در آن موقع با یکمشت افراد سواره نظام وارد «رنانی» شدیم و قمار زرگی بود که من بازی کردم. قمار مخاطره آمیزی بود که امکان داشت بازنده شوم. بعهدا آب از آب تکان نخورد و اگر نرانسه در آن موقع یکقدم برداشته بود، ما مجبور بودیم تسلیم شویم و از «رنانی» چشم پوشیم. اما فرانسه در جائیکه آن موقع با آن نیروی ضعیف ما بخاطر «رنانی» بمقابله پرداخت، تصور میکنید که امروز در برابرین نیروی عظیم بخاطر اطریش که مطلقاً فعی در آنجا ندارد بمقابله خواهد پرداخت؟ گر چنین تصویری بدل راه داده‌اید، یقین



«انشلوس» یا اسرار الحاق اتریش به آلمان

— من الساعه از ملاقات موجودی که بدنای دیگری تعلق دارد، باز میگردم ... ایکاش بجای مواجهه با رئیس ملت آلمان با یک سرخ پوست دوبروشده بودم. یقین دارم رفتار سرخ پوستها بهتر از رفتار او بود ... تاریخ بیاد ندارد که رئیس دولتی با رئیس دولت دیگر اینچنین رفتار خوشونت آمیز و عاری از ادب سیاسی داشته باشد ... کوهی از نخوت و غرور بود. هیچکس با خدمتکارش اینطور برداشت نمیکند ...

«شوشنیک» چهل و هشت ساعت بعد از بازگشت از «آشیانه عقاب» در کاخ امپراطوری «هوبسبورگ» مهمانی بزرگ بشام داد. بعد از شام «گابریل پوئو» سفیر کبیر فرانسه در «وین» را بکناری کشید و محرمانه با او گفت:

— «... تا بحال بارها از جنون هیتلر مطالبی شنیده بودم ولی باور نمیکردم تا پریروز که بملاقاتش رفتم ... براستی اینمرد دیوانه است و خود را خدا می پندارد. هرگز هیچ رئیس دولتی با رئیس دوست بیگانه چنین رفتاری را که اونست بمن کرد، نمیکند ...

خود را خدای روی زمین میدانند... رفتارش بقدری موهن بود که هماندم از رفتن خود پشیمان شدم ... در برابر ثروت دنیا حاضر نیستم یکبار دیگر با او مواجه گردم ... من وقتی بیش از حد معمول، منتشی خود را برای تقریر نامه ها نزد خود نگاه میدارم، با او اجازه سیکار کشیدن میدهم ولی بیش از دو ساعت که در حضورش بودم با وجود مذاکرات ناراحت کننده و سخنان زهر آلودی که از دهانش خارج میشد و اعصاب آدمی را تکان میداد، اجازه نداد سیکاری بکشیم زیرا قبل از وقت بما گفته بودند که او ازدود سیکار ناراحت میشود و نباید در حضورش سیکار کشید. در صورتیکه من یقین دارم، او برای اقناع غرور خود چنین دستوری داده و تظاهر به ناراحتی از دود سیکار میکند و الا دود سیکار در سالن بزرگ، که دستگاه تهویه مرتباً هوای اطاق را عوض میکند، بهیچوجه ناراحت کننده نیست ...

همینقدر باید بگویم که من بجای رئیس دولت آلمان، کوهی از غرور و نخوت در برابر خود دیدم ...

«شوشنیک» اجباراً شروع به اجرای موافقتنامه نمود. زندانیان سیاسی را که بجرم فعالیت های ناسیونال سوسیالیسم، محکوم شده بودند و در زندان بسر میبردند، آزاد نمود؛ باشکاهها و احزاب آنها دوباره افتتاح شد.

ملی کم و بیش آنها دنبال میکردند. «دلفوس» با یکمتر و پنجاه و یک سانتیمتر قد، یکی از رجال وطن پرست اتریش بود که بهیچ قیمتی حاضر نبود استقلال کشورش بمخاطره افتد.

نازیها که او را بزرگترین مانع درس راه خود میدیدند، بسرعت دست بکار شده و او را هدف قراردادند و بوسیله یکی از ایادی خود، او را بقتل رسانیدند.

طرفداران «انشلوس» که همه هواخواه آلمان نازی بودند، از الحاق اتریش به آلمان جداً جانبداری میکردند. آنها داری «آرم» مخصوص و شماری بودند که بدر و دیوار شهر می چسباندند. «آرم» آنها پروانه ای بود که این جمله در اطراف صلیب شکسته ای که بر آن نقش بود نوشته شده بود: «هیتلر آخرین هامن و پناهگاه ما است!»

لیکن موقعیکه اعلامیه صدر اعظم اتریش در روزنامه ها انتشار یافت، مردم پایتخت بخصوص میهن پرستان را بهت و حیرت آمیخته به تأثر فرا گرفت. در این اعلامیه نوشته شده بود:

«... دیگر جرو بحث درباره مسئله ای بنام «اتریش»، یکبار برای همیشه خاتمه پیدا کرد ... من بوضوح میدیدم که دیگر نباید چندان امیدی بزنگی زنده ماندن داشته باشیم ...»

آنشب «شوشنیک» با توافق وزیر خارجه اش پس از امضای موافقتنامه، یکسراه «وین» را در پیش گرفت و سپیده دم روز سیزدهم فوریه باترن اختصاصی به وین بازگشت. دوستان و همکارانش که در «وین» انتظارش را میکشیدند و در میان ایشان قیافه رهبر جبهه میهن پرستان «گیدوزر ناتو» بچشم میخورد، او را مردی شکست خورده و از یافتاده یافتند. از جناتش پیدا بود که غمی جانکاه بردلش سنگینی می کند. رنگ چهره اش مانند جلوار سفید شده بود. قدرت راه رفتن نداشت و پاهایش را روی زمین میکشید.

تا این لحظه هیچیک از اعضای کابینه بجز وزیر خارجه که در معیت او به «برچسگادن» رفته بود، از ماجرا و مضمون موافقتنامه اطلاع نداشت. وقتی صدر اعظم از قطاری پیاپیاده شد، یکسر بکاخ صدارت رفت و با دوستان و همکارانش به صرف صبحانه پرداخت.

سر میز صبحانه «زرناتو» رهبر جبهه میهن پرستان را در کنار خود نشانید و آهسته با او گفت:

خواست و مذاکرات دو بدو باره آغاز گردید. گفتگوهای محرمانه دنبال شد. صدر اعظم اتریش میکوشید که آلمان در خواسته های خود تغییراتی دهد و پیشنهادات مزبور را تعدیل کند. او یکایک آنها را رد کرد و برای هر کدام دلائلی ذکر میکرد، از جمله اظهار داشت:

— سه روز مهلت برای اجرای این موافقتنامه فرصت کوتاهی است؛ برای دولت من امکان ندارد در این مهلت ناچیز، بتواند کلیه موارد را اجرا کند. «هیتلر» بالحنی آمرانه که مفهومش این بود که دیگر حاضر نیست جوابی از او بشنود. در پاسخ صدر اعظم اتریش گفت:

— من تا سه روز دیگر منتظر اجرای این موافقتنامه هستم ...

شب فرارسید و خورشید پشت کوههای سربلک کشیده «آلب» پنهان گردید. تاریکی غم انگیزی بردشت و کوه حکمفرما شد، موقعیکه متن موافقتنامه بوسیله «برگوف» در عمارت ییلاقی برچسگادن، ماسین شد، هنوز بیش از ساعتی از شب نمیکشید، وقتی پیشوا «شوشنیک» را برای امضای آن بحضور طلبید با او گفت:

— آقای صدر اعظم فدرال، اکنون دیگر مسئله اتریش برای همه ما حل شده است.

«شوشنیک» بمصداق «از این ستون بآن ستون فرج است» با خود اندیشید که شاید گذشت زمان وضع مناسبی بوجود آورد و اوضاع بصورت دیگری که مفید بحال او و کشورش باشد، در آید. لذا خود دود کثر «شمیدت» وزیر خارجه اش، موافقتنامه را امضا کردند. در همین لحظه به صدر اعظم اتریش اطلاع داده شد که این ملاقات طی اعلامیه کوتاهی در روزنامه ها چاپ و منتشر خواهد شد ...

آنشب پس از امضای موافقتنامه، هیتلر با و تعارف کرد که شام را در برچسگادن نزد او بماند ولی او نپذیرفت و وقتی از اطاق «برگوف» خارج شد، برچسگادن را ترک گفت. آدمی بود خسته و کوفته و از پیاپی آمده که بر همه خواسته های هیتلر گردن نهاده بود ...

در «وین» مردم سرگرم برگزاری جشنهای کارناوال بودند و هیچکس از سرنوشت شومی که در انتظار وطنش بود، اطلاع نداشت، مسئله قتل «دلفوس» که او را بمناسبت قد کوتاهش «صدر اعظم جیبی» لقب داده بودند، تقریباً کهنه شده بود ولی هنوز بعضی از روزنامه های

دردم سرگرم برگزاری جشنهای کارناوال بودند و هیچکس از سرنوشت شومی که در انتظار وطنش بود، اطلاع نداشت، مسئله قتل «دلفوس» که او را بمناسبت قد کوتاهش «صدر اعظم جیبی» لقب داده بودند، تقریباً کهنه شده بود ولی هنوز بعضی از روزنامه های

دردم سرگرم برگزاری جشنهای کارناوال بودند و هیچکس از سرنوشت شومی که در انتظار وطنش بود، اطلاع نداشت، مسئله قتل «دلفوس» که او را بمناسبت قد کوتاهش «صدر اعظم جیبی» لقب داده بودند، تقریباً کهنه شده بود ولی هنوز بعضی از روزنامه های

دردم سرگرم برگزاری جشنهای کارناوال بودند و هیچکس از سرنوشت شومی که در انتظار وطنش بود، اطلاع نداشت، مسئله قتل «دلفوس» که او را بمناسبت قد کوتاهش «صدر اعظم جیبی» لقب داده بودند، تقریباً کهنه شده بود ولی هنوز بعضی از روزنامه های

دردم سرگرم برگزاری جشنهای کارناوال بودند و هیچکس از سرنوشت شومی که در انتظار وطنش بود، اطلاع نداشت، مسئله قتل «دلفوس» که او را بمناسبت قد کوتاهش «صدر اعظم جیبی» لقب داده بودند، تقریباً کهنه شده بود ولی هنوز بعضی از روزنامه های

دردم سرگرم برگزاری جشنهای کارناوال بودند و هیچکس از سرنوشت شومی که در انتظار وطنش بود، اطلاع نداشت، مسئله قتل «دلفوس» که او را بمناسبت قد کوتاهش «صدر اعظم جیبی» لقب داده بودند، تقریباً کهنه شده بود ولی هنوز بعضی از روزنامه های

«انشلوس» یا اسرار اطریش به آلمان

مهمتر آنکه بلافاصله دو تن هواداران پان ژرمانیسم را وارد کابینه نمود و همانطور که در موافقتنامه ذکر شده بود، یکی را به وزارت دارائی و دیگری را بوزارت کشور گماشت.

مردم کوچه و بازار علی الخصوص طرفداران استقلال اطریش که جبهه میهن - پرستان و استقلال طلبان از آنجمله بودند، این دو انتصاب را بعنوان فاجعه ای واقعی تلقی کردند. «گابریل پوتو» سفیر کبیر فرانسه فوراً با وزارت خارجه در پاریس تماس گرفت و پیام تلفنی زیر را مخابره نمود:

ما حاصل مذاکرات صدراعظم و برچسکادن اینست، «با آدمی مثل هیتلر امکان هیچ نوع سازش و همکاری وجود ندارد...»

پایان قسمت اول

همه میخوانند بدانند در فضا چه خبر است؟

مجله فضا

برای دادن پاسخ باین پرسش منتشر میشود.

مجله فضا اول هر ماه

اطلاعیه سازمان آب منطقه ای

تهران

قابل توجه ساکنین محترم جوادیه واقع در محدوده زیر:

۱- شمالاً بر جنوبی خیابان سکوی نظامی بین خیابان کشتارگاه و زمین های شمالی فرودگاه قلمه مرغی.

۲- شرقاً بر جنوبی خیابان کشتارگاه بین خیابان های سکوی

نظامی و جنگل

۳- جنوباً بر شمالی خیابان جنگل بین میدابین شماره یک نازی آباد و برومند.

۴- غرباً از قسمت های زیر.

الف- بر شرقی خیابان بیست متری جوادیه بین خیابان

جنگل و کوچه باشگاه

ب- بر شرقی خیابان ده متری دوم بین کوچه های باشگاه

و طاهری.

ج- بر شرقی زمین شمالی فرودگاه قلمه مرغی بین کوچه

طاهری و خیابان سکوی نظامی.

پیرو آگهی شماره ۵۸ مربوط بقبول درخواست انشعاب

آب مجدداً باستحضار میرساند با آنکه نصب انشعابات این محدوده

شروع و قریباً خاتمه خواهد یافت و مهلت قبول درخواست انشعابات

نیز در این ناحیه منقضی گردیده و بلحاظ رعایت کسانی که بجهاتی

تاکنون برای درخواست انشعابات مراجعه ننموده اند و یا بعلت

عدم پرداخت بدهی بابت سفته های معوقه از نصب انشعاب مستغلات

آنان خودداری شده است مدت قبول درخواست انشعابات تا تاریخ

۳۰/۳/۴۷ تمدید میگردد بنا بر این کسانی که تاکنون در این

ناحیه از آب تصفیه شده بهره مند نشده اند میتوانند با استفاده از

این مهلت در تصفیه حساب گذشته اقدام و یاد در این فرست مراجعه

و درخواست انشعاب نمایند.

بدیهی است چنانچه تا ساعت ۱۵ روز دوشنبه ششم خرداد

ماه ۴۷ بیاجه مرکزی سازمان آب واقع در خیابان پارک شهر

مراجعه ننمایند این ناحیه مشمول مقررات خارج از نوبت که

مستلزم پرداخت مخارج اضافی و تحویل پروانه حفاری از شهرداری

ناحیه مربوط است میگردد.

ضمناً نصب انشعابات خارج از نوبت زودتر از سه ماه بعد از

تقاضا مقدور نخواهد بود.

۲-۱ سازمان آب منطقه ای تهران

در شماره آینده:
مراجعه به آراء عمومی یا
آخرین تلاش برای حفظ
استقلال

تلفنهای فروشگاه فردوسی مرکز بشرح ذیل

۲۰۱۶۴۱ الی ۲۰۱۶۴۵

فروشگاه فردوسی

اطلاعیه سازمان آب منطقه‌ای تهران

قابل توجه ساکنین شمیران واقع در محدوده زیر :

شمالا : الف- بر جنوبی خیابان نیاوران بین میدان تجریش و سدها نیاوران (محل تقاطع خیابان‌های نیاوران و علم) .

ب- بر جنوبی خیابان علم (دزاشیب) بین سدها نیاوران و خیابان حقیقت .

شرقا : الف- بر غربی خیابان حقیقت بین خیابان علم و بوعلی .

ب- بر غربی خیابان بوعلی بین خیابان‌های حقیقت و محوی .
جنوبا :

الف- بر غربی خیابان محوی بین خیابان بوعلی و کوچه

سهیل . ب- بر غربی خط فرضی بین (تلاقی خیابان محوی و کوچه سهیل) و سفارت بریتانیا .

ج- بر شمالی سفارت بریتانیا بین نقطه‌ای بفاصله ۷۰ متر از خیابان کوروش (جاده قدیم شمیران) و خیابان کوروش .

غربا :

بوعلی . الف- بر شرقی خیابان کوروش بین سفارت بریتانیا و خیابان

ب- بر شرقی خیابان کوروش بین خیابان بوعلی و میدان

تجریش پیرو آگهی شماره ۸۵ مربوط بقبول درخواست انشعاب آب مجددا باستحضار میرساند با آنکه نصب انشعابات این محدوده

شروع و قریبا خاتمه خواهد یافت و مهلت قبول درخواست انشعابات نیز در این ناحیه منقضی گردیده و بلحاظ رعایت کسانی که به جهاتی

تاکنون برای درخواست انشعابات مراجعه نموده اند و یا بعلت عدم پرداخت بدهی بابت سفته‌های معوقه از نصب انشعابات مستغلات

آنان خودداری شده است مدت قبول درخواست انشعابات تا تاریخ ۱۰/۲/۴۷ تمدیدی گردد بنا بر این کسانی که تاکنون در این ناحیه

از آب تصفیه شده بهره مند نشده اند میتوانند با استفاده از این مهلت در تصفیه حساب گذشته اقدام و یا در این فرصت مراجعه و

درخواست انشعاب نمایند. بدیهی است چنانچه تا ساعت ۱۵ روز سه شنبه دهم اردیبهشت ماه بیاچه مرکزی سازمان آب منطقه‌ای

تهران واقع در خیابان جنوبی پارک شهر مراجعه نمایند این ناحیه مشمول مقررات خارج از نوبت که مستلزم پرداخت مخارج اضافی

و تحویل پروانه حفاری از شهرداری ناحیه مربوطه است میگردد. ضمنا نصب انشعابات خارج از نوبت زودتر از سه ماه از تقاضا مقذور

نخواهد بود .

سازمان آب منطقه‌ای تهران

۲-۲

تکامل فن دیپلماسی

اثر: هارولد نیکلسن

ترجمه: محمد اصادق

میر فندرسکی

کتابیکه جای آن در میان کتب فارسی خالی بود و تاکنون چنین کتابی بزبان فارسی نوشته و یا ترجمه نشده است تا مهابتی برای تاریخ تکامل فن دیپلماسی بشمار آید .

«تکامل فن دیپلماسی»

جامع ترین کتابیست که پیرامون تاریخ تطور روشهای دیپلماتیک از قدیم الایام تاکنون نگاشته شده است .

مطالعه‌ی این کتاب برای دانشجویان

دیپلماتها و سیاستمداران ارزش بسزائی در بردارد و میتواند مورد استفاده‌ی کلیه‌ی علاقمندان بویژه دانشجویان قرار گیرد .

«تکامل فن دیپلماسی» و سیله‌ی

«سازمان چاپ و انتشارات مرجان»

بصورت جیبی به ارزش ۲۵ ریال منتشر شده است .

پادزهر

از : مهر دادشکوهی

در مجموعه‌ی «پادزهر» کوشش

شده تا انسان با ایم، امید، نومیدی، اعتقاد و بی اعتقادی و تمام خواسته‌های فردی و

اجتماعی اش، در محیطی وسیع تر از فضای یک شهر یا یک کشور، بایک بینش جهانی

توصیف گردد ...

مطالعه‌ی «پادزهر» مجموعه‌ی

داستان «مهر دادشکوهی» را به تمام علاقه‌مندان آثار ادبی و جالب توصیه میکنیم.

این کتاب جیبی از طرف «سازمان

چاپ و انتشارات مرجان»

تهران به ارزش ۲۵ ریال انتشار یافته است.

۲-۳

دانشگاه پهلوی

آگهی ثبت نام برای مسابقه ورودی سال تحصیلی

۱۳۴۷-۴۸

۴- سه قطعه عکس ۴ در ۶ سانتی متر که اسم داوطلب پشت همه نوشته شده باشد.

۵- فیش بمبلغ هشتصد ریال که بحساب شماره ۲۵۱۶۸ دانشگاه پهلوی در یکی از شعب بانک ملی ایران پرداخت شده باشد.

دپلمه‌ها و دانش آموزان هر رشته فقط می‌توانند در امتحان تخصصی آن رشته شرکت کنند.

از همه داوطلبان امتحان هوش و زبان فارسی و زبان انگلیسی بعمل خواهد آمد.

امتحان اختصاصی رشته طبیعی عبارت است از فیزیک، شیمی طبیعی و ریاضی در حدود بر نامه طبیعی، امتحان اختصاصی رشته ریاضی عبارت است از فیزیک، شیمی، ریاضی، امتحان اختصاصی رشته ادبی عبارت است از تاریخ ادبیات، تاریخ و جغرافیا، عربی و فلسفه و منطق قابل توجه:

دانش آموزان سال ششم دبیرستانها که در مسابقه ورودی دانشگاه پهلوی قبول شوند در صورتی می‌توانند در دانشگاه ثبت نام کنند که در امتحانات نهائی خردادماه ۱۳۴۷ قبول شده باشند.

وجه حق الثبت و مدارک داوطلب در صورت شرکت نکردن در امتحان یا قبول نشدن در آن بهیچوجه مسترد نمی‌شود. از داوطلبان تقاضا میشود از فرستادن اصل مدارک خودداری کنند.

داوطلبان فقط می‌توانند در حوزه امتحانی که درخواست کرده‌اند شرکت کنند و بعداً نمی‌توانند حوزه امتحانی خود را تغییر دهند. به مدارک ناقص هیچگونه ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تاریخ توزیع کارت شرکت در امتحان روزهای بیست و نهم و سی ام خردادماه ۱۳۴۷ در تهران و شهر از خواهد بود.

تاریخ امتحان ورودی روزهای سی و یکم خرداد و اول تیر ماه ۱۳۴۷ در تهران خواهد بود.

محل توزیع کارت و محل امتحان و ساعت امتحان برای هر رشته بعداً آگهی خواهد شد.

دانشگاه پهلوی برای سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷ از میان دارندگان گواهینامه دوره کامل دبیرستان در رشته‌های ریاضی و طبیعی و ادبی از طریق مسابقه ورودی که در دو مرکز شیراز و تهران بعمل خواهد آمد دانشجو میپذیرد

دانش آموزان فعلی کلاسهای ششم در سه رشته فوق نیرمی توانند در مسابقه ورودی شرکت کنند. در صورت قبول شدن در مسابقه ثبت نام آنها در دانشگاه پهلوی موقوف بر ارائه برگ قبولی در امتحانات نهائی خردادماه ۴۷ خواهد بود

رشته‌های تحصیلی دانشگاه پهلوی از قرار زیر است.

- ۱- زبان و ادبیات فارسی
- ۲- زبان و ادبیات انگلیسی
- ۳- زبان های جدید (فرانسوی و آلمانی)
- ۴- تاریخ
- ۵- روانشناسی و آموزش و پرورش
- ۶- عمران ملی
- ۷- اقتصاد
- ۸- زمین شناسی
- ۹- زیست شناسی
- ۱۰- شیمی
- ۱۱- فیزیک
- ۱۲- ریاضی
- ۱۳- کشاورزی
- ۱۴- پزشکی
- ۱۵- مهندسی شیمی
- ۱۶- مهندسی راه و ساختمان
- ۱۷- مهندسی برق و الکترونیک
- ۱۸- مهندسی میکائیک
- ۱۹- تکنولوژی پزشکی

دپلمه‌ها و دانش آموزان کلاسهای ششم ریاضی و طبیعی می‌توانند برای تحصیل در هر یکی از رشته‌های فوق داوطلب شوند.

دپلمه‌ها و دانش آموزان رشته ادبی فقط می‌توانند داوطلب تحصیل در رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، زبان و ادبیات انگلیسی، تاریخ و زبان‌های جدید (آلمانی و فرانسه) بشوند.

برای ثبت نام داوطلبان باید مدارک زیر را با پست سفارشی به اداره کل پذیرش دانشگاه پهلوی شیراز بفرستند. درخواست و مدارک باید منتهی تا تاریخ سی و یکم اردیبهشت ۱۳۴۷ به اداره پست داده باشند.

۱- برگ درخواست تکمیل و امضاء شده زیر

۲- دو نوشت مصدق با فتوکپی گواهی نامه دوره کامل دبیرستان یا گواهی اشتغال به تحصیل از دبیرستان مبنی بر اینکه داوطلب فعلاً در سال ششم (با ذکر رشته) مشغول تحصیل است.

۳- یک نسخه رونوشت مصدق شناسنامه

دانشگاه پهلوی

برگ درخواست شرکت در مسابقه ورودی سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷

اینجانب (نام خانوادگی) نام فرزند
متولد سال دارنده شناسنامه شماره صادره از
الف - دارنده گواهینامه ششم دبیرستان در رشته سال از دبیرستان شهر
ب - دانش آموز سال ششم دبیرستان در رشته در دبیرستان شهر

(فقط یکی از سوالات الف یا ب که بشما مربوط می شود جواب دهید)

داوطلبم در مسابقه ورودی دانشگاه پهلوی ثبت نام کنم و بضمیمه مدارک زیر را می فرستم

۱- رونوشت مصدق یا (فتوکپی) گواهینامه ششم دبیرستان یا گواهینامه اشتغال بتحصیل در سال ششم دبیرستان

۲- سه قطعه عکس ۳- رونوشت شناسنامه ۴- فیش بانک

و می خواهم در حوزة امتحانی شهر (تعیین کنید شیراز یا تهران) شرکت کنم.

نشانی کامل من این است

تاریخ محل امضاء

(این برگ و مدارک را با پست سفارشی منتهی تا تاریخ ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۷ به نشانی اداره کل

پذیرش دانشگاه پهلوی شیراز بفرستید) .

(لطفا خوانا و درشت بنویسید)

پیشرفت سریع صنایع نفت ایران

هر روز گام تازه‌ای - هر ساعت طرح تازه‌ای و هر لحظه خبر خوبی از این صنعت بزرگ بگوش مردم ایران می‌رسد و این شرکت بزرگ در جلوی قافله - های دیگر و پیشرو صنایع ایران بسمت قافله سالار برهبری شاهنشاه آریامهر پرچم‌پر افتخار صنعت نفت را حمل می‌کند .

در این انقلاب بزرگ که برهبری شاهنشاه آریامهر آغاز شده و بتصدیق دوست و دشمن شاهنشاه آریامهر رسالت تاریخی خود را نسبت باین کشور انجام داده و این کشور در اندک مدتی چنان پیشرفت کرده که در طبقه بندی سران کشور ها - جزء کشور های پیشرفته بحساب درآمده است .

این محاسبه بی سبب نیست ما پیشرفت های صنعتی دیگر را که هر روز يك کارخانه و يك کارگاه جدید افتتاح میشود و بکنار میگذاریم و فقط در باره صنایع عظیم نفت ایران گفتگو میکنیم . صنایع عظیمی که در راس صنایع دیگر قرار گرفته است . این کشور در اندک مدتی با بستن قرارداد هایی اصل پنجاه پنجاه را بهم زده است سهم ایران از درآمد نفت به ۷۵ و ۲۵ افزایش یافت - بطوریکه منافع حاصله ۷۵ در صد سهم ایران باشد و ۲۵ سهم طرف قرار داد .

این جریان همچنان ادامه داشت - تا قرار داد انقلابی «آراپ» بسته شد این قرار داد بین ایران و شرکت های فرانسوی منعقد شد - باین ترتیب که آنها اکتشاف و استخراج و فروش را بر عهده میگیرند و باین ترتیب درآمد ایران از ۲۵ درصد بیشتر خواهد شد و در حقیقت این قرار داد انقلابی در تاریخ صنایع نفت بی سابقه

است ، هنوز کشوری با این شروط قرار داد نفتی امضاء نکرده است .

قرار داد با شوروی در مورد فروش گاز و خرید وسائل کارخانه ذوب آهن و دیگر ماشین آلات در مقابل فروش گاز یکی دیگر از اقدامات مهم صنعت نفت ایران است . زیرا گازی که اجباراً تبدیل بدود میشود ، اکنون بصورت ماشین آلات و دیگر وسائل ماشینی که مورد نیاز کشور ما است باین کشور وارد میشود سود زیاد تری بخزانة دولت میرساند و ارزش بیشتری ذخیره صندوق دولت میشود از طرف دیگر عبور شاه لوله گاز از شهر های ایران سبب خواهد شد که مصرف گاز در ایران جای مصرف نفت و بنزین را بگیرد و باین ترتیب مقداری نفت و بنزین ذخیره شده بجای مصرف داخلی - برای صدور بخارج روانه بازارها میشود و از این بابت هم باز سود سرشاری بخزانة دولت میرود . بدنبال پیشرفت های اخیر که در

صنایع و بخصوص در مورد ازمیان رفتن سیستم ارباب رعیتی و ایجاد شرکت های تعاونی - روستائیان ایران از این پس باید با ماشین آلات در مزارع خود کار کنند و با لطمه بکود شیمیائی و مواد سمی شیمیائی جهت دفع آفات نباتی احتیاج زیاد تری به گاز نفت خواهند داشت . زیرا علاوه بر مواد نایلون و پلاستیکی که از گاز نفت ساخته میشود - مقدار زیادی کود شیمیائی و مواد سمی حشره کش از نفت بدست میآید که پایه صنایع « پتروشیمی » بر روی آن استوار شده است .

علاوه بر همه این ها - شرکت ملی نفت ایران خود بطور جداگانه مشغول بازاریابی است و بانفکس هایی که در اختیار دارد میتواند نفت را در سر موقع بی بازارهای نفتی جهان بفروشد .

یکی از وسائل درآمد نفت ایجاد «ساب ساید در بقانیوی» است . باین

ترتیب شرکت ملی نفت ایران با شرکت دیگران و بکار انداختن سرمایه آنها در کشور هایی مثل هندوستان پالایشگاه میسازد و نفت ایران بوسیله کشتی به پالایشگاه حمل میشود ، شرکت ملی نفت علاوه بر فروش نفت به پالایشگاه - حق استفاده از سود پالایشگاه را نیز دریافت خواهد داشت و باین ترتیب ، تصفیه - خانه های جزء نقش عمده ای را در ایجاد بازار نفت ایران بر عهده خواهند گرفت و میلیونها ارز خارجی بصندوق دولت سود خواهد رسید .

روزی نیست که خبر توسعه صنایع نفت ایران بگوش نرسد و در مدت کوتاهی شرکت ملی نفت ایران بصورت یکی از شرکت های بزرگ نفت جهان ، در اقتصاد کشورهای همسایه نقش مهمی را بر عهده خواهد گرفت و با استخراج مضاعف نفت که در طی یکسال به ۱۲۰۰۰۰۰۰ تن رسیده رکورد جدیدی را بدست آورده است .

این ترقیات روز افزون را باید از رهبری شاهنشاه آریامهر و تلاش شبانه روزی کادر هیات مدیره و تلاش مهندسهای جوان و فعال کشور ما دانست که هر روز پروژه و طرح تازه ای جهت پیشرفت این صنعت عظیم ارائه میدهند و باتشویق شاهنشاه هر روز گام تازه ای در راه اعتلاء و سر بلندی این کشور بر میدارند .

گلزار بهارستان

مرکز تولید و فروش انواع بدرها و گلهای زینتی خیابان بهارستان روبروی پارک امین الدوله

ایرانول

در انواع ● البرز

● الوند

● الموت

از فرآورده های شرکت ملی نفت ایران

افتخار بر شما

برای ۲۱ سالی که گذشت

... بنگاه اعانه ملی بمناسبت بیست و یکمین سالگرد سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و بزرگداشت خدماتی که طی ۲۱ سال به همت شما خریداران نیکوکار بلیطهای اعانه ملی انجام گرفته، اقدام به انتشار یک سری بلیط مخصوص اعانه ملی نموده است



جایزه اولین قهرمان شانس

۲۱ کاپ افتخار با ۲۵۰۰ سکه پهلوی طلا



جایزه دومین قهرمان شانس

پیکان ۴۷

با مصرف ۷ سال نبرین مجانی

۱۱ اردیبهشت بلیط های مخصوص اعانه ملی قرعه کشی میشود